تفسير نور (سوره قصص)

نام نویسنده : حجة الاسلام و المسلمين حاج شيخ محسن قرائتى

# مقدمه ناشر

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم

«قد جائكم من اللّه نور و كتاب مبين»

به راستى كه از جانب خداوند، نور وكتابى روشنگر به سوى شما آمده است.

قرآن كريم از آغاز نزول تا به امروز، همواره مورد توجّه انديشمندان ، زبدگان و متفكّران بوده است واز زواياى گوناگون به تدبّر و تاءمّل در آن پرداخته واز اين رهگذر آثار گرانقدرى از خود به يادگار گذارده اند.

در طول تاريخ بيشترين شرح وتفسير بر قرآن مجيد نوشته شده است و اين كتاب ، تنها كتاب آسمانى است كه بى هيچ نقصان وزيادتى در زمين باقى مانده است . آياتش مانند ستارگان آسمان ، اهل زمين را به صراط مستقيم راهنمايى مى كند و در لابلاى آيات نورانى آن ، آئين نامه ى زندگانى مسلمانان گنجانده شده است و براى دست يابى به اعماق ژرف آن بايد آيات آن را بگونه اى تبيين كرد كه براى همگان قابل فهم باشد. بى دليل نيست كه از زبان انديشمندان بزرگى همچون علاّمه طباطبائى صاحب تفسير الميزان به ضرورت نگارش تفسيرى نو از قرآن در هر چند سال يكبار، تاءكيد شده است كه اين اعتراف ، نشان از غناى مفاهيم قرآن كريم و عظمت معانى آن دارد.

گرچه مساءله تفسير در جامعه ما رونق مطلوب را پيدا نكرده امّا در سالهاى اخير، فعاليت هاى چشمگيرى در زمينه ترويج فرهنگ قرآن و مهجوريت زدايى از آن صورت گرفته است .

از توفيق بزرگ خدمتگزارى به ساحت قرآن كريم ، شمّه اى نيز به لطف و منّت الهى ، نصيب ستاد تفسير قرآن كريم شده است

كه به گوشه اى از آن اشاره مى كنيم :

1- تشكيل جلسات و كلاسهاى تفسير قرآن .

2- تشكيل دوره هاى كارورزى و جلسات توجيهى براى فارغ التحصيلان حوزه هاى علميه .

3- طرّاحى و اجراى مسابقات تفسيرى در حوزه هاى علميه ، دانشگاه ها و مدارس ، به همراه جوائزى ارزنده .

4- اجراى مسابقات مقاله نويسى در موضوعات قرآنى .

5 در ماه رمضان سال 80، در مرحله ى اوّل مسابقه تفسير سوره يوسف و در مرحله بعد تفسير سوره حجرات برگزار گرديد كه با استقبال بى سابقه ى جوانان و مراكز فرهنگى (آموزش و پرورش ، دانشگاه ها، نيروهاى مسلّح ، مساجد، سازمان ها و ادارات و...) به يك حركت عظيم ملّى تبديل شد و تا آنجا اوج گرفت كه در فاصله اى كوتاه بيش از يك ميليون جلد كتاب به منظور برگزارى مسابقه سراسرى ، چاپ و توزيع گرديد.

جمع آورى نظرات به ما نشان داد كه يكى از راه هاى اُنس با تفسير، همين استفاده از تعطيلات تابستان و بهار قرآن ، ماه رمضان است كه البتّه با عرضه ى كتاب مختصر، روان ، ارزان وزيبا همراه باشد.

ستاد تفسير قرآن كريم با همكارى مركز فرهنگى درسهايى از قرآن ، تفسير سوره قَصص را كه يكى از آثار ارزشمند حجة الاسلام والمسلمين محسن قرائتى مى باشد، به تمام علاقمندان عرضه مى نمايد، البتّه به منظور توسعه ى هرچه بيشتر كار، متن اين كتاب بدون هيچ محدوديتى در اختيار مراكز فرهنگى قرار مى گيرد تا به هر شكلى مايلند آن را نشر دهند.

در پايان از خوانندگان عزيز تقاضا داريم چنانكه در زمينه ى برگزارى مسابقات تفسير قرآن ويا مطالب اين كتاب ، پيشنهاد و انتقادى دارند، نظرات خود را به نشانى : تهران ميدان فلسطين ستاد مركزى اقامه نماز ستاد تفسير قرآن كريم ص .پ . 6373/14155 ارسال نموده و يا با تلفن : 8893928 و 8893950 و نمابر 8905150 تماس برقرار نمايند.

ستاد تفسير قرآن كريم

# مقدّمه ى مؤلّف

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم

الحمدللّه ربّ العالمين و صلّى اللّه على سيّدنا و نبيّنا محمّد و اهل بيته الطاهرين

در زمانى زندگى مى كنيم كه انواع تبليغات ، توطئه ها و انحرافات ، فطرت ، عقل و دين انسان ها را مورد تهاجم قرار داده است .

جاى ترديد نيست كه هرچه تاريكى بيشتر شود به نور بيشترى نياز داريم و هرچه امواج خطرناك تر شوند، كشتى مطمئن ترى لازم است .

قرآن ، نور الهى و پيامبر واهل بيت او عليهم السلام كشتى نجاتند، ولى بهره گيرى از اين دو سرچشمه ى زلال ، نياز به شناخت و ايمان دارد.

لذا بايد به سراغ قرآن برويم ، امّا نه در حدّ تلاوت و تجويد، بلكه در حدّ تدبّر و تفسير و بالاتر از آن در حدّ عمل و تبليغ .

گاه با خود مى گويم :

اى كاش ، در مساجد ما پس از اداى نماز، پنج دقيقه اى يك آيه ى قرآن تفسير مى شد.

اى كاش ، در نشريّات و روزنامه هاى ما يك ستون كوتاه براى مفاهيم قرآنى باز مى شد. اى كاش ، فارغ التحصيلان ما توان تلاوت صحيح قرآن و آشنايى با معارف آن را داشتند.

اى كاش ، محتواى منابر و برنامه مراكز تبليغى ما، بر محور قرآن و حديث بود.

اى كاش ، براى هر سنّ و صنفى ، آيات مخصوص آنان تفسير و در اختيارشان قرار مى گرفت .

اى كاش ، در كنار مسابقات حفظ و تلاوت ، مسابقات تفسير رونق بيشترى مى يافت .

و اى كاش ،...

به هرحال توفيق الهى شامل شد و در طول ده سال گذشته ، تفسير بيش از بيست و پنج جزء قرآن كريم در برنامه آينه وحى راديو گفته شد كه پس از تكميل و اصلاح و بازبينى ، به نام تفسير نور چاپ و در اختيار علاقمندان قرار گرفت .

بعضى سوره هاى قرآن با هدف گسترش فرهنگ مطالعاتى تفسير قرآن ، به صورت جداگانه و در قطعى كوچك به چاپ رسيد تا همگان بتوانند در هر مكانى آن را به همراه داشته و مطالعه نمايند.

در اين راستا و با توجّه به استقبال كم نظير اقشار مختلف مردم مخصوصا جوانان ، سوّمين اثر (كتاب حاضر)، تهيه و در اختيار شما عزيزان قرار گرفته است كه تقاضا داريم ضمن مطالعه دقيق ، ما را از نقطه نظرات خود آگاه سازيد.

محسن قرائتى

# سيماى سوره ى قصص

اين سوره هشتاد و هشت آيه دارد و قبل از هجرت ، در مكّه نازل شده است . به مناسبت ورود كلمه «قَصَص» در آيه ى 25، اين سوره نيز «قَصص » نام گزفته است كه به معناى «بيان سرگذشت» مى باشد.

آيات 3 تا 46 اين سوره بطور مفصّل به ماجراى حضرت موسى وفرعون وآيات انتهايى آن نيز به داستان قارون مى پردازد و به سرنوشت صابران نيكوكار و فاسدان گناهكار اشاره مى فرمايد.

اگر چه در سى و چهار سوره از سوره هاى قرآن كريم به نحوى از ماجراى حضرت موسى و فرعون سخن رفته ولى تنها در اين سوره است كه به تمام زواياى زندگى آن حضرت از تولّد، كودكى ، جوانى تا ازدواج ، نبوّت و دعوت به يكتاپرستى توجّه شده است . (1)

# بِسْمِ اللّه الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ

ترجمه :

به نام خداوند بخشنده مهربان .

# (1) طسَّمَّ

# (2) تِلْكَ ءَايَتُ الْكِتَبِ الْمُبِينِ

ترجمه :

طا، سين ، ميم . اينها آيات كتاب روشنگر است .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1- تفسير فى ظلال القرآن .

# (3) نَتْلُواْ عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

ترجمه :

ما بخشى از سرگذشت موسى و فرعون را براى (آگاهى) گروهى كه ايمان مى آورند، بدرستى بر تو مى خوانيم .

## پيام ها :

1- قرآن ، معجزه ابدى اسلام ، از همين حروف الفباى عربى تشكيل شده است ، اگر آن را كلام بشر مى دانيد شما نيز مثل آن را بياوريد. طسم ، تلك آيات

2- كتاب هدايت وتربيت بايد روشن و شفّاف باشد. الكتاب المبين

3- بيان سرگذشت پيشينيان ، نشانه ى قانونمند بودن سنّت هاى الهى در تاريخ است . اگر تاريخ ، حساب و كتاب و قانون نداشت ، ما نمى توانستيم از آن براى زندگى امروز خود استفاده كنيم . نتلوا... من نباء موسى ... لقوم يؤ منون

4- در نقل تاريخ ، به فرازهاى مهمّ و عبرت آموز توجه كنيم . («نباء» به خبر مهم گفته مى شود)

5 مبارزه با طاغوت ها و ستمگران ، در راءس وظايف انبياست . نباء موسى وفرعون

6- داستان هاى قرآن ، خُرافه ، خيالى و گزافه نيست . نباء موسى وفرعون بالحقّ

7- هدفِ قرآن از بيان داستان ، هدايت مؤمنان است . لقوم يؤ منون

8 اوّلين شرط هدايت ، قابليّت است . لقوم يؤ منون

# (4) إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلاَ فِى الاَْرْضِ وَجَعَلَ اءَهْلَهَا شِيَعاً يَسْتَضْعِفُ طَآئِفَةًمِّنْهُمْ يُذَبِّحُ اءَبْنَآءَهُمْ وَيَسْتَحْىِنِسَآءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

ترجمه :

همانا فرعون در سرزمين (مصر) سركشى كرده و مردم آنجا را فرقه فرقه نموده است ، گروهى از آنان را به زبونى و ناتوانى كشانده ، پسرانشان را سر مى برد و زنانشان را (براى كنيزى) زنده نگه مى دارد. براستى كه او از تبهكاران است .

## نكته ها :

كلمه «شِيَع» جمع «شيعة»، در اصل به معناى دنباله روى و تبعيّت است ولى از آنجا كه در يك گروه ، معمولا بعضى از بعضى ديگر پيروى مى كنند، به معناى گروه نيز مى آيد.

كلمه ى «نساء» به معناى زنان است ، ولى شايد در اين آيه مراد دختران باشند، زيرا در برابر پسران قرار گرفته اند.

كلمه «فرعون» نام شخص نيست ، بلكه عنوان پادشاهان مصر بوده است . چنانكه «كسرى» عنوان پادشاهان ايران و «قيصر» عنوانِ پادشاهان روم بوده است . (2)

## پيام ها :

1- شناخت اوضاع و احوال جوامع در هنگام ظهور و بعثت پيامبران ، امرى راهگشاست . اِنّ فرعون ...

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

2- لغتنامه دهخدا.

2- در شناخت نظام ها، اشخاص مهم نيستند، بلكه عملكردها اهميّت دارند. انّ فرعون علا فى الارض (نام «فرعون» به خاطر عملكرد استكبارى و متجاوزانه اوست)

3- تكبّر و گردنكشى ، زمينه ى هر فساد و گناه است . علا فى الارض ... يستضعف ... يذبّح ...

4- تفرقه اندازى ، بارزترين اهرم سلطه مستكبرين بر مردم است . جعل اهلها شيعاتا وقتى مردم اتّحاد و همبستگى داشته باشند، طاغوت ها قدرتى ندارند و نمى توانند كارى از پيش ببرند.

5- تفرقه ، مقدّمه ى ذلّت پذيرى است . ابتدا مردم گروه گروه و متفرّق مى شوند سپس به استضعاف كشيده مى شوند. شيعا يستضعف

6- اعمال خلاف كارگزاران به پاى حاكم نيز حساب مى شود. در اين آيات تمام جنايات ياران فرعون ، به شخص او نسبت داده شده است . جعل ، يستضعف ، يذبّح

7- خداوند، مساءله تفرقه افكنى را قبل از قتل و كشتار ذكر فرموده است . شايد به خاطر آن كه تفرقه زمينه ى كشتن و يا مهم تر از كشتن است . شيعا... يذبّح

8- تفرقه افكنان مفسدند. كان من المفسدين

آرى هر جامعه كه حاكمش متكبّر، مردمش متفرّق ، نيروهاى فعّالش مورد تهديد و منافعش در كام طبقه مرفّه باشد، جامعه اى فرعونى و طاغوتى است .

# (5) وَنُرِيدُ اءَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُواْ فِى الاَْرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اءَئِمَّةًوَ نَجْعَلَهُمُ الْوَرِثِينَ

ترجمه :

وما اراده كرده ايم كه بر كسانى كه در زمين به ضعف و زبونى كشيده شدند، منّت گذاريم و آنان را پيشوايان ووارثين (روى زمين) قرار دهيم .

## نكته ها :

كلمه ى «منّت» در اينجا به معناى نعمت بزرگ و با ارزش است ، (3) نه منّت زبانى كه بازگو كردن نعمت به قصد تحقير ديگران باشد و مسلّما كار زشت و ناپسندى است .

شكّى نيست كه هرگاه اراده ى الهى بر تحقّق امرى تعلّق گيرد، آن مسئله قطعا عملى خواهد شد و هيچ مانعى نمى تواند سدّ راه آن گردد، قرآن مى فرمايد: «انّما اءمره اِذا اءراد شيئا اءن يقول له كُن فيكون» (4) همانا فرمان اوست كه هرگاه چيزى را اراده كند كه باشد، پس آن چيز خواهد بود و محقّق خواهد شد.

با اينكه همه نعمت ها از جانب خداوند است وبندگان در هر نعمتى رهين منّت او هستند، لكن او در خصوص چند نعمت ، تعبير به منّت فرموده كه طبعا از اهميّت بالاى آنها حكايت دارد، از جمله :

الف : نعمت اسلام . كذلك كنتم مِن قبل فمَنّاللّه عليكم (5)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

3- مفردات راغب .

4- يس ، 58.

5- نساء، 94.

ب : نعمت نبوّت . لقد مَنّ اللّه على المؤمنين اذ بَعثَ فيهم رسولا (6)

ج : نعمت هدايت . بل اللّه يمُنّ عليكم اءن هَداكم (7)

د: نعمت حاكميّت مؤمنان . و نُريد اءن نمُنّ على الّذين استضعفوا فى الارض...

در روايات بسيار، حضرت مهدى عليه السلام وحكومت آن بزرگوار در آخرالزمان مصداق اين آيه معرّفى شده است . (8)

مسئله حاكميّت مستضعفان بر زمين ، با عبارات و بيان هاى مختلفى در قرآن آمده است :

الف : وَعَداللّه الّذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنّهم فى الارض (9) خداوند به كسانى كه ايمان آورده و كار شايسته انجام داده اند، وعده خلافت در زمين را داده است .

ب : و لقد اهلكنا القرون من قبلكم لمّا ظلموا ... ثم جعلناكم خلائف فى الارض (10) بعد از آنكه اقوام ستمگر پيشين را هلاك كرديم ... شما را جانشينان زمين قرار داديم .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

6- آل عمران ، 164.

7- حجرات ، 17.

8- تفسير كنزالدقايق .

9- نور، 55.

10- يونس ، 12 13.

ج : انّ الارض يرثها عبادى الصالحون (11) بندگان صالح ، وارث زمين مى شوند.

د: واورثناالقوم الّذين كانوايستضعفون مشارق الارض و مغاربها (12) ما مستضعفان را وارث شرق و غرب زمين گردانديم .

ه‍ : لنهلكنّالظالمين ولنسكننّكم الارض من بعدهم (13) ما ستمگران را نابود وبعد از آن شما را ساكن زمين مى گردانيم .

## پيام ها :

1- حكومت جهانى مستضعفين و حمايت از مظلومان تاريخ ، اراده وخواست الهى است . نُريد

2- در حكومت خودكامه طاغوتى ، نيروهاى كارآمد به ضعف ونابودى كشانده مى شوند. استضعفوا

3- خداوند از آينده جهان خبر مى دهد. نجعلهم ائمّة ...

# (6) وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِى الاَْرْضِ وَنُرِىَ فِرْعَونَ وَهَمَنَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّاكَانُواْ يَحْذَرُونَ

ترجمه :

وبه آنان (مستضعفين) در زمين ، قدرت وتمكّن بخشيم ، و از ناحيه آنان به فرعون و (وزيرش) هامان و سپاهيانشان آنچه را كه از آن بيمناك بودند نشان دهيم .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

11- انبياء، 105.

12- اعراف ، 137.

13- ابراهيم ، 13 14.

## پيام ها :

1- مستضعفان ماءيوس نشوند كه خداوند به آنان نيز قدرت مى دهد. و نُمكّنَ لهم

2- اگر چه كيفر اصلى طاغوت ها در جهان ديگر است ، ولى در دنيا نيز از قهر الهى در امان نخواهند بود. نُرىَ... ما كانوا يَحذرون

3- خداوند، كافران را به دست مؤمنان ، ذليل و خوار مى گرداند. نُرىَ... ماكانوا يَحذرون

# (7) وَاءَوْحَيْنَآ إِلَىَّ اءُمِّ مُوسَىَّ اءَنْ اءَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَاءَلْقِيهِ فِى الْيَمِّ وَلاَتَخَافِى وَلاَ تَحْزَنِىَّ إِنَّ ارَآدُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

ترجمه :

و ما به مادر موسى الهام كرديم كه او را شير بده ، پس هرگاه (از فرعونيان) براو بيمناك شدى ، او را (در جعبه اى گذاشته و) به دريا بيفكن و (از اين فرمان) مترس و (از دوريش) غمگين مباش ، (زيرا) ما او را به توبازمى گردانيم و او را از پيامبران قرار مى دهيم .

# (8) فَالْتَقَطَهُ ءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوّاً وَحَزَناً إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَمَنَ وَجُنُودَهُمَا كَانُواْخَطِئِينَ

ترجمه :

پس (مادر موسى چنان كرد، چيزى نگذشت كه) فرعونيان ، او را (ديده و از آب) برگرفتند تا سرانجام ، دشمن و مايه اندوهشان گردد. همانا فرعون و هامان و سپاهيانشان خطاكار بودند.

## نكته ها :

به فرعون گفته شده بود كه امسال كودكى به دنيا مى آيد كه اگر بزرگ شود تو را سرنگون مى كند. او دستور داد تمام نوزادانى را كه به دنيا مى آيند بكشند، امّا همين كه موسى به دنيا آمد، خداوند به مادرش الهام كرد كه او را شير دهد، آنگاه در صندوقى گذارده و به دريا اندازد.

در اين آيه نسبت به مادر حضرت موسى ، دو امر، دو نهى و دو بشارت آمده است : دو امر: «اَرضعيه اَلقيه»، دو نهى : «لا تخافى لا تحزنى»، دو بشارت : «رادّوه جاعلوه»

كلمه «خوف»، در مورد احتمال خطر و كلمه «حُزن» در مورد نگرانى قطعى بكار مى رود. (14)

مراد از دريا در اين آيه ، رود عظيم نيل در كشور مصر است كه به جهت بزرگى و عظمت ، دريا خوانده شده و كاخ فرعون در ساحل آن بنا شده بود.

## پيام ها :

1- در اضطراب ها و بن بست ها، خداوند بهترين هادى و حامى است . مادر موسى از قتل فرزندش توسّط ماءموران فرعون ، به شدّت ترسيده بود، ولى خداوند به او الهام كرد كه چگونه عمل كند. اوحينا

2- زن نيز مى تواند مورد الهام الهى قرار گيرد. اوحينا الى امّ موسى

3- نزول امدادهاى غيبى با بهره گيرى از امكانات مادّى منافاتى ندارد. شيردادن و در صندوق گذاردن ، منافاتى با توكّل ندارد. ارضعيه

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

14- تفسير الميزان .

4- در هيچ شرايطى نبايد شير مادر را از فرزند دريغ داشت . ارضعيه

5 در دستورات الهى اسرارى نهفته است كه شايد در نظر ابتدايى ، معقول نيايد. القيه فى اليم

6- در راه اجراى فرامين الهى ، نه از چيزى بترسيم و نه نسبت به مسئله اى نگران باشيم . لا تخافى و لاتحزنى (مادر موسى دو نگرانى داشت : يكى ترس ‍ از كشته شدن فرزند و ديگرى غم فراق او، كه خداوند هر دو را همان گونه كه در آيات بعد خواهيم خواند به نحو احسن جبران فرمود.)

7- آنچه در راه خداوند داده شود، به بهترين وجه باز مى گردد. القيه رادّوه ، جاعلوه من المرسلين (مادر موسى به فرمان خداوند فرزندش را رها كرد، اما خداوند هم او را برگرداند و هم به مقام نبوّت رساند.)

8 خداوند، اخبارى از غيب را در اختيار افرادى كه بخواهد قرار مى دهد. جاعلوه من المرسلين

9- فرعون واسطه ى نجات موسى از دريا شد، ولى سرانجام به دست او در همان دريا غرق گرديد. التقطه آل فرعون ليكون لهم عدوّا و حزنا (آرى خدا مى تواند نوزاد بى دست وپا را در دريا حفظ كند، ولى انسان صاحب دست وپا را غرق سازد)

10- وقتى خداوند بخواهد، دشمن انسان نيز ماءمن و ملجاء او مى شود. التقطه آل فرعون (عدو شود سبب خير، گر خدا خواهد.)

گر نگهدار من آن است كه من مى دانم

شيشه را در بغل سنگ نگه مى دارد.

11- خواست انسان در مقابل اراده ى الهى بى اثر است . ليكون لهم عدوّا و حزنا

فرعون گمان كرد كه هديه اى براى او رسيده است امّا خداوند اراده فرموده بود كه دشمنش را در دامان او بپروراند.

12- فرعون و وزير و لشكريانش طرح دادند و عمل كردند، ولى تدبير خداوند همه ى آنها را خنثى كرد. كانوا خاطئين

# (9) وَقَالَتِ امْرَاءَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّى وَلَكَ لاَتَقْتُلُوهُ عَسَىَّ اءَن يَنفَعَنَآ اءَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَداً وَهُمْ لاَيَشْعُرُونَ

ترجمه :

و (چون) همسر فرعون (احساس كرد كه آنان قصد كشتن كودك را دارند خطاب به فرعون ) گفت : او را نكشيد (كه او) روشنى چشم من و توست . شايد به ما سودى برساند يا او را به فرزندى بگيريم ولى آنها نمى فهميدند (كه چه كسى را درآغوش خويش ‍ مى پرورانند)

## نكته ها :

در زندگى حضرت موسى ، چند زن ، نقش محورى و اساسى داشته اند: مادر موسى ، خواهر موسى ، زن فرعون و همسر موسى ، در اين آيه نقش زن فرعون در جلوگيرى از قتل او بيان شده است .

## پيام ها :

1- زنان ، داراى اراده اى مستقلّ و نقشى مؤثّرند. قالت امراءت فرعون

(زن فرعون ، راءى فرعون را تغيير داد و شوكت ، سلطنت وثروت فرعون هيچ يك مانع او نشد)

2- با طرح پيشنهادات صحيح و سريع ، از القاى طرح هاى انحرافى جلوگيرى كنيم . قبل از آنكه فرعون تصميم خود را ابراز كند، همسرش راه درست برخورد با مسئله را القا نمود. قالت امراءت فرعون قُرّة عين لى و لك لاتقتلوه

3- در بيان پيشنهادات از كلمات عاطفى ودلنشين استفاده كنيم . قُرّة عين لى ولك

4- دلهاى همه به دست خداست . او مى تواند سخت ترين دلها همچون دل فرعون را نيز نرم سازد. قُرّة عين لى و لك

5 در برخورد با منكرات ، ابتدا از راه عاطفه وارد شويم و سپس به امر و نهى بپردازيم . قرة عين لى و لك لا تقتلوه

6- از نهى از منكر زبانى ، غفلت نورزيم كه بسيار كارساز است . لا تقتلوه (زن فرعون با گفتن «لاتقتلوه» از كشته شدن موسى جلوگيرى كرد، چنانكه يكى از برادران يوسف با گفتن «لاتقتلوا يوسف» از كشته شدن يوسف جلوگيرى كرد.)

7- زنان در نهى از منكر، سابقه اى درخشان دارند. لاتقتلوه

8 طاغوت ها از ابتدايى ترين عواطف انسانى نيز بى بهره اند و نياز به تذكّر دارند. لا تقتلوه

9- فوائد امر ونهى را بگوييم تا مردم آسان تر بپذيرند. لاتقتلوه عسى اءن يَنفعنا

10- در نظام طاغوتى ، ملاك وضع يا لغو قوانين ، هوسها و منافع شخصى طاغوت هاست . (قانون قتلِ عام نوزادانِ پسر، بر اساس منافع شخصى فرعون وضع شد و باز بر پايه اميد به منافع آينده در مورد نوزاد آب آورده (حضرت موسى) همين قانون لغو گرديد.) لا تقتلوه عسى اءن يَنفعنا

11- برخى انسان ها در ظاهر بسيار بلند پروازند، ولى درباطن اسير نيازهاى درونى خويش هستند. فرعون كه ادّعا مى كرد: انَاربّكم الاعلى سرانجام مى پذيرد كه ممكن است يك نوزاد آب آورده براى او سودمند واقع شود. عسى اءن يَنفعنا

12- خداوند، فرعون را از فرزند پسر محروم داشته بود تا او با پذيرش نوزاد از آب آورده ، به حقارت و عجز خود بيشتر پى ببرد. نتّخذه ولدا

13- گاه ايجاد علاقه ومحبّت ميان افراد بر اساس يك خط غيبى است كه خود طرفين نيز از آن غافلند. وهم لا يشعرون

# (10) وَاءَصْبَحَ فُؤَادُ اءُمِّ مُوسَى فَرِغاً إِن كَادَتْ لَتُبْدِى بِهِ لَوْلاََّ اءَن رَّبَطْنَاعَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ترجمه :

ودل مادر موسى (از هر چيز، جز فكر فرزند) تهى شد (و) اگر قلب او را استوار نساخته بوديم تا از ايمان آورندگان (به وعده ى ما باقى) بماند، همانا نزديك بود كه (به واسطه جزع وفزع) آن (راز) را افشا كند.

# (11) وَقَالَتْ لاُِخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَن جُنُبٍ وَ هُمْ لاَيَشْعُرُونَ

ترجمه :

و (مادر موسى) به خواهر او گفت : (صندوق حامل موسى را) دنبال كن پس ‍ او از دور وى را زير نظر داشت ، در حالى كه (دشمنان) متوجّه نبودند (كه آنكه او را تعقيب مى كند خواهر موسى است و از اين تعقيب ،چه هدفى دارد).

## نكته ها :

تفسير الميزان ، آيه ى و اصبح فؤ اد اُمّ موسى فارغارا با توجّه به سياق و ظاهر آيات قبل و بعد، چنين معنا نموده اند: دلِ مادر موسى به واسطه ى وحى الهى آرام گرفت و ديگر خوف و ترسى نداشت واگر آن وعده الهى نبود، مادر موسى به سبب شدّت اضطراب ، آن راز را افشا مى كرد.

مادر موسى بعد از آنكه فرزندش را در صندوقى گذارده و در دريا انداخت ، به خواهر موسى ماءموريت داد تا مخفيانه اين جريان را پيگيرى كند. او نيز بدور از چشم ماءموران حكومتى ، صندوق را دنبال كرد تا اينكه از دريا نجات يافت و در دامان همسر فرعون قرار گرفت . او همچنان موسى را زير نظر داشت تا اينكه متوجّه شد درباريان فرعون بدنبال دايگانى براى شيردادن به كودك هستند. امّا موسى هيچ سينه اى را نمى پذيرد، سرانجام خواهر موسى با طرح پيشنهاد دايگى مادرش ، و پذيرش دربار، تعقيب و مراقبت و ماءموريتش خاتمه يافت .

## پيام ها :

1- افشاى اسرار از نشانه هاى سستى و ضعف ايمان است . لتبدى به لولا ان ربطنا على قلبها

2- آرامش دلها به دست خداست . ربطناعلى قلبها

3- يكى از نشانه هاى ايمان ، آرامش خاطر و دل آرام است . ربطنا... لتكون من المؤمنين

4- آنچه در نظر الهى مهمّ است ، ايمان است و زن و مرد تفاوتى ندارند. لتكون من المؤ منين در صورتى كه بايد مى فرمود: «من المؤمنات»

5 زنان ودختران نيز بايد از تدبيرهاى لازم در مسائل اجتماعى برخوردار باشند. قالت لاخته قصّيه

6- در امور حساسيّت برانگيز، كارها را به ديگران واگذار كنيم . لاُخته در ماجراى موسى عليه السلام حساسيّت بر روى مادر بيشتر بود و امكان داشت كه مطلب افشا گردد.

7- توكّل بخدا به معناى بى تفاوتى در مسائل نيست . با اينكه مادر موسى زن باايمانى بود، ولى باز هم دخترش را براى تعقيب ماجرا فرستاد. من المؤمنين، قالت لاخته قُصّيه

8 در برخورد با نظام هاى طاغوتى و خفقان آور، تعقيب ومراقبت امرى ضرورى است . قُصيّه

9- براى حفظ اسرار، عادّى سازى در رفتار يك امر لازم است . عن جُنُب (خواهرموسى از دور صندوق برادر را زير نظر داشت ، تا اين مراقبت بسيار عادّى باشد وسبب حساسيّت وتحريك دشمن نشود.)

10- مؤمن بايد ماءموريّت خود را بدور از توجّه دشمن به انجام برساند. و هم لا يشعرون

11- براى آنكه دشمن به اهداف ما پى نبرد، حركات خود را در برابر او كنترل كنيم . و هم لايشعرون

# (12) وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ اءَدُلُّكُمْ عَلَىَّ اءَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَصِحُونَ

ترجمه :

و ما (به دهان گرفتن سينه ى) زنان شيرده را از پيش بر او ممنوع كرديم ، پس ‍ (خواهر موسى كه ماءموران را در جستجوى دايه ديد) گفت : آيا مى خواهيد شما را بر خانواده اى راهنمايى كنم كه سرپرستى او را براى شمابپذيرند و براى او خيرخواه باشند؟

## نكته ها :

«مراضع» جمع «مرضع»، يعنى زنان شيرده و دايه .

## پيام ها :

1- اگر خداوند نخواهد، تشكيلات عريض و طويلى همچون دستگاه فرعون نيز از تاءمين غذاى يك كودك عاجز مى ماند. حرّمنا

2- ابتدايى ترين كارها مثل مكيدن نوزاد نيز با اراده ى الهى است و اگر او نخواهد، اتّفاق نخواهد افتاد. حرّمنا

3- رضاع و سپردن نوزاد به دايه براى شيردادن ، سابقه اى تاريخى و طولانى دارد. المراضع

4- وقتى سر انسان متكبّر به سنگ خورد، راهنمايى و پيشنهاد ديگران ، حتّى يك فرد ناشناس را نيز به راحتى مى پذيرد. فقالت هل ادلّكم

5- پيشنهادات خود را در رابطه با چيزى كه حساسيّت برانگيز است ، بطور عادّى مطرح كنيم . هل ادلّكم

6- در برابر دشمن بايد زيرك بود. (خواهر موسى نامى از مادر موسى به ميان نياورد و نگفت : «عل ى اُمّه»، بلكه آن را به صورت ناشناس ذكر كرد.) على اهل بيتٍ

7- نيازمندى هاى نوزاد، منحصر در غذا نيست ، بلكه او به خانواده وكانون محبّت نيز احتياج دارد و لذا خواهر موسى سخن از سرپرستى همه جانبه كرد، نه تنها تغذيه . يكفلونه

8 پيشنهادات خود را به گونه اى مطرح كنيم كه مخاطب ، آن را به نفع خود بداند. يكفلونه لكم

9- كفالتى ارزشمند است كه با خيرخواهى ومحبّت همراه باشد. يكفلونه لكم و هم له ناصحون

# (13) فَرَدَدْنَهُ إِلَىَّ اءُمِّهِ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلاَ تَحْزَنَ وَ لِتَعْلَمَ اءَنَّ وَعْدَ اللّهِ حَقُّ وَلَكِنَّ اءَكْثَرَهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ

ترجمه :

پس ما (اينگونه) او را به مادرش باز گردانيديم تا روشنى چشم او باشد و غم نخورد و بداند كه هماناوعده الهى حقّ است ، ولى بيشتر مردم نمى دانند.

## نكته ها :

گاهى اوقات عناوين براى انسان ، مزاحم ومانعند. مثلا در اين ماجرا مادر موسى پذيرفت كه

به عنوان دايه فرزندش را شير دهد، زيرا عنوان مادر، سبب قتل فرزندوآزار مادر مى شد.

## پيام ها :

1- وعده هاى الهى تخلّف ندارد. در آيه ى هفتم خداوند وعده داد كه نوزاد را به مادر برگرداند و در اين آيه مى خوانيم كه او را برگرداند. انّا رادّوه اليك رددناه الى اُمّه

2- نوزاد، نور چشم مادر است . كى تَقَرّ عينها

3- براى اهل حقّ، اهداف مهم است ، نه عناوين . رددناه الى اُمّه سرانجام ، فرزند به آغوش مادر بازگشت گرچه اين بار، مادر به عنوان دايه استخدام شد، ولى عنوان مهم نيست ، برگشتن نوزاد مهم است .

4- مادر به واسطه ارتباط عميق با فرزند، بيشترين نقش را در زندگى او دارد. الى اُمّه (در اينجا نامى از پدر موسى به ميان نيامده است .)

5 گاه رازدارى مادر وخواهر مى تواند حيات انسان را تاءمين نمايد. الى اُمّه (مادر وخواهر موسى ، سالها راز مادرى را كتمان كردند.)

6- عاقبت ، سختى ها بسر آمده و فراق به وصال خواهد انجاميد. رددناه الى اُمّه كى تَقَرّ عينها (پس از مدّت ها نگرانى و غم ، سرانجام خداوند، موسى را به مادر بازگرداند. اِنّمع العسر يسرا)

7- اگر خداوند بخواهد، يك انسان ، مايه اميد ونور چشم دو گروه متضاد (خاندان فرعون و خاندان موسى) مى شود. قُرّة عينٍ لى ولك تَقَرّ عينها

8- انبساط وشادى ، وحزن واندوه ، در بينايى انسان تاءثير دارد. تَقَرّ عينها چنانكه دورى حضرت يوسف ، باعث نابينايى حضرت يعقوب گرديد.

وابيَضّت عيناه من الحُزن (15)

9- ايمان به خداوند داراى مراحل و درجاتى است . مادر موسى بانويى مؤمنه بود، «رَبَطنا على قلبها لتكون من المؤمنين» امّا يك مؤمن نيز بايد به مرحله يقين و علم عميق برسد. لتَعلم اءنّ وعد اللّه حقّ

10- فلسفه و دليل بعضى حوادث ، درك حقّانيّت وعده هاى الهى است . لتَعلم اءنّ وعد اللّه حقّ

11- اكثر مردم ظاهربين هستند و دركى از اسرار حكيمانه ونقشه هاى مدبّرانه ى خداوند ندارند. اكثرهم لا يعلمون

# (14) وَلَمَّا بَلَغَ اءَشُدَّهُ وَاسْتَوَىَّ ءَاتَيْنَهُ حُكْماً وَ عِلْماً وَ كَذَلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ

ترجمه :

چون موسى نيرومند شد و كامل گرديد، به او حكمت و دانش عطا كرديم و ما اينگونه نيكوكاران را پاداش مى دهيم .

## نكته ها :

«اءشدّ» از «شدّت»، به معنى نيرومند شدن و «استوى» از «استواء» به معناى كمال خلقت واعتدال آن است .

عبارت «حُكما و عِلما» سه مرتبه در قرآن مجيد آمده كه در همه موارد، حُكم بر علم مقدّم شده است . «حُكم» به معناى فهم درست و قدرت بر داورى صحيح و «عِلم» به معناى داشتن آگاهى و اطلاعات است .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

15- يوسف ، 84.

## پيام ها :

1- اوّلين شرط پذيرش مسئوليّت ، بلوغ جسمانى و توان فكرى و روحى است . و لمّا بَلَغ

2- بلوغ واقعى ، تنها به رشد جسمى و نيروى جنسى نيست ، بلكه به كمال فكر و عقل نيز وابسته است . و لمّا بَلَغ اءشدّه و استوى

3- وعده هاى الهى ، تخلّف ناپذير است . جاعلوه من المرسلين ولمّا بَلغ ... آتيناه

4- نزول الطاف الهى زمينه ى مناسب مى خواهد. و لمّا بَلَغ ... آتيناه

5 حكمت بر علم مقدّم است . حُكما و علما

6- لطف به نيكوكاران ، سنّت الهى است . وكذلك

7- پاداش نيكوكاران ، منحصر به آخرت نيست . و كذلك نجزى المحسنين

(بهره مند شدن موسى از حكمت ودانش ، پاداش الهى در برابر احسان اوست.)

# (15) ودَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ اءَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلاَنِ هَذَا مِن شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَثَهُ الَّذِى مِن شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِى مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىفَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَنِ إِنَّهُ عَدُوُّ مُّضِلُّ مُّبِينٌ

ترجمه :

وموسى وارد شهر شد، در حالى كه مردم (از ورودش) بى خبر بودند، پس در آنجا به دو مرد برخورد كه با يكديگر نزاع مى كردند، اين يكى از طرفدارانش ‍ و آن (ديگرى) از دشمنانش بود.

پس آن كه از پيروان موسى بود، از او در برابر دشمنش يارى خواست . پس موسى (به حمايت از دوست خود) مُشتى بر او زد كه كار او را ساخت (و با همان مشت كشته شد)، موسى (از اين پيشامد تكانى خورد و) گفت : اين از كار شيطان بود، همانا او دشمن گمراه كننده ى آشكارى است .

## نكته ها :

ظاهرا حضرت موسى قبل از نبوّتش ، بيرون از شهر زندگى مى كرده است ، واين يا بخاطر حركات انقلابى او بوده كه در آنجا بسر مى برده و يا بخاطر اينكه كاخ فرعون كه موسى عليه السلام در آن زندگى مى كرده ، خارج از شهر قرار داشته است .

سؤ ال : اگر پيامبران خدا معصومند، پس مشت زدن و آدم كشتن موسى عليه السلام چه توجيهى دارد وچگونه تفسير مى شود؟

پاسخ : كلمه «هذا» در جمله ى «هذا من عمل الشيطان» به نزاع و ستيز آن دو مرد اشاره دارد نه به عمل حضرت موسى ، يعنى اين درگيرى كار شيطان است .

حضرت موسى قصد كشتن آن مرد را نداشت و فقط بخاطر دفاع از يك مؤمنى دست به اين كار زد. از اين روى خداوند از قتل او انتقاد نكرده و در جاى ديگر مى فرمايد: و قَتَلت نفسا فنجّيناك من الغَمّ (16) تو يكى از فرعونيان را به قتل رساندى ودچار غم واندوه شدى و ما تورا از غم نجات داديم .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

16- طه ، 40.

## پيام ها :

1- مصلحان جامعه بايد گاهى به صورت ناشناس و غير رسمى ، بدون نام و عنوان در ميان مردم حاضر شوند. دخل المدينة على حين غفلة من اهلها

2- حضرت موسى قبل از نبوّت نيز داراى يار و پيرو بود. مِن شيعته

3- گرچه موسى بزرگ شده كاخ فرعون بود، ولى مردم مستضعف به خاطر تفكّر ومنش ، او را حامى و رهبر خود مى دانستند.فاستغاثه

4- دفاع و حمايت از مظلومان ، شيوه اولياى الهى است . فوَكَزه موسى

5 انبيا، افرادى پرقدرت ، با غيرت ، جوانمرد، مظلوم نواز وظلم ستيز بوده اند. فوكزه موسى

6- مردان خدا در صورت لزوم بادشمن درگير مى شدند و از زور بازو بهره مى بردند. فوَكَزه موسى

# (16) قَالَ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَاغْفِرْ لِى فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

ترجمه : (موسى) گفت : پروردگارا! همانا من به خويشتن ستم كرده ام ، پس ‍ مراببخش ، پس (خداوند) او را آمرزيدبدرستى كه او آمرزنده ى مهربان است .

## نكته ها :

سؤال : جمله ى «ظَلمتُ نَفسى» به خودم ظلم كردم ، از زبان كسى كه به پيامبرى مى رسد چه معنايى دارد؟

پاسخ : مراد از ظلم به خود در اينجا، گرفتار شدن به آثار اجتماعى قتل غير عمد است ، نه گناه ، تا با مقام عصمت منافات داشته باشد. زيرا خداوند، حضرت موسى را مخلَص مى داند؛

«اِنّه كانَ مُخلَصا» (17) و كسى كه به اين درجه نائل گرديد ديگر گناه نمى كند، زيرا شيطان خود اقرار كرده است كه قدرت نفوذ در مخلصين را ندارد. «فَبِعزّتِك لاُغويّنّهم اَجمَعين اِلاّ عبادكَ منهُم المخلَصين» (18)

## پيام ها :

1- در دعا، خداوند را با كلمه مباركه ى «ربّ» بخوانيم . قال ربّ

2- هر چند كار خلاف ، عمدى نباشد ولى نبايد از آثار طبيعى و وضعى آن غافل بود. ظَلمتُ نفسى (حضرت موسى به قصد نجات يك مؤمن وارد صحنه شد و ناخواسته مرتكب قتل گرديد و در واقع گناهكار بحساب نمى آمد، امّا اين عمل ، كار او را دشوار كرد و اين يك آفت بود.)

3- افراد صالح حتّى در برابر كجى هاى غير عمدى نيز بلافاصله استغفار مى كنند و از تبعات آن دورى مى گزينند. فاغفرلى

(حضرت موسى با استغفار خود چند چيز را از خداوند درخواست كرد، هم محو آثار اجتماعى كار خود را، هم برطرف شدن نگرانى از آينده را و هم دفع توطئه هاى انتقام جويانه ى فرعونيان را.)

4- دعاى انبيا مستجاب است . فَغَفرلَه

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

17- مريم ، 51.

18- ص ، 82 83.

# (17) قَالَ رَبِّ بِمَآ اءَنْعَمْتَ عَلَىَّ فَلَنْ اءَكُونَ ظَهِيراً لِّلْمُجْرِمِينَ

ترجمه :

(سپس موسى) گفت : پروردگارا! بخاطر (قدرت و) نعمتى كه بر من ارزانى داشتى ، پس هرگز پشتيبان تبهكاران نخواهم بود.

## نكته ها :

شايد مراد از نعمت در جمله ى «انعمت علىَّ»، غفران و بخشش الهى باشد.

## پيام ها :

1- قدرت جسمى ،از نعمت هاى الهى است . بما اَنعمتَ علىَّ (موسى قدرتى داشت كه با يك مشت توانست كافرى را از پا در آورد.)

2- شكر نعمت هاى الهى ، دورى از ستم به ديگران است . بما اَنعمتَ علىّ فلَن اءكون ظَهيرا للمجرمين

شكرانه ى بازوى توانا

بگرفتن دست ناتوان است

3- همكارى با گنهكاران نيز گناه است . فلن اءكونَ ظَهيرا للمجرمين

(به گفته ى روايات ، راضى بودن به گناه ديگران هم گناه بحساب مى آيد.)

# (18) فَاءَصْبَحَ فِى الْمَدِينَةِ خَآئِفاً يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِى اسْتَنصَرَهُ بِالاَْمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَىَّ إِنَّكَ لَغَوِىُّ مُّبِينٌ

ترجمه :

(ولى از آن پس ، موسى به سبب اين قتل) در شهر نگران و ترسان گرديد (و هر لحظه انتظار حادثه اى را مى كشيد) پس ناگهان (مشاهده كرد) همان كسيكه ديروز از او يارى طلبيده بود، با فرياد از او كمك مى خواهد!، موسى به او گفت : بدرستى كه تو در گمراهى آشكارى هستى !.

## پيام ها :

1- هر ترسى مذموم نيست ، ترس از نرسيدن به اهداف خود و يا دستيابى دشمن به آرزوهايش ، ترس پسنديده است . خائفا يَتَرقّب

2- از بازتاب كارها و تصميمات خود مراقبت كنيم . يَتَرقّب

3- با وجود آنكه موسى در كاخ فرعون زندگى مى كرد، ولى با مردم رابطه داشت و در ميان آنان به شخصى مصلح شهرت يافته بود. يَستَصرخُه

4- اگر در جايى وظيفه تقيّه است و بايد به خاطر مصالحى اهداف مكتوم بماند، نبايد هر روز دست به تحرّك وآشوبى زد و عدم رعايت اين موضوع ، گناه محسوب مى شود. اِنّك لَغَوىُّ مُبين

5 خودى هاى بى توجّه را بايد توبيخ كرد و نبايد به خاطر حزب و گروه ، خلاف آنان را ناديده گرفت . اِنّك لغَوىُّ مبين

# (19) فَلَمَّآ اءَنْ اءَرَادَ اءَن يَبْطِشَ بِالَّذِى هُوَ عَدُوُّ لَّهُمَا قَالَ يَمُوسَىَّ اءَتُرِيدُاءَن تَقْتُلَنِىكَمَا قَتَلْتَ نَفْساً بِالاَْمْسِ إِن تُرِيدُ إِلاَّ اءَن تَكُونَ جَبَّاراً فِى الاَْرْضِ وَ مَاتُرِيدُ اءَن تَكُونَمِنَ الْمُصْلِحِينَ

ترجمه :

پس چون (موسى) خواست به آن كسى كه دشمن هر دوى آنها بود حمله كند (و با او درگير شود، او) گفت : اى موسى ! آيا تصميم گرفته اى كه مرا (هم) به قتل برسانى ، همان گونه كه ديروز (نيز) انسانى را كُشتى ؟! تو جز زورگويى در روى زمين هدفى ندارى و نمى خواهى كه از مصلحان باشى .

## نكته ها :

كلمه «بَطش» به معنى خشم همراه با شدّت وقدرت است .

## پيام ها :

1- انتقاد از خلاف دوستان ، نبايد سبب رها كردن و حمايت نكردن از حقّ آنان شود. (با اينكه حضرت موسى در آيه قبل با جمله «اِنّك لغوىّ مبين» از يار خود انتقاد كرد، ولى باز هم تصميم به حمايت از او گرفت) اءرادَ اءن يَبطش

2- در همه جا موعظه كارساز و كافى نيست ، گاهى زور و قدرت لازم است . اءراد اءن يَبطش

(«وقار» به معناى وارفتگى و بى حالى نيست ، حضرت موسى دو روز پى در پى درگيرى خيابانى داشت .)

3- در نظام استكبارى ، فرعون كه نوزادان معصوم را عمدا به قتل مى رساند، خدا خوانده مى شود! ولى موسى كه بدون قصد قتل به دشمن كافر ضربه اى وارد مى كند و منجر به مرگ او مى شود، جبّار معرّفى مى شود!! تَكون جبّارا فى الارض

# (20) وَجَآءَ رَجُلٌ مِّنْ اءَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَىَّ إِنَّ الْمَلاََيَاءْتَمِرُونَ بِكَلِ يَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّى لَكَ مِنَ النَّصِحِينَ

ترجمه :

و (در اين هنگام) مردى از دورترين نقطه شهر (كه مركز استقرار فرعونيان بود) شتابان (به سوى او) آمد و گفت : اى موسى ! همانا سران قوم در مورد تو مشورت مى كنند تا تو را بكشند، پس (فورا از اينجا) خارج شو، همانا كه من ازخيرخواهان و دلسوزان تو هستم .

# (21) فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفاً يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِى مِنَ الْقَوْمِ الظَّلِمِينَ

ترجمه :

پس (موسى) از شهر خارج شد در حالى كه نگران و ترسان بود. گفت : پروردگارا! مرا از (دست) اين گروه ستمگر نجات ده .

## نكته ها :

مراد از كلمه ى «رَجُل» در اين آيه ، همان «مؤمن آل فرعون» است كه سوره ى «مؤمن» (غافر) به نام اوست . او ايمان خود را كتمان و در لباس تقيّه به موسى كمك مى كرد.

## پيام ها :

1- حضرت موسى در دربار فرعون ، عامل نفوذى و طرفدار داشت . جاء رجل

2- كمك به ظالم در هر شكلى حرام است ، ولى ورود و نفوذ در دستگاه براى كمك به اهل ايمان كارى پسنديده است . جاء رجل (حضور علىّ ابن يَقطين يكى از ياران امام كاظم عليه السلام در دستگاه ظلم بنى عبّاس نيز از همين باب بود.)

3- طاغوت ها براى امنيّت و آسايش بيشتر خود، در ميان مردم و مركز شهر زندگى نمى كنند. اَقصَى المدينة

4- در حفظ جان مردم ، نهايت تلاش خود را بكار ببريم . يَسعى

5 گاه ، خبررسانى به موقع وسوز و سرعت در كار، سرنوشت يك ملّت را عوض مى كند. يسعى (چه بسا كه اگر اين مرد، اخبار را به موسى عليه السلام نمى رساند و آن حضرت از شهر بيرون نمى رفت ، بدست ماءموران فرعون كشته مى شد.)

6- يك انسان انقلابى مثل موسى ، جبهه ى كفر و مهره هاى آن را به اضطراب و تكاپو مى اندازد. اِنّ المَلاء يَاءتَمِرون

7- اطرافيان طاغوت ها نيز در جرم آنها شريك هستند. يَاءتَمِرون بك

8 افشاى توطئه ها وطرحهاى خائنانه واجب است . يَاءتمِرون بك

9- مصلحان جامعه بايد همواره آمادگى هجرت و آوارگى را داشته باشند. فَخَرج

10- به هشدارهاى دلسوزانه بها دهيم و نصيحت ديگران را بپذيريم . فَاخرُج فَخَرَج

11- شجاعت ، به معناى در دسترسِ دشمن قرار گرفتن نيست . فخَرَج

12- زندگى انبيا غالبا با آوارگى واضطراب همراه بوده است . فخَرَج

13- سعى و همّت خود را بكار بريم ، ولى نتيجه را از خداوند بخواهيم . فخَرَج قال رَبّ نَجّنى

14- دعا بايد با تلاش و حركت همراه باشد. فخَرَج منها قال رَبّ نَجّنى

15- رهبران الهى ، در همه حالات از خداوند استمداد مى كنند. ربّ نَجّنى من القوم الظالمين ، ربّ اِنّى ظَلمتُ نفسى فاغفرلى (19)، ربّ بما اءنعمتَ علّى فلن اءكونَ ظهيرا للمجرمين (20) وربّ انّى لمااءنزلتَالىّ من خيرفَقير (21)

# (22) وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَآءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّىَّ اءَن يَهْدِيَنِى سَوَآءَ السَّبِيلِ

ترجمه :

و چون (موسى) به سوى مدين روى نهاد، گفت : اميد است كه پروردگارم مرا به راه راست هدايت فرمايد.

## نكته ها :

«مَديَن» شهرى در جنوب شام وشمال حجاز، ونزديك تبوك است كه در آن زمان از قلمرو حكومت فرعون ، بيرون بوده است .

## پيام ها :

1- تحرّك ، هجرت و بكارگيرى تاكتيك هاى متفاوت از لوازم يك انقلاب است . و لمّا توجّه

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

19- قصص ، 16.

20- قصص ، 17.

21- قصص ، 24.

2- اوّل حركت كنيم ، سپس دعا كنيم و اميدوار باشيم . و لمّا توجّه ... قال عسى ربّى اءن يهدين

3- همواره در صدد انتخاب نزديك ترين وبهترين راه ها باشيم . سواء السبيل

4- اميدوارى ، در همه ى حالات پسنديده است . عسى ربّى

5 فراز ونشيب ها، يك سنّت الهى در راه تربيت انسان هاست . ولمّا توجّه ... قال عسى ربّى

6- كار خود را با استمداد از پروردگار آغاز كنيم . و لمّا تَوجّه ... قال عسى ربّى ان يَهديَنى

7- در محيطهاى طاغوت زده كه زمينه ى انحراف و تصميمات نابخردانه فراهم است ، از خداوند، هدايت بجوييم . يَهدِيَنى سواء السبيل

# (23) وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ اءُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَاءَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لاَ نَسْقِى حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَآءُ وَ اءَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ

ترجمه :

و چون موسى به (چاه) آب مدين رسيد، گروهى از مردم را در اطراف آن ديد كه به سيراب كردن (چهار پايان خويش) مشغولند و در كنار آنان به دو زن برخورد كه مراقب بودند (تا گوسفندانشان با گوسفندان ديگر مخلوط نشوند. پس موسى جلو رفته و به آنان) گفت : منظور شما (از اين كناره گيرى) چيست ؟ گفتند: ما (براى پرهيز از اختلاط با مردان ، گوسفندان خود را) آب نمى دهيم تا اينكه همه ى چوپانان خارج شوند

و (حضور ما در اينجا براى آن است كه) پدر ما پيرمردى كهنسال است .

# (24) فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىَّ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّى لِمَآ اءَنزَلْتَ إِلَىَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ

ترجمه :

پس (موسى گوسفندانشان را) براى آنان آب داد، سپس رو به سوى سايه آورد وگفت : پروردگارا! همانا من به هر خيرى كه برايم بفرستى نيازمندم .

## نكته ها :

«تذودان» از مادّه «ذود» به معناى منع كردن و جلوگيرى كردن است .

در اين آيه ، كلمه «وَجَدَ» دو مرتبه تكرار شده كه نشانه ى دو نگاه جداگانه است ، در حالى كه اگر مردان و زنان در كنار هم بودند با يك نگاه ديده مى شدند.

## پيام ها :

1- آبها از منابع ملّى هستند، نه اموال شخصى . ماء مدين ... النّاس ‍ يسقون

2- از حيا و ضعف زنان ، سوء استفاده نكنيم . اگر قانون و حمايتى در كار نباشد، بسيارى از مردان ، حقوق زنان را ناديده مى گيرند. اُمّة ... يَسقون و وَجد من دونهم امراءتين

3- حريم ميان زن و مرد يك ارزش است كه دختران شعيب آن را مراعات مى كردند. و وجَدَ من دونهم امراءتين

4- از موقعيّت خود سوء استفاده نكنيم . وجد من دونهم امراءتين (اين دو زن، دختران شعيبِ پيامبر بودند،

ولى از مردم نخواستند تا بخاطر پدرشان ، راه را براى آنان باز كنند.)

5 دختران پيامبر خدا چوپانى مى كنند، ولى هرگز تن به ذلّت وگدايى نمى دهند. امراءتين تذودان

6- چوپانى ، شغل بسيارى از انبياى الهى بوده است . و اءبونا شيخ كبير اگر پدر ما پير نبود، خودش چوپانى مى كرد.

7- مشكلات شخصى ما را از حمايت ديگران باز ندارد. ماخَطبُكما (موسى كه جانش در خطر و در حال فرار بود، از كمك و حمايت ديگران دست برنداشت .)

8 حمايت از زنان يك ارزش انسانى است . ما خَطبُكما

9- گفتگوى مرد با زن در صورت لزوم مانعى ندارد. ما خَطبُكما

10- سعى كنيم در حرف زدن با نامحرم ، خلاصه سخن بگوييم . ما خَطبُكما

11- نسبت به آنچه در اطراف ما مى گذرد، بى تفاوت نباشيم . ما خطبكما

12- كار زن در خارج از منزل اشكالى ندارد، به شرط آنكه :

الف : زن در محيط كار، تنها نباشد. امراءتين

ب : با مردان اختلاطى نداشته باشد. من دونهم لانسقى حتّى يصدر الرّعاء

ج : مردى كه توان كار داشته باشد، در خانواده نباشد. اءبونا شيخ كبير

13- اگر در موضعى غير عادّى قرار داريم ، از خود دفع شبهه كنيم . اءبونا شيخ كبير

14- وقتى پدر و نان آور خانواده از كار مى افتد، همه ى فرزندان حتّى دختران نيز مسئول هستند. اءبونا شيخ كبير

15- در كمك به ديگران ، شرطى قرار ندهيم و سريع اقدام كنيم . فسقى لهما

حضرت موسى همين كه دليل منطقى آن دو زن را شنيد، بدون هيچ گونه پرسش و درخواستى ، بى درنگ به رفع خواسته آنان پرداخت .

16- خدمت به مردم را خالصانه انجام دهيم و حل مشكلات خود را از خداوند بخواهيم . فسقى لهما ربّ انّى (موسى گوسفندان آن دو دختر را سيراب كرد، ولى براى رفع گرسنگى خود به جاى استمداد از آنان ، از خدا كمك طلبيد.)

17- همه چيز را از خداوند درخواست نماييم . ربّ انّى لما انزلت الىّ من خير فقير

18- در دعا، براى خداوند تكليف ومصداق معيّن نكنيم . لما انزلت الىّ من خير فقير (حضرت موسى با اينكه گرسنه بود، ولى از خدا، نان و غذا طلب نكرد.)

# (25) فَجَآءَتْهُ إِحْدَيهُمَا تَمْشِى عَلَى اسْتِحْيَآءٍ قَالَتْ إِنَّ اءَبِى يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ اءَجْرَ مَاسَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَآءَهُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لاَتَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّلِمِينَ

ترجمه :

پس (چيزى نگذشت كه) يكى از آن دو (زن) در حالى كه با حيا و عفّت راه مى رفت به نزد او آمد و گفت : همانا پدرم از شما دعوت مى كند تا مزد اينكه براى ما آب دادى به تو بپردازد. پس همين كه موسى به نزد آن پدر پير (حضرت شعيب) آمد و

سرگذشت خود را براى او بازگو كرد، او گفت : نترس ، تو از (دست) گروه ستمگران نجات يافتى .

## پيام ها :

1- رفت وآمد زن در بيرون خانه بايد براساس حيا و عفّت باشد. تمشى على استحياء (حيا، از برجسته ترين كمالات زن در قرآن مى باشد.

2- در دعوت ، مرد از مرد و زن از زن دعوت كند. اِنّ اءبى يَدعوك

3- بدون دعوت ، خود را ميهمان نكنيم . اِنّاءبى يدعوك

4- كسى كه از دامن طاغوت بگريزد، به خانه پيامبر خدا ميهمان مى شود. اِنّ اءبى يدعوك

5 پدر، بايد از رفتار فرزندان خود آگاه باشد و در مقابل حركات آنان عكس العمل مناسب نشان دهد. اِنّ اءبى يدعوك (شعيب كه ديد دخترانش ‍ زودتر از روزهاى ديگر آمده اند، علّت را پرسيد و تصميم به تشكّر از موسى گرفت .)

6- غريب نوازى ، از صفات بارز پيامبران الهى است . يدعوك

7- براى خدمات مردم ، ارزش قائل شويم . ليجزيك

8 قصد قربت ، با قدردانى ديگران منافاتى ندارد. اءجر ما سقيت (حضرت موسى كار را براى رضاى خدا انجام داد، ولى حضرت شعيب با پرداخت مزد از زحمات او تقدير كرد.)

9- حوادث را براى خبرگان و اهل تفسير و تحليل بازگو نماييم . قصّ عليه القصص

10- عاقبت اهل ايمان ، نجات و رستگارى است . نَجوتَ

11- در كنار اولياى خدا بودن ، خود يك نوع ايمنى و احساس امنيّت است. نَجَوتَ

12- دعاى انبيا، مستجاب است . نجوتَحضرت موسى ديروز دعا كرد: ربّ نجّنى من القوم الظالمين (22)، امروز مى شنود: لاتخف نجوت من القوم الظالمين

# (26) قَالَتْ إِحْدَيهُمَا يََّاءَبَتِ اسْتَئْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَئْجَرْتَ الْقَوِىُّ الاَْمِينُ

ترجمه :

يكى از آن دو (دختر، خطاب به پدر) گفت : اى پدر! او را استخدام كن ، زيرا بهترين كسى كه (مى توانى) استخدام كنى ، شخصِ توانا و امين است .

## نكته ها :

امام رضا عليه السلام فرمود: حضرت شعيب از دخترش پرسيد: چگونه امانت دارى اين جوان را فهميدى كه او را امين مى خوانى ؟ گفت : وقتى دعوت شما را به او ابلاغ كردم ، به من گفت : از پشت سر من ، مرا راهنمايى كن . (23) تا مبادا به قامت من چشم بدوزد.

## پيام ها :

1- دختران نيز در خانواده بر اساس منطق و حكمت ، حقّ پيشنهاد دارند و فرقى با ديگران ندارند. قالت احداهما يا ابت استاءجره

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

22- قصص ، 21.

23- بحار، ج 13، ص 44.

2- روابط حسنه ميان والدين و فرزندان و آزادى بيان در خانواده ، يك ارزش ‍ است . يا اءبت استاءجره

3- همه ى اعضاى خانه پيشنهاد بدهند، ولى تصميم نهايى با سرپرست خانواده است . اِستاءجره

4- زنان عفيفه بدنبال آنند تا كمتر از منزل خارج شوند. استاءجره (براى كارهاى سخت خارج از منزل ، از مرد استفاده شود.)

5 كار، عار نيست ، اولياى خدا نيز كار مى كرده اند. استاءجرت

6- در گزينش ها، به بهترين ها توجّه كنيم . خير من استاءجرت

7- براى استخدام ، دو عنصر توانايى (تخصّص) و امانتدارى (تعهّد)، لازم است . القوىّ الامين

8 توانايى ها و امانتدارى ها را بايد در شرايط عادّى و بدون توجّه طرف ، شناسايى و احراز كرد. القوى الامين (غالب افراد با تصنّع ، تملّق و رياكارى ، واقعيّت خود را مى پوشانند. امّا حضرت موسى در يك صحنه طبيعى ، با يك كار حمايتى و برخورد عفيفانه ، خود را نشان داد.)

كار و كارگرى

خداوند از مردم ، عمران و آبادى زمين را خواسته كه بدون كار و تلاش محقّق نمى شود. (24)

در سراسر قرآن بر عمل صالح كه داراى معناى بسيار گسترده اى است ، تكيه شده است .

انبياى الهى ، كشاورز، چوپان ، خيّاط و نجّار بوده اند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

24- هو اءنشاءكم من الارض و استعمركم فيها هود، 61.

كار در اسلام عبادت و به منزله ى جهاد است . (25)

دعاى بيكار مستجاب نمى شود.

كار وسيله ى تربيت جسم و روح ، پركردن ايّام فراغت ، مانع فساد و فتنه ، عامل رشد و نبوغ و ابتكار، توسعه ى اقتصادى ، عزّت و خودكفائى و كمك به ديگران مى باشد.

قرآن مى فرمايد: ما زمين را براى شما رام قرار داديم پس از پشت آن بالا رويد و از رزق آن بخوريد. (26)

اسلام براى كار بازويى احترام ويژه اى قائل شده است و مراعات حقّ كارگر و تحصيل رضاى او و پرداخت سريع مزد او و اضافه پرداخت بر مقدار تعيين شده و احترام به او همه و همه مورد سفارش اسلام است . همان گونه كه براى كشاورزى سفارش نموده تا آنجا كه سيراب كردن درخت ، پاداش سيراب كردن مؤمن دارد.

حضرت على عليه السلام به استاندارش سفارش مى كند كه كشاورزان مورد ستم قرار نگيرند و در گرفتن ماليات مراعات آنان را بكن .

كارهاى فكرى نيز از ارزش بالايى برخوردار است تا آنجا كه يك ساعت فكر مفيد از ساعت ها عبادت بهتر است .

كم كارى و سهل انگارى در كار، مورد انتقاد است تا آنجا كه رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله فرمود: خداوند دوست دارد

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

25- وسائل ، ج 12، ص 43.

26- هو الذى جعل لكم الارض ذلولا فامشوا فى مناكبها و كلوامن رزقه ملك ، 67.

هر كس كارى انجام مى دهد آن را به نحو اءحسن انجام دهد.

قرآن مى فرمايد: هرگاه از كار مهمى فارغ شدى به كار مهم ديگرى بپرداز. فاذا فَرَغتَ فَانصَب (27) بنابراين بيكارى ، ممنوع .

آرى ، بيكارى مايه ى خستگى ، تنبلى ، فرسودگى ، فرصتى براى نفوذ شيطان ، ايجاد فتنه و گسترش گناه مى باشد.

البتّه اسلام براى كار، ساعت و مرز قرار داده و به كسانى كه در ايّام تعطيل كار مى كنند، لقب متجاوز داده است . (28)

امام رضا عليه السلام فرمود: مؤمن بايد ساعات خود را بر چهار بخش تقسيم كند: ساعتى براى كار، ساعتى براى عبادت ، ساعتى براى لذّت و ساعتى براى دوستان و رسيدگى به امور اجتماعى كه در غير اين صورت انسان به صورت عنصرى حريص در آمده و مورد تمام انتقادهايى كه درباره حرص است قرار مى گيرد.

اسلام توجّه خاصّى به كيفيت كار دارد، نه به مقدار و كمّيت آن . (29)

به هر حال اسلام به كار اهمّيت داده تا آنجا كه در حديث مى خوانيم : خداوند بنده پرخواب و انسان بيكار را دشمن دارد. (30) امام باقر عليه السلام فرمود: كسى كه در كار دنيايش تنبل باشد، در كار آخرتش تنبل تر است . (31)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

27- انشراح ، 7.

28- الّذين اعتدوا منكم فى السبت بقره ، 65.

29-ايّكم اءحسنُعملاهود،7.

30- وسائل ، ج 12، ص 37.

31- وسائل ، ج 12، ص 37.

در حديث مى خوانيم : شخص فقير و بيكارى نزد پيامبر آمد و تقاضاى كمك كرد. حضرت فرمود: آيا كسى در منزلش تبرى دارد؟ يك نفر گفت : بله ، او تبر را آورد و پيامبر چوبى كه در كنارش بود دسته ى آن تبر قرار داد و به آن شخص بيكار تحويل داد و فرمود: اين ابزار كار، امّا تلاش با خودت .

از اين حركت چند نكته استفاده مى شود:

1- انبيا در فكر زندگى مردم نيز هستند.

2- ضعيف ترين فرد جامعه مى تواند با شخص اوّل جامعه ملاقات كند.

3- جامعه نياز به تعاون و همكارى دارد. تبر از يك نفر و چوب آن از ديگرى ، هماهنگى و سازندگى و تبر سازى از شخص پيامبر.

4- براى مبارزه با فقر، بايد ابزار توليد را در اختيار نيروهاى فعّال جامعه قرار داد.

# (27) قَالَ إِنِّىَّ اءُرِيدُ اءَنْ اءُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَىَّ هَتَيْنِ عَلَىَّ اءَن تَاءْجُرَنِى ثَمَنِىَ حِجَجٍ فَإِنْ اءَتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِندِكَ وَ مَآ اءُرِيدُ اءَنْ اءَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِىَّ إِن شَآءَ اللّهُ مِنَ الصَّلِحِينَ

ترجمه :

(حضرت شعيب به موسى) گفت : من قصد دارم تا يكى از اين دو دخترم را به همسرى تو درآورم بر اين (شرط) كه هشت سال براى من كار كنى و اگر (اين مدّت را) به ده سال تمام كردى ، پس ‍ (بسته به خواست و محبّت) از ناحيه توست و من نمى خواهم كه بر تو سخت گيرم ، بزودى به خواست خداوند، مرا از صالحان خواهى يافت .

## نكته ها :

ما مى توانيم تمام كارهاى خود را رنگ الهى دهيم ، چنانكه قرآن مى فرمايد: صبغة اللّه و مَن اءحسن من اللّه صبغة (32) مثلا هرگاه صورت خود را مى شوييم ، قصد وضو نماييم ، هرگاه مى نشينيم مثل پيامبر صلّى اللّه عليه و آله روبه قبله نشينيم ، به جاى مدرك و مقام ، براى رضاى خداوند درس بخوانيم ، لباسى كه براى همسر مى خريم ، به مناسبت اعياد مذهبى همچون عيد غدير يا تولّد حضرت زهرا عليهاالسلام باشد، هديه اى كه براى فرزند خود مى خريم به مناسبت كسب يك كمال معنوى باشد، همان گونه كه در اين آيه به جاى هشت سال فرمود: به اندازه ى هشت حج .

## پيام ها :

1- اگر كارى بر اساس جوانمردى و ضعيف نوازى انجام شود، علاوه بر اجر معنوى ، پاداش دنيوى نيز بدنبال دارد. قال اِنّى اُريد اءن اُنكِحُك (حضرت موسى كه تا ساعاتى پيش حتّى بر جان خود ايمن نبود، اينك علاوه بر امنيّت جانى ، صاحب زن و زندگى و كار مى شود.)

2- سنّت هاى خوب ازدواج (همچون حضور در منزل دختر و گفتگو با حضور پدرش) را از انبيا بياموزيم . اِنّ اءبى يَدعوك - اِنّى اُريد اءن اُنكحك

3- شناخت داماد پيش از اقدام به ازدواج ، امرى ضرورى است . فلما قَصّ عليه القصص قال اِنّى اُريد اءن اُنكحك (موسى سرگذشت خود را صادقانه به شعيب گفت و او به موسى اطمينان پيدا كرد،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

32- بقره ، 138.

آنگاه پيشنهاد دامادى او را براى دخترش مطرح نمود.)

4- اگر از امين بودن و توانايى و علاقمندى به كار جوان مطمئن شديم ، القوىّ الامين نداشتن امكانات و مسكن را مانع ازدواج قرار ندهيم . اِنّى اُريد اءن اُنكحك

5 پيشنهاد ازدواج از جانب پدر دختر مانعى ندارد. اِنّى اُريد اءن اُنكحك

6- رعايت نوبت ميان دختران ، و ازدواج دختر بزرگتر قبل از كوچكتر همه جا ضرورى نيست . احدى ابنتىّ (حضرت شعيب به موسى گفت : مى خواهم يكى از اين دو دخترم را به ازدواج تو درآورم وشرط نكرد كه دخترِ اوّل باشد يا دوّم .)

7- پدر نبايد در امر ازدواج ميان دختران ، تفاوت بگذارد. اِحدى ابنتىّ هاتين

8 دختر و پسر مى توانند در هنگام خواستگارى در برابر يكديگر قرار بگيرند. هاتين

9- غريزه ى جنسى را جدّى بگيريم . حتّى در خانه ى نبوّت ، براى سلامت محيط خانه و كار، ابتدا به امر ازدواج اقدام و سپس به استخدام توجّه مى شود. اُريد اءن اُنكِحَك على اءن تاءجرنى

10- ازدواج ، با مهريه همراه است . على اءن تاءجرنى

11- لازم نيست مهريه مال وثروت باشد. حضرت شعيب به موسى گفت : دخترم را به ازدواج تو درمى آورم به شرط آن كه هشت سال براى من كار كنى. تاءجرنى (البتّه در شريعت اسلام مى بايست به فتاواى مراجع تقليد مراجعه كنيم.)

12- زمان بندى قراردادها را بر اساس زمان عبادات و امور معنوى قرار دهيم . ثمانِىَ حجج (به جاى هشت سال ، فرمود: هشت حج)

13- يكى از راه هاى ترويج معروف ، بزرگداشت اوقات معنوى و «ايّام اللّه» است . ثمانِىَ حجج

14- مقام نبوّت مانع از صحبت پيرامون مقدار مهريه و مال الاجاره نيست . ثمانِىَ حجج

15- مراسم حج ، در اديان گذشته نيز سابقه داشته است . حِجَج

16- در هنگام صحبت براى مهريه ، پدر عروس ، حدّاقل مورد قبول را انتخاب كند و پذيرش بيشتر را به اختيار داماد بگذارد. فاِن اءتمَمت عَشرا فمن عندك حضرت شعيب به موسى گفت : اگر هشت سال را به ده سال برسانى اختيار با شماست .

17- در ميزان مهريه ، داماد را در تنگنا قرار ندهيد. فمن عندك

18- پدر عروس در امر ازدواج سخت گيرى نكند. وما اُريد اءن اءشقّ عليك

19- در پرداخت مهريه ، توان داماد را در نظر بگيريم . اَشُقّ عليك

20- كسانى كه به كارگران و زيردستان خود سخت گيرى مى كنند، انسان هايى ناصالح هستند. ستَجدُنى اِن شاء اللّه من الصالحين

21- داماد بايد از ناحيه بستگان جديد، آرامش خاطر داشته باشد. ستجدنى اِن شاء اللّه من الصالحين

22- بدون استمداد از خدا وگفتن انشاء اللّه ، براى آينده وعده اى ندهيم . اِن شاء اللّه من الصالحين

23- اعتمادِ متقابلِ داماد و خانواده ى عروس لازم است . ستَجدُنى اِن شاءاللّه من الصالحين

# اهمّيت ازدواج

در روايات مى خوانيم : ازدواج سبب حفظ نيمى از دين است . دو ركعت نماز كسى كه همسر دارد از هفتاد ركعت نماز افراد غير متاءهّل بهتر است . خواب افراد متاءهّل از روزه ى بيداران غير متاءهّل بهتر است . (33)

آرى بر خلاف كسانى كه ازدواج را عامل فقر مى پندارند، رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله فرمودند: ازدواج روزى را بيشتر مى كند.

همچنين فرمودند: كسى كه از ترس تنگدستى ازدواج را ترك كند، از ما نيست و به خدا سوءظن برده است . (34)

در روايات مى خوانيم : كسى كه براى ازدواجِ برادران دينى خود اقدامى كند، در روز قيامت مورد لطف خاص خداوند قرار مى گيرد. (35)

قرآن نسبت به تشكيل خانواده واقدام براى ازدواج ، دستور اءكيد داده است . (36) و سفارش كرده كه از فقر نترسيد، اگر تنگ دست باشند، خداوند از فضل و كرم خود، شما را بى نياز خواهد كرد. (37)

ازدواج وسيله ى آرامش است . (38) در ازدواج فاميل ها به هم نزديك شده و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

33- ميزان الحكمه .

34- ميزان الحكمه .

35- كافى ، ج 5، ص 331.

36- نور، 32.

37- نور، 32.

38- روم ، 21.

دلها مهربان مى شود و زمينه ى تربيت نسل پاك و روحيه تعاون فراهم مى شود.(39)

در روايات مى خوانيم : براى ازدواج عجله كنيد و دخترى كه وقت ازدواج او فرا رسيده ، مثل ميوه اى رسيده است كه اگر از درخت جدا نشود فاسد مى شود. (40)

# انتخاب همسر

معيار انتخاب همسر در نزد مردم معمولا چند چيز است : ثروت ، زيبايى ، حَسب و نَسب .

ولى در حديث مى خوانيم : «عليك بذات الدّين» تو در انتخاب همسر، محور را عقيده وتفكّر وبينش او قرار ده . (41)

در حديث ديگر مى خوانيم : چه بسا زيبايى كه سبب هلاكت و ثروت كه سبب طغيان باشد. (42)

رسول خدا صلّى اللّه عليه و آله فرمود: هرگاه كسى به خواستگارى دختر شما آمد كه دين و امانت دارى او را پسنديد، جواب ردّ ندهيد و گرنه به فتنه و فساد بزرگى مبتلا مى شويد. (43)

امام حسن عليه السلام به كسى كه براى ازدواج دخترش مشورت مى كرد

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

39- ميزان الحكمه .

40- ميزان الحكمه .

41- كنزالعمال ، ح 46602.

42- ميزان الحكمه .

43- بحار، ج 103، ص 372.

فرمود: دامادِ با تقوا انتخاب كن كه اگر دخترت را دوست داشته باشد گراميش مى دارد و اگر دوستش نداشته باشد، به خاطر تقوايى كه دارد به او ظلم نمى كند. (44)

در روايات مى خوانيم : به افرادى كه اهل مشروبات الكلى هستند و افراد بداخلاق وكسانى كه خط فكرى سالمى ندارند وآنان كه در خانوادهاى فاسد رشد كرده اند، دختر ندهيد. (45)

ناگفته نماند كه ازدواج دو نوع است : دائم و موقّت كه براى هر دو در قرآن و روايات اسلامى توصيه ها و دستورات خاصّى آمده است ، متاءسّفانه ازدواج دائم ، بخاطر برخى آداب و رسوم بى منطق و بهانه گيرى بعضى بستگان و توقّعات خانواده عروس و داماد و آرزوهاى دور و دراز، به صورت يك معمّا و گردنه ى صعب العبور در آمده است و ازدواج موقّت نيز آن گونه زشت و ناپسند شمرده شده كه فحشا جاى آن را گرفته است .

# (28) قَالَ ذَلِكَ بَيْنِى وَبَيْنَكَ اءَيَّمَا الاَْجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلاَ عُدْوَنَ عَلَىَّ وَاللّهُ عَلَى مَانَقُولُ وَكِيلٌ

ترجمه :

(موسى پيشنهاد شعيب را پذيرفت و) گفت : اين (قرارداد) بين من و تو (برقرار شد، البتّه) هر كدام از دو مدّت را كه به انجام رساندم ، پس ستمى بر من نخواهد بود، و خداوند بر آنچه ما مى گوييم (گواه و) وكيل است .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

44- مكارم الاخلاق ، ج 1، ص 446.

45- ميزان الحكمه .

## نكته ها :

عبارت «اَيّما الاَجلَينِ قَضيتُ فلاعُدوان عَلىَّ» دو گونه معنا شده است ؛ يكى اينكه مهريّه دختر خواه هشت سال باشد و خواه ده سال ، هيچ يك بر من ستم نيست و معناى ديگر اين كه بعد از پايان هر يك از اين دو مدّت ، اگر خواستم از نزد شما بروم نبايد مانعى در كار باشد. من همين مدّت قرارداد را مى مانم و بعد از آن اختيار با خودم مى باشد.

## پيام ها :

1- در عقد ازدواج (به خلاف طلاق)، حضور شهود لازم نيست . بَينى و بَينك

2- در قراردادها براى خود، اختياراتى در نظر بگيريم ودست خودرا در محورهايى بازبگذاريم . ايّما الاَجلَين قَضيتُ فلاعدوان علىّ

3- ايمان به خداوند، سلامت قراردادها را بيمه و تضمين مى كند. واللّه على ما نَقول وَكيل

# (29) فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الاَْجَلَ وَسَارَ بِاءَهْلِهِ ءَانَسَ مِن جَانِبِ الطُّورِ نَاراً قَالَ لاَِهْلِهِ امْكُثُوَّاْ إِنِّىَّ ءَانَسْتُ نَاراً لَّعَلِّىَّ ءَاتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍاءَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

ترجمه :

پس چون موسى ، مدّت (قرارداد خود با شعيب) را به پايان رساند و با خانواده اش رهسپار گرديد، از سوى (كوه) طور آتشى را ديد. به خانواده اش ‍ گفت : (همين جا) بمانيد، همانا من آتشى ديده ام ، (مى روم تا) شايد

از آن خبرى بيابم يا مقدارى آتش برايتان بياورم تا (با آن) گرم شويد.

## نكته ها :

كلمه ى «آنَستُ» به معناى مشاهده كردنى است كه در آن اُنس و آرامش باشد. كلمه «جَذوَة» به معناى قطعه و كلمه ى «تَصطَلون» از ريشه «صَلَى» به معناى گرم شدن با آتش است .

تمام خطاب هاى حضرت موسى به همسرش ، با ضمير جمع آمده است . «اُمكُثوا آتِيكم لَعلّكم تَصطَلون» شايد بخاطر آن كه حضرت در آن ده سالى كه با همسرش ‍ زندگى مى كرده ، صاحب فرزند يا فرزندانى شده است .

از جملات «سارَ باَهله»، «آتيكم بخَبَر» و «لعلّكم تَصطلون» در اين آيه و از جمله ى اَجِدُ على النّار هدىً (46) در سوره طه استفاده مى شود كه حضرت موسى در شب حركت كرده است ، شبى سرد و ظلمانى كه در اين ميان راه را نيز گم كرده بود.

## پيام ها :

1- مؤمن ، به شرط و قرارداد خود، وفادار است . قضى موسى الاجل

2- زن و فرزند نبايد مانع حركت ، هجرت و انجام مسئوليّت ها شوند، چنانكه مرد هم نبايد آنها را رها كند، بلكه بايد در كنار هم وهمراه يكديگر باشند. سارَ باهله

3- در جايى كه اطمينان خاطر نداريم ، خانواده خود را نبريم . اُمكُثوا ديدن آتش ، به قرينه جمله ى «اِنّى آنَستُ نارا»، مخصوص حضرت موسى بوده و

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

46- طه ، 10.

براى آن حضرت مبهم بوده است ، لذا از خانواده اش خواست كه در همانجا منتظر بمانند تا خود تنها به نزد آتش رود و برگردد.

4- هر كجا كه به تحقّق قول خود مطمئن نيستيم ، وعده ى قطعى ندهيم . لعلّى آتيكم لعلّكم تَصطلون (كلمه ى «لعلّ» به معناى شايد است ، يعنى شايد خبرى بياورم يا شايد قطعه آتشى براى گرم شدن بياورم .)

5 مرد، مسئول رفع نيازمندى هاى همسر وخانواده خود است . لعلّكم تَصطلون

6- براى رسيدن به مقامات عالى عرفان ، لازم نيست با زن وفرزند متاركه كنيم ، بلكه مى توان بطور عادّى وطبيعى و ساده زندگى كرد و به بالاترين درجات عرفان نيز رسيد. سار باهله ... قال لاهله ... لعلّكم تصطلون

# (30) فَلَمَّآ اءَتَهَا نُودِىَ مِن شَطِئِ الْوَادِ الاَْيْمَنِ فِى الْبُقْعَةِ الْمُبَرَكَةِمِنَ الشَّجَرَةِ اءَنيَ مُوسَىَّ إِنِّىَّ اءَنَا اللّهُ رَبُّ الْعَلَمِينَ

ترجمه :

پس همين كه (موسى) به نزد آن (آتش) آمد، (ناگهان) از جانب راست آن درّه ، در آن منطقه مبارك و خجسته از (ميان) يك درخت ، ندا داده شد كه اى موسى ! همانا من ، اللّه ، پروردگار جهانيان هستم .

## نكته ها :

كلمه ى «شاطِى» به معناى جانب وساحل ، و كلمه «وادى» به معناى رودخانه و درّه است .

«بُقعة» به قطعه زمينى اطلاق مى شود كه با زمين هاى همجوارش ‍ تفاوت داشته باشد. (47)

دست خداوند در شيوه ى وحى باز است . خداوند مى تواند به دلها الهام كند، يا اينكه بر انسان ها فرشته نازل نمايد و يا حتّى ازدرون درختى ايجاد صوت نموده با پيامبر برگزيده اش سخن بگويد. چنانكه در سوره شورى مى فرمايد:

و ما كان لبشر اءن يكلّمه اللّه الاّ وحيا او من وراء حجاب او يرسل رسولا (48) خداوند با هيچ بشرى سخن نمى گويد مگر از طريق وحى يا از پشت حجاب يا اينكه فرشته اى بفرستد.

## پيام ها :

1- بعضى مكان ها داراى قداست هستند. البقعة المباركة

2- در جايى كه زمينه ى تعجّب وجود دارد، بايد تاءكيد بيشترى كرد. (موسى كه برى اوّلين بار صدايى از درخت مى شنود، تعجّب مى كند و لذا كلام خداوند با «انّى و انَا» همراه تاءكيد آمده است .) اِنّى اَنا

3- براى ناشناس ، خود را معرّفى كنيم . اِنّى اَنا اللّه

4- خداوند براى اجراى اراده خود، فكرها وديدها را در مسير خاصّى قرار مى دهد. موسى در پى بدست آوردن آتشى براى پيدا كردن راه و گرم شدن خانواده اش ، به آن سوى كشيده شد، ولى هدف خداوند چيز ديگرى بود. اِنّى آتيكم بخبر... اِنّى انَا اللّه

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

47- تفسير الميزان .

48- شورى ، 51.

# (31) وَاءَنْ اءَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَاءَنَّهَا جَآنُّ وَلَّى مُدْبِراً وَلَمْيُعَقِّبْ يَمُوسَىَّ اءَقْبِلْ وَلاَ تَخَفْ إِنَّكَمِنَ الاَْمِنِينَ

ترجمه :

و (از تو مى خواهم) اينكه عصايت را بيفكنى ! پس چون (موسى عصا را انداخت ناگهان) مشاهده كرد كه آن (عصا) چنان جست و خيز مى كند كه گويا مارى چالاك و كوچك است ، پشت كنان فرار كرد و به عقب (هم) نگاه نكرد! (به او ندا رسيد كه) اى موسى ! پيش بيا و نترس ، همانا تو درامان هستى .

## پيام ها :

1- خداوند از هر چيز مى تواند معجزه اى بيافريند. اَلقِ عصاك

2- براى انجام ماءموريّت هاى بزرگ ، بايد برنامه را قبلا تمرين و تكرار كرد. اَلقِ عصاك (حضرت موسى مى بايست ابتدا خود، معجزه را ببيند تا بتواند آن را در برابر ديگران تكرار نمايد.)

3- انبيا در جنبه ى بشرى ، همچون ساير انسان ها نسبت به امورى ، دغدغه وترس داشته اند. لاتَخَف

# (32) اُسْلُكْ يَدَكَ فِى جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوَّءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَنِكَ بُرْهَنَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلاَِيْهِ إِنَّهمْ كَانُواْ قَوْماً فَسِقِينَ

ترجمه :

(اى موسى ! اكنون) دستت را در گريبانت فرو ببر (خواهى ديد كه) بدون هيچ بيمارى ، و نقص و عيبى ، سفيد و درخشان بيرون خواهد آمد،

و براى رهايى از (تعجب و) ترس ، بازوى خود را جمع كن ، پس اين (دو معجزه ، دو دليل روشن و) دو برهان از طرف پروردگارت به سوى فرعون و اشراف اطراف اوست ،بدرستى كه آنان گروهى فاسق بوده اند.

# (33) قَالَ رَبِّ إِنِّى قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْساً فَاءَخَافُ اءَن يَقْتُلُونِ

ترجمه :

(موسى) گفت : پروردگارا! همانا من يكى از آنها (فرعونيان) را كشته ام ، پس ‍ مى ترسم كه مرا (به قصاص او) به قتل رسانند.

## نكته ها :

جمله ى «واضمُم اليك جَناحَك من الرَّهَب» يا به معناى آن است كه «به هنگام وحشت ، دست هايت را بر روى سينه و يا زير بغل بگذار» (بر خلاف بعضى كه وقتى مى ترسند، دست هايشان را بالا مى برند) و يا به معناى كمر همّت بستن و مصمّم شدن و پيش رفتن است . (49)

در تورات آمده است : وقتى موسى دست در گريبان برد، دستش مرض پيسى گرفت و مانند برف سفيد شد، (50) ولى قرآن سفيدى دست موسى را از بيمارى نمى داند، بلكه آن را نشانه ى قدرت الهى مى داند كه در مقام ارائه برهان ، راه را بر هر گونه شبهه و انحراف ببندد. بيضاء من غير سوء

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

49- تفسير الميزان .

50- تورات ، سِفر خروج ، باب 4، جمله 6.

## پيام ها :

1- همراه با نمود قهر، نمودى از لطف نيز ضرورى است . تَهتَزّ كانّها جانّ تخرج بيضاء من غير سوء (در كنار مار ترسان ، دست درخشان لازم است)

2- معجزات الهى ، نقصان و عوارض سوئى ندارد. من غير سوء

3- ارشاد و دعوت بايد پشتوانه منطقى والهى داشته باشد. برهانان من ربّك

4- مار شدن عصا و سفيد شدن دست ، نشانه اى از تشويق و تنبيه ، انذار و بشارت است كه دو عنصر اساسى در زمينه تربيت است . برهانان من ربّك

5 براى اصلاح جامعه ، بايد ابتدا به سراغ ريشه ها و سرچشمه هاى فسق و فساد رفت . الى فرعون و ملائه

6- قانون قصاص ، سابقه اى طولانى دارد. قَتَلتُ منهم نَفسا فَاءخاف اءن يَقتلون

7- در پذيرش مسئوليّت ، موانع را مطرح و ارزيابى كنيم . فَاءخاف اءن يَقتلون

# (34) وَ اءَخِى هَرُونُ هُوَ اءَفْصَحُ مِنِّى لِسَاناً فَاءَرْسِلْهُ مَعِىَ رِدْءاً يُصَدِّقُنِىَّ إِنِّىَّ اءَخَافُ اءَن يُكَذِّبُونِ

ترجمه :

و برادرم هارون را كه در بيان از من شيواتر است براى يارى ام با من بفرست تامرا تصديق كند، همانا مى ترسم كه (فرعونيان) مرا تكذيب كنند.

# (35) قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِاءَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَناً فَلاَ يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بَِايَتِنَآ اءَنتُمَا وَمَنِا تَّبَعَكُمَا الْغَلِبُونَ

ترجمه :

(خداوند) فرمود: (نگران مباش) ما بازوى تو را به واسطه (همراهى) برادرت محكم خواهيم كرد و براى شما، برترى و سلطه قرار خواهيم داد، پس به بركت آيات (و نشانه هاى) ما بر شما دست نخواهند يافت (و)شما و هركس پيروى تان كند، پيروز خواهيد بود.

## نكته ها :

هارون (كه در لغت ، به معناى كوه نشين يا قاصد است) برادر بزرگ حضرت موسى ، از انبياى بنى اسرائيل بوده و در قرآن از او ستايش شده است .

حضرت موسى در انجام ماءموريّتش از دو چيز مى ترسيد، يكى قصاص قتل، «اِنّى اءخاف اءن يقتلون» و ديگرى تكذيب حقّ، «اِنّى اَخاف اءن يكذّبون»

در واگذارى مسئوليّت هاى سنگين ، بايد به همه ى ابعاد شخص ، توجّه كرد. گرچه حضرت هارون از نظر سنّ و سخن ، از حضرت موسى بزرگتر و خوش بيان تر بود، ولى حضرت موسى به خاطر صفات و لياقت هاى ديگرى كه داشت، در اين ماءموريّت مسئول و ماءمور شد. هر چند هارون نيز پيامبر الهى بود.

در شيوه تبليغ ، ارشاد، امر به معروف ونهى از منكر، گاهى بايد افراد دو نفرى يا بيشتر اقدام كنند. ارسله معى

در امر به معروف و نهى از منكر، محور اصلى اثر كردن است ؛ اگر با اشاره اثر مى كند بايد اشاره كرد، اگر فرياد اثر مى كند بايد فرياد زد.

اگر با طومار و راهپيمايى و تحصّن و اعتصاب و تجمّع ، يا تهديد و تشويق ، بايد همان راه را طى كرد و به هر نحو ممكن ، قلبا و لسانا و عملا جلو مفاسد را گرفت ، حتّى اگر با تكرار اثر مى كند بايد امر ونهى را تكرار كرد.

## پيام ها :

1- اقرار به كمالات ديگران ، خود يك كمال وارزش است . هو اءفصح منّى حضرت موسى با اين كه پيامبر اولوالعزم بود، به كمال برادرش اقرار كرد.

2- بيان روان ، از عوامل مؤثّر در جذب افراد وتبليغ موفّق است . هو اءفصح

3- براى ارشاد و دعوت به حقّ، از بهترين ها استفاده كنيم . هو اءفصح

4- هر نيرويى را در جاى خود بكار بگيريم . هو اءفصح (هارون داراى بيانى شيوا بود و در اين ماءموريّت تبليغى ، سخن رسا نقش اساسى داشت ، لذا حضرت موسى از خداوند همراهى او را درخواست كرد.)

5- لازم نيست كه مسئولين ، در همه ى كمالات ، برترين باشند. هواءفصح منّى (با اينكه مسئول اصلى موسى بود، ولى در بعضى جهات هارون قوى تر بود.)

6- در يك رسالت الهى ، نفر دوّم را نيز بايد خداوند تعيين فرمايد. سنشدّ عضدك باءخيك همان گونه كه ما معتقديم جانشين پيامبر را نيز بايد خدا تعيين كند.

7- ايمان و حمايت بستگان ، در پشت گرمى مبلّغ و تاءثيرگذارى او در ديگران ، بسيار مؤثّر است . اءخى يُصدّقنى

8- دعا ودرخواست انبيا مستجاب است . ارسله معى سنشدّ عضدك حضرت موسى از خداوند درخواست كرد تا برادرش هارون را همراه و ياور او قرار دهد و خداوند آن را اجابت كرد.

9- بهترين نوع برادرى ، برادرى در تاءييد حقّ و بازوى يكديگر بودن در مسير خداوند است . سنشدّ عضدك باخيك

10- پيروزى انبيا، در سايه ى آيات الهى محقّق مى شود. فلايَصِلون اليكما باياتنا

11- حتّى انبيا به اميد واطمينانِ خاطر نياز دارند. خداوند به موسى و هارون و پيروانشان وعده ى پيروزى داد و آنان را اميدوار كرد. انتما ومَن اتّبعكما الغالبون

# (36) فَلَمَّا جَآءَهُم مُّوسَى بَِايَتِنَا بَيِّنَتٍ قَالُواْ مَا هَذَآ إِلا سِحْرٌ مُّفْتَرىً وَ مَا سَمِعْنَا بِهَذَافِىَّءَابَآئِنَا الاَْوَّلِينَ

ترجمه :

پس هنگامى كه موسى با (معجزات و) آيات روشن ما به سراغ آنان آمد، گفتند: اين چيزى جز سحر ساختگى نيست و ماچنين چيزى را در (ميان) نياكان خود نشنيده ايم .

## پيام ها :

1- تهمت ، بزرگ ترين حربه ى مستكبران عليه مصلحان است . ما هذا الاّ سحر مفترى

2- تعاليم پيامبران الهى ، تابع آداب ورسوم گذشتگان نيست . ما سمعنا بهذا فى آبائنا

3- در پذيرش عقايد، منطق وبرهان ملاك است ، نه سيره ى پدران . ما سمعنا بهذا فى آبائنا (پيشينه نداشتن يك تفكّر، دليل نادرستى آن نيست)

4- برخى انسان ها، منطق روشن را فداى گذشته تاريك مى كنند. جاءهم باياتنا بيّنات ما سمعنا بهذا فى آبائنا الاوّلين

# (37) وَ قَالَ مُوسَى رَبِّىَّ اءَعْلَمُ بِمَن جَآءَ بِالْهُدَى مِنْ عِندِهِ وَمَن تَكُونُ لَهُ عَقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لاَيُفْلِحُ الظَّلِمُونَ

ترجمه :

و موسى (در پاسخ تكذيب فرعونيان) گفت : پروردگار من به كسانى كه از جانب او آمده اند، آگاه تر است و (مى داند) سرانجام (نيك) آخرت براى چه كسانى است . بدرستى كه ستمكاران رستگار نخواهند شد.

## نكته ها :

در آيه ى قبل آمد كه فرعونيان با گستاخى كامل ، معجزات الهى را سحر معرّفى كرده و اظهار داشتند كه ما در تاريخ نياكانمان چنين حرف هايى نشنيده ايم ، در اين آيه حضرت موسى به كنايه به آنان مى فرمايد: شما دروغ مى گوييد، زيرا قبل از من ، كسانى چون حضرت يوسف چراغ هدايت نياكان شما را در دست داشته و دين ابراهيم را ترويج مى كرده اند.

## پيام ها :

1- در برابر تكذيب كفّار كه معجزات را سحر مى خوانند، بايد به خدا توكّل كرد. ما هذا الاّ سحر... ربّى اعلم ...

2- ادّعاهاى پوچ را با شعارهاى الهى خنثى سازيم . ما هذا الاّ سحر... ربّى اعلم

3- خداوند، هيچ گروهى را بى راهبر و راهنما نگذاشته است . ربّى اعلم بمن جاء بالهُدى

4- هدايت يافتگان ، خوش عاقبتند. له عاقبة الدّار

5- توجّه به معاد، در راءس برنامه هاى انبيا بوده است . مَن تكون له عاقبة الدّار

6- كسانى كه انبيا را ساحر مى نامند، ستمگرانى بد عاقبت اند. لايفلح الظالمون

# (38) وَقَالَ فِرْعَوْنُ يََّاءَيُّهَا الْمَلاَُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرِى فَاءَوْقِدْ لِى يَهَمَنُ عَلَىالطِّينِ فَاجْعَل لِّى صَرْحاً لَّعَلِّىَّ اءَطَّلِعُ إِلَىَّ إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّى لاََظُنُّهُ مِنَ الْكَذِبِينَ

ترجمه :

وفرعون گفت : اى بزرگان قوم ! (اگرچه) من جز خودم معبودى براى شما نمى شناسم (امّابراى تحقيق بيشتر) اى هامان ! براى من آتشى بر گِل بيفروز (و آجر تهيه كن) پس برجى بلند براى من بساز، شايد (به واسطه بالا رفتن از آن) به خداى موسى دست يابم . و همانا من او را از دروغگويان مى پندارم .

## نكته ها :

كلمه ى «صَرح» به معناى ساختمان بلند است . اين آيه نشان مى دهد كه در مصر قديم ، هم كوره هاى آجرپزى بوده و هم قدرت بر ساختن برج داشتند.

## پيام ها :

1- روحيّه ى استكبارى ، مانع پذيرش حقّ است . فرعون گفت : جز خودم هيچ خدايى براى شما نمى شناسم . ما علمت لكم من اله غيرى

2- مستكبران ، عقايد و افكار خود را به ديگران تحميل مى كنند. ما علمت لكم من اله

3- شعار مستكبران اين است : هر چه را من نمى شناسم ، پس وجود ندارد. ما علمت ...

4- توقّع ديدن خداوند با چشم ظاهرى ، تفكّر فرعونى است . اَطّلع الى اله موسى

5 قدرت نمايى ، عوام فريبى با ژست تحقيق و بررسى ، و منحرف كردن افكار عمومى ، از شيوه هاى مستكبران است . فاوقد لى يا هامان ...

6- مستكبران ، خود را محور همه چيز مى دانند. (فرعون به هر مناسبتى خود را مطرح مى كرد) ما علمتُ غيرى اءوقد لى فاجعل لى لعلّى اطّلع اِنّى لاظّنه

# (39) وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِى الاَْرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ ظَنُّوَّاْ اءَنَّهُمْ إِلَيْنَالاَ يُرْجَعُونَ

ترجمه :

او (فرعون) و سپاهيانش به ناحقّ در زمين تكبّر ورزيدند و پنداشتند كه آنان به سوى ما بازگردانده نمى شوند.

## پيام ها :

1- مردم از دين حاكمان پيروى مى كنند. استكبر هو و جنوده

2- معيار ستايش ها و انتقادهاى قرآن ، حقّ است . بغير الحقّ

3- غفلت از گذرا بودن دنيا و گمان به جاودانگى ، زمينه ساز خوى استكبارى است . وظنّوا اءنّهم الينا لا يرجعون

4- عدم اعتقاد و توجّه به معاد و حساب ، زمينه ى شكل گيرى استكبار است. لايرجعون

استكبار و مستكبر

در طول تاريخ ، افراد مغرور و متكبّرى بوده اند كه خودشان را محور و مركز همه چيز مى پنداشتند. در اين سوره فرعون مى گويد: ما علمتم لكم من اله غيرى من جز خودم براى شما معبودى سراغ ندارم و هنگامى كه ساحران به موسى ايمان آوردند گفت : آمنتم به قبل اءن آذن لكم آيا بدون اجازه ى من به موسى ايمان آورده ايد.

فرعون توقّع دارد كه هيچ كس بدون اجازه او، هيچ عقيده اى نداشته باشد. امروز نيز فرعون ها و ابرقدرت هايى هستند

كه مى خواهند خود را محور سياست و اقتصاد جهان بدانند.

مستكبران گاهى براى قدرت نمايى ، فرد يا گروه يا كشورى را نابود مى كنند يا مورد لطف قرار مى دهند. نظير نمرود كه به حضرت ابراهيم گفت : اَنا اُحيى و اُميت (51) حيات و مرگ اين مردم به دست من است ، هر كه را بخواهم مى كشم و هر كه را بخواهم از زندان آزاد مى كنم .

مستكبران ، گاهى زرق و برق و جلوه هاى مادى را به رخ مردم مى كشند، همان گونه كه فرعون مى گفت : اءليس لى مُلك مصر وهذه الانهار تجرى من تحتى (52) آيا حكومت مصر از آنِ من نيست ؟ آيا نمى بينيد كه اين نهرها از زير كاخ من جارى است ؟

مستكبران ، گاهى با ارعاب ، مردم را به تسليم وادار مى كنند. فرعون به ساحرانى كه به موسى ايمان آوردند گفت : لاُقطّعنّ اءيديكم و اءرجُلكم من خلاف (53) من دست و پاى شما را بر خلاف يكديگر قطع مى كنم .

مستكبران ، گاهى با مانور وخودنمايى ، مردم ساده لوح را فريفته ى خود مى كنند. قارون به گونه اى در كوچه وبازار راه مى رفت كه مردم دنياپرست ، آه از دل كشيده و مى گفتند: اى كاش براى ما نيز آنچه براى قارون است وجود داشت . (54)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

51- بقره ، 258.

52- زخرف ، 51.

53- اعراف ، 124.

54- قصص ، 79.

مستكبران ، گاهى با تطميع مى خواهند مغزها و فكرها را بخرند. فرعون به ساحران گفت : اگر آبروى موسى را بريزيد، من به شما پاداش بزرگى مى دهم وشما را از مقرّبان دربارم قرار مى دهم . (55)

مستكبران ، گاهى با سفرهاى خود دلها را متزلزل مى كنند. قرآن مى فرمايد: گردش كفّار در شهرها تورا مغرور نكند. (56)

مستكبران گاهى با تحقير ديگران جنگ روانى به راه مى اندازند و به طرفداران انبيا نسبت هاى ناروا مى دهند و آنان را اراذل و اوباش مى خوانند.(57)

مستكبران ، گاهى با ايجاد ساختمان هاى بلند و رفيع ، دلربايى مى كنند. فرعون به وزيرش هامان گفت : برجى براى من بساز تا از آن بالا روم و خداى موسى را ببينم ! (58)

واقعاً قرآن چقدر زنده است كه خلق و خوى و رفتار و كردار زشت مستكبران را به گونه اى ترسيم كرده كه با زمان ما نيز قابل تطبيق است .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

55- اعراف ، 114.

56- آل عمران ، 196.

57- شعراء، 111.

58- غافر، 36.

# (40) فَاءَخَذْنَهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَهُمْ فِى الْيَمِّ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الظَّلِمِينَ

ترجمه :

پس ما (نيز) او و لشكريانش را (با قهر خود) گرفتيم و به دريا افكنديم . پس بنگر كه پايان كار ستمگران چگونه است .

## نكته ها :

در اين آيه فرعون و لشكرش به چيز بى ارزشى كه از زمين برگرفته وبه دريا پرتاب شود، تشبيه شده اند. اين تحقير براى آن است كه تمام قدرت ها در برابرقدرت وقهر الهى ناچيزند.

«نَبذ»، يعنى دورانداختن اشياى بى ارزش و بى مقدار است .

## پيام ها :

1- كيفرهاى الهى ، اختصاص به آخرت ندارد. (فرعون در همين دنيا غرق شد) فاخذناه

2- ياران فرد ستمكار، در سرنوشت او سهيم و شريكند. فاخذناه و جنوده

3- سرانجام مستكبران ، ذلّت و قهر است . نبذناه

4- به حوادث تاريخى به ديده ى عبرت بنگريم . فانظر

5 ستمگران ، سرنوشت مشتركى دارند. عاقبة الظالمين (به جاى عاقبت فرعون فرمود: عاقبت همه ستمگران چنين است)

6- مهم عاقبت كار است ، نه جلوه هاى زودگذر آن . فانظر... عاقبة الظالمين

# (41) وَجَعَلْنَهُمْ اءَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ لاَ يُنصَرُونَ

ترجمه :

وآنان (فرعونيان) را پيشوايانى قرارداديم كه به آتش (دوزخ) دعوت مى كنند و (البتّه در) روز قيامت ، يارى نخواهند شد.

# (42) وَاءَتْبَعْنَهُمْ فِى هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ هُم مِّنَ الْمَقْبُوحِينَ

ترجمه :

ودر اين دنيا، لعنتى بدرقه آنان كرديم و روز قيامت ، آنان از زشت چهره گان خواهند بود.

## نكته ها :

قرآن مجيد همچنان كه در مورد پيشوايان هدايت و نور، كلمه ى «ائمّة» را بكار برده است ، و جعلناهم ائمّة يَهدون باَمرنا (59) اين كلمه را بر جلوداران ضلالت و نار نيز اطلاق فرموده است ، «و جعلناهم ائمّة يدعون الى النّار» و از اينروست كه در قيامت ، هر كس با رهبرى كه در دنيا انتخاب كرده به دادگاه عدل الهى احضار مى شود. يوم نَدعوا كلّ اُناس بامامهم (60) فرعون نيز به عنوان يكى از همين پيشوايان در آن روز قومش را به دوزخ وارد مى كند. يقدم قومه فاوردهم النّار (61)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

59- انبياء، 73.

60- اسراء، 71.

61- هود، 98.

## پيام ها :

1- روحيّه استكبارى ، انسان را رهبر دوزخيان مى سازد. جعلناهم ائمة يدعون الى النّار

2- تبليغات مستكبرين ، در واقع دعوت به دوزخ است . يدعون الى النّار

3- مستكبرينى كه امروز به عِدّه و عُدّه دل خوش دارند، در قيامت ، بى كس ‍ وياور خواهند بود. يوم القيامة لا ينصرون

4- كيفرهاى الهى ، مخصوص آخرت نيست . و اَتبعناهم فى هذه الدّنيا

5 لعنت ونفرين مردم ، تبلور قهر الهى است . اتبعناهم فى هذه الدّنيا لعنة چنانكه دعاى خير مردم و نام نيك ، نشانه ى لطف خداست . واجعل لى لسان صدق فى الاخرين (62)

6- نفرين بر ظالم حتّى بعد از نابودى او لازم است . اتبعناهم ... لعنة

7- زشت كارى هاى دنيوى ، به زشت روئى هاى اُخروى مى انجامد. يوم القيامة هم من المقبوحين

# (43) وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَبَ مِن بَعْدِ مَآ اءَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الاُْولَى بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدىً وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

ترجمه :

و به تحقيق بعداز آنكه نسل هاى نخستين را نابود ساختيم ، به موسى كتاب (آسمانى تورات را) عطاكرديم (تا وسيله اى) براى بصيرت مردم و هدايت و رحمت باشد، شايد كه آنان پند گيرند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

62- شعراء، 84.

## نكته ها :

كلمه «بصائر» جمع «بَصيرت» به معناى بينش و آگاهى و كلمه ى «اءبصار» جمع «بَصَر» به معناى چشم است .

## پيام ها :

1- با شكست طاغوت ، زمينه براى صالحان فراهم مى گردد. آتينا موسى الكتاب من بعد ما اهلكنا

2- پايان كار مستكبران ، هلاكت و نابودى است . اهلكنا القرون الاولى

3- ديندارى بايد براساس بصيرت باشد. بصائر

4- احكام الهى ، مايه ى رحمت براى مردم است . للنّاس ... رحمة

5 كتب آسمانى ، عامل بصيرت و هدايت است . بصائر للناس و هدى

6- تا انسان بصيرت پيدا نكند، هدايت نمى شود و تا هدايت نشود، لطف ورحمت الهى را دريافت نمى كند. بصائر للنّاس وهُدىً ورحمة

7- دين ، جزو فطرت انسان هاست و كتب آسمانى آن فطرت را غبارزدايى مى كنند. يتذكّرون

# (44) وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِىِّ إِذْ قَضَيْنَآ إِلَى مُوسَى الاَْمْرَ وَمَا كُنتَمِنَ الشَّهِدِينَ

ترجمه :

و هنگامى كه فرمان (نبوّت) را به موسى داديم ، تو در جانب غربى (كوه طور) حضور نداشتى و از شاهدان نبودى .

## نكته ها :

عبارت «ما كُنتَ» چهار مرتبه در اين آيه و آيات بعد تكرار گرديده كه بر غيبى بودن اخبارِ تاريخى قرآن تاءكيد دارد.

با مطالعه تاريخ گذشتگان ، مى توان با آنان زندگى كرد، هر چند درميانشان حضور فيزيكى نداشت . حضرت على عليه السلام به فرزندش امام حسن عليه السلام مى فرمايد: من گرچه عمر پيشينيان را نداشته ام امّا بخاطر مطالعه ، تفكّر و دقّت در زندگانى وآثار آنان ، گويى يكى از آنان شده و با آنان زندگى كرده ام . (63)

## پيام ها :

1- نقل ماجراى نبوّت حضرت موسى با همه ى ريزه كارى هاى آن ، از زبان كسى كه اُمّى است و در آن زمان ها حضور نداشته ، نشانه ى حقّانيّت و اعجاز قرآن است . ما كنتَ... و ما كنتَ...

2- داستان هاى قرآن ، از اخبار غيبى است نه از نقل شاهدان عينى . وما كنتَ

3- بخش غربى كوه طور، محلّ نزول تورات بوده است . بجانب الغربى

# (45) وَلَكِنَّآ اءَنشَاءْنَا قُرُوناً فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَ مَا كُنتَ ثَاوِياً فِىَّ اءَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُواْ عَلَيْهِمْ ءَايَتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

ترجمه :

ولى ما (اقوامى را) در اعصار مختلف خلق كرديم ، پس زمان هاى طولانى بر آنها گذشت

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

63- نهج البلاغه ، نامه 31.

(و آثار انبيا از دلهايشان محو شد، پس تو را با كتاب آسمانى به سوى مردم فرستاديم)، و تو در ميان اهل مَدين اقامت نداشته اى تا (از وضع آنان آگاه باشى و بتوانى) آيات ما را (پيرامون مردم مَديَن) بر آنان (مردم مكّه) بخوانى ، ليكن اين ما بوديم كه تو را فرستاديم (و اخبار قرن هاى پيشين را در اختيار تو قرار داديم).

# (46) وَ مَا كُنتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْماً مَّآ اءَتَهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

ترجمه :

وآنگاه كه ما (موسى را) ندا داديم ، تو در كنار كوه طور نبودى ، ليكن (اين وحى و اطلاع از اخبار گذشتگان) رحمتى است از جانب پروردگارت تا تو (به واسطه ى آن) قومى را كه پيش از تو هشدار دهنده اى برايشان نيامده بود، هشداردهى ، شايد آنان متذكّر شوند.

## نكته ها :

كلمه ى «ثاويا» از ماده ى «ثَوى» و به معناى مقيم مى باشد، چنانكه كلمه ى «مَثوى» از همين ماده ، به معناى جايگاه و قرارگاه است .

## پيام ها :

1- گذشت زمان ، آثار انبياى گذشته را كم رنگ و زمينه را براى آمدن پيامبر اسلام فراهم كرده است . فتَطاول عليهم العُمُر... كنّا مرسلين

2- بعثت ، سنّت خداوند است . كنّا مرسلين

3- انبيا بدون اتصال به عالم وحى ، همچون ساير مردم اخبار غيبى را نمى دانند. ما كنت ...

4- مقايسه بين جهل و علم ، عجز و قدرت ، فقر و غنا، نقص و كمال ، كليد خودشناسى و خداخواهى است . ما كنت ... لكن رحمة من ربّك

5 خاطرات قرآنى ، همگى از سرچشمه وحى است . ما كنت اذ نادينا

6- بيان داستان هاى حقيقى و عبرت آموز قرآن ، وسيله اى براى رحمت ، تربيت و هشدار است . رحمة من ربّك لتنذر

7- براى هدايت افراد غافل ، انذار و هشدار، كارسازتر است . لتنذر من نذير (با اينكه رسالت پيامبران در قالب مجموعه اى از بشارات و انذارهاست ، ولى از آنجاكه انذار اثر بيشترى در روحهاى غفلت زده دارد، در قرآن توجّه بيشترى به مساءله ى انذار شده است .)

8 مردم در انتخاب راه و عقيده آزادند و اجبارى در پذيرش دعوت پيامبران ندارند. لتنذر... لعلّهم يتذكّرون

9- انسان ها، به واسطه ى فطرت ، مسائلى را در ضمير خويش مى دانند، ولى براى جلوگيرى از فراموشى ، بايد آنها را تذكّر داد. يتذكّرون

# (47) وَ لَوْلاََّ اءَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةُ بِمَا قَدَّمَتْ اءَيْدِيِهمْ فَيَقُولُواْ رَبَّنَا لَوْلاََّ اءَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولاً فَنَتَّبِعَ ءَايَتِكَ وَ نَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ترجمه :

و اگر نبود اينكه هرگاه مصيبتى در اثر عملكردشان به آنان برسد، مى گويند: پروردگارا! (ما كه نمى دانستيم) چرا براى ما پيامبرى نفرستادى تا آيات تو را پيروى كنيم و از ايمان آورندگان باشيم ،

(ما هرگز پيامبرى به سوى آنان نمى فرستاديم).

## نكته ها :

آيه ى قبل هدف آمدن انبيا را انذار و هشدار دانست ، اين آيه هدف ديگر بعثت را كه اتمام حجّت و بستن راه بهانه و عذر است بيان مى كند.

مفهوم آيه اين است كه كفّار مى گويند: بدبختى ومصيبت ما به خاطر عمل فاسدى است كه به سبب نداشتن پيامبر مرتكب شده ايم ، اگرپيامبر مى داشتيم گرفتار نمى شديم ، خداونددر پاسخ مى فرمايد: ما براى اتمام حجّت بر آنها پيامبرانى فرستاديم .

## پيام ها :

1- بسيارى از مصائب و حوادث تلخ ، مولود عملكرد خود انسان است . تصيبهم مصيبة بما قدمت ايديهم آرى اعمال نيك و بد، در همين دنيا نيز اثر خود را مى گذارند.

2- ايمان به خدا و پيروى از انبيا، رمز نجات از مصيبت هاست . تصيبهم مصيبة لولا ارسلت

3- عقل ، علم و فطرت ، به تنهايى كافى و كارساز نيست ، وحى لازم است . لولاارسلت

4- عقاب بدون بيان ، قبيح است . لولا ارسلت (بعثت انبيا يك اتمام حجّت است تا كسى نگويد: ما كه خبر نداشتيم و ندانسته مرتكب خلاف شده ايم .)

7- پيروى و اطاعت ، نشانه ى ايمان واقعى است . نتّبع آياتك و نكون من المؤمنين

# (48) فَلَمَّا جَآءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُواْ لَوْلاََّ اءُوتِىَ مِثْلَ مَآ اءُوتِىَ مُوسَىَّ اءَوَلَمْ يَكْفُرُواْبِمَآ اءُوتِىَ مُوسَى مِن قَبْلُ قَالُواْ سِحْرَانِ تَظَهَرَا وَقَالُوَّاْ إِنَّا بِكُلٍّ كَفِرُونَ

ترجمه :

پس هرگاه از جانب ما (آيات) حقّ براى آنان آمد، گفتند: چرا آنچه (به اين پيامبر) داده شده ، شبيه آن چه به موسى داده شده نيست ؟ (چرا معجزاتى مثل تبديل عصا به اژدها ويا نزول دفعى كتاب ، مثل تورات كه قابل مشاهده باشد ندارد؟! اما) مگر (همين كافران لجوج و بهانه گير) به آنچه قبلا به موسى داده شده بود، كفر نورزيدند؟ (مگر آنها نبودند كه) گفتند: (اين دو كتاب تورات و قرآن) سحرهايى هستند كه پشتيبان يكديگرند و (نيز) گفتند: همانا ما به همه ى آنها كافريم ؟!

## نكته ها :

در اينكه جمله ى «سِحران تَظاهرا» اشاره به كدام دو چيز است ، احتمالات زيادى داده شده كه با توجّه به آيه بعد معلوم مى شود مراد، قرآن و تورات است.

## پيام ها :

1- رسالت پيامبر وقرآن ، حقّ است . لولا ارسلت الينا رسولا فلما جاءهم الحقّ

2- منكرين حقّ، بجاى توجّه به حقّانيّت ، تنها به مقايسه هاى بى اساس ‍ وباطل نظر دارند.جاءهم الحقّ لولا اوتى مثل ما اوتى

3- افراد متحجّر، حاضر به پذيرش حرف جديد و منطقى نيستند. لولا اُوتى مثل ما اوتى موسى

4- سحر و ساحرى ، شايع ترين تهمتى است كه به انبيا زده مى شود. سحران (منكرين بهانه جو اظهار مى داشتند كه اين قرآن و آن تورات ، دو كتاب سحرند كه از يكديگر پشتيبانى مى كنند.)

5- غالب بهانه گيران ، داراى سوء سابقه هستند. اءولم يكفروا... من قبل

6- دشمنان ، منطق و كلام حقّ را خدشه دار مى كنند تا راه را براى انكار خود باز كنند. سحران ... انّا بكلّ كافرون

# (49) قُلْ فَاءْتُواْ بِكِتَبٍ مِّنْ عِندِ اللّهِ هُوَ اءَهْدَى مِنْهُمَآ اءَتَّبِعْهُ إِن كُنتُمْ صَدِقِينَ

ترجمه :

(اى پيامبر! به آنان) بگو: (اكنون كه منكر هر دو كتاب هستيد) اگر راست مى گوييد، شما كتابى از جانب خداوند بياوريد كه از اين دو (كتاب تورات و قرآن) هدايت بخش تر باشد تا من از آن پيروى كنم .

## پيام ها :

1- بايد به ياوه سرايى منكران ، جواب مناسب داد. قل ...

2- انتقاد به تنهايى كافى نيست ، بايد همراه آن طرح و پيشنهاد داد. سحران تظاهرا... فاءتوا بكتاب

3- از جمله امتيازات انبيا، تحدّى ومبارزه طلبى در آوردن كتاب يا معجزه است . فاءتوا بكتاب اهدى

4- توراتِ اصلى وقرآن ، بهترين كتاب هاى آسمانى براى هدايت بشر مى باشند. فاءتوا بكتاب ... اهدى منهما

5- در مقابل كفر و انكار بايد پيروان اديان الهى حامى يكديگر باشند. اءهدى منهماو نفرمود: «اءهدى منّى» آرى ، با اينكه قرآن ، تورات را تحريف شده مى داند، ولى در برابر دشمن مشتركى كه به همه ى كتب آسمانى كافر است و شعار اِنّا بكلٍّ كافرون سر مى دهد، از آن حمايت كرده و آن را در كنار خويش قرار مى دهد.

6- رهبر آسمانى بايد بهترين سخن و منطقى ترين شيوه را در مقابل مخالفان ارائه دهد. فاءتوا بكتاب ... اهدى منهما اتّبعه

7- ملاك ومعيار، تبعيّت از بهترين هاست . اهدى منهما اتّبعه

8 در گزينش مربّى ، دوست وكتاب ، هدايت بخش بودن ، معيار است . اهدى منهما اتّبعه

9- انسان از آوردن كتابى برتر از قرآن وتورات اصلى عاجز است . اِن كنتم صادقين

# (50) فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُواْ لَكَ فَاعْلَمْ اءَنَّمَا يَتَّبِعُونَ اءَهْوَآءَهُمْ وَ مَنْ اءَضَلُّ مِمَّن اتَّبَعَ هَوَيَهُ بِغَيْرِ هُدىً مِّنَ اللّهِ إِنَّ اللّهَ لاَ يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّلِمِينَ

ترجمه :

پس اگر (خواسته و پيشنهاد) تو را نپذيرفتند، بدان كه آنان پيرو هوسهاى نفسانى خويش اند و كيست گمراه تر از آن كس كه بدون (پذيرش حقّ و توجّه به) هدايت و رهنمون الهى ، از هوس خود پيروى نمايد؟همانا خداوند، قوم ستمگر را هدايت نمى كند.

## نكته ها :

براى انسان سه دشمن معنوى شمرده اند: جلوه هاى دنيوى ، تمايلات نفسانى و وسوسه هاى شيطانى . در اين ميان ، دنيا و جلوه هاى آن همچون كليدى است كه با حركت به يك سوى ، در را باز مى كند و با حركت به سوى ديگر مى بندد، يعنى هم مى توان از آن بهره ى خوب گرفت و هم مى توان آن را در راه بد بكار برد. وسوسه هاى شيطانى نيز اگر چه نقش آفرين هستند ولى انسان را به گناه مجبور نمى كنند، مضافا بر اينكه ، شيطان در دل اولياى خدا راه نفوذ و تسلّطى ندارد. امّا دشمن دوّم كه از همه كارسازتر است ، هواها و تمايلات نفسانى است كه خطرناك ترين دشمن انسان بشمار مى رود. (64)

## پيام ها :

1- گاه هواپرستى با تبليغات ، توجيهات ، مغالطه كارى و طرفدارى اكثريّت چنان جلوه مى كند كه شناخت آن ، بصيرت و دقّت لازم دارد. فاعلم

2- آنجا كه هدايت پذيرى نباشد، هواپرستى حاكم است . لم يستجيبوا... يتّبعون اهوائهم

3- منكران حقّ وهواپرستان ، گمراه ترين مردم هستند. من اضلّ ممّن اتّبع هواه

4- هدايت واقعى ، هدايتى است كه از علم و حكمت بى نهايت سرچشمه گرفته باشد. هدىً من اللّه

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

64- تفسير اطيب البيان .

5- هواپرستى ظلم است وهواپرستان از هدايت الهى بدورند. انّ اللّه لايهدى القوم الظالمين

# (51) وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

ترجمه :

وما پيوسته براى آنان سخن گفتيم (و آيات قرآن را برايشان نازل كرديم) شايد كه پندگيرند ومتذكّر شوند.

# (52) اءلَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَبَ مِن قَبْلِهِ هُم بِهِ يُؤْمِنُونَ

ترجمه :

(برخى از) آنان كه پيش از اين (قرآن) كتابشان داديم ، همانها به آن (قرآن) ايمان مى آورند.

## نكته ها :

كلمه «وَصّلنا» از «وَصل»، به معناى ارتباطدادن ومتّصل كردن است . مراد از اين اتّصال يا پى در پى بودن تذكّرات است و يا هماهنگى و هم سويى مطالبى كه ارائه مى شود.

از سنّت هاى خداوند، هدايت انسان هاست كه لحظه اى قطع نمى شود؛ اِنّ علينا للهُدى (65) و از طريق آيات الهى ، انبيا واوصيا عليهم السلام و علماى دين، تداوم مى يابد؛ وَصّلنالهم وچنانچه منطقه اى به اين هدايت الهى دسترسى نداشت، مى بايست

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

65- ليل ، 12.

گروهى از آن منطقه كوچ كرده و با تفقّه در دين ، مردم را از آن بهره مند سازند.(66)

## پيام ها :

1- در تربيت بايد تذكّرات ، تدريجى ، گام به گام ، مكرّر و متنوّع باشد. وصّلنا (آرى با يك يا دو تذكّر مختصر نبايد انتظار اصلاح وتربيت داشت)

2- آيات قرآن داراى يك نوع همسويى و پيوستگى است . وصّلنالهم القول

3- همه ى آيات الهى ، كتب آسمانى و رهبران دينى ، يك حرف و هدف را دنبال مى كنند. وصّلنا لهم القول

4- انسان ، موجودى فراموشكار است و نياز به تذكّر دارد. يتذكّرون

5 اهل كتاب واقعى ، كسانى هستند كه با ديدن اسلام ، ايمان مى آورند. الّذين آتيناهم الكتاب ... به يؤ منون

# (53) وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوَّاْ ءَامَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَآ إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

ترجمه :

و زمانى كه (قرآن) بر آنان تلاوت شود، گويند: ما به آن ايمان آورديم ، همانا آن ، حقّى است از طرف پروردگارما (و) ما پيش از اين (نيز) اهل تسليم بوده ايم .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

66- توبه ، 122.

# (54) اءُوْلََّئِكَ يُؤْتَوْنَ اءَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُواْ وَ يَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِالسَّيِّئَةَ وَمِمَّارَزَقْنَهُمْ يُنفِقُونَ

ترجمه :

آنان به خاطر صبرشان ، دو برابر پاداش داده مى شوند. و (آنانند كه) بدى هارا با نيكى دفع مى كنند و از آنچه روزى آنان كرده ايم (به ديگران) انفاق مى نمايند.

## پيام ها :

1- طالبان حقّ، بدنبال حقّ هستند و توجّهى به اينكه چه كسى ، از چه نژادى و با چه زبانى آن را مى گويد ندارند. اذا يُتلى ... قالوا آمنّا («يُتلى» به صورت مجهول ، يعنى گوينده مطرح نيست .)

2- اگر روح پاك باشد، با شنيدن حقّ ايمان مى آورد. يُتلى ... آمنّا (به عكس ، اگر زمينه فراهم نباشد، با تلاوت پيوسته هم اميدى به ايمان نيست .)

3- ايمانى ارزش دارد كه بر اساس معرفت و شناخت حقّ باشد. آمنّا به اِنّه الحقّ

4- شرايط وزمينه هاى افراد، در دريافت الطاف الهى متفاوتند. يؤ تون اجرهم مرّتين بما صبروا

5- پذيرش حقّ، نيازمند صبر در مقابل انواع انتقادها ومشكلات است . قالوا آمنّا... يؤ تون اءجرهم ... بماصبروا

6- گذشت از بدى هاى ديگران و انفاق به آنان در صورتى ارزش دارد كه خصلت و خوى انسان باشد. يدرؤ ن ينفقون (فعل مضارع نشانه دوام و استمرار است.

آرى مؤ منانى مورد ستايش اند كه داراى پشتكار، گذشت و اهل بخشش باشند.)

7- اگر بدانيم كه رزق از طرف خداست ، انفاق براى ما آسان مى شود. ممّا رزقناهم ينفقون

8 مورد انفاق تنها مال نيست ، از علم ، توان و آبرو نيز مى توان انفاق كرد. ممّا رزقناهم ينفقون

# (55) وَإِذَاسَمِعُواْ اللَّغْوَ اءَعْرَضُواْ عَنْهُ وَقَالُواْ لَنَآ اءَعْمَلُنَا وَ لَكُمْاءَعْمَلُكُمْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ لاَنَبْتَغِى الْجَهِلِينَ

ترجمه :

و هرگاه (سخن) لَغوى را بشنوند، از آن روى برگردانند و گويند: اعمال ما براى ما وكارهاى شما براى شما باشد، سلام (وِداعِ ما) بر شماباد، ما به سراغ جاهلان نمى رويم .

## نكته ها :

در آيه ى قبل خداوند به كسانى كه در راه او صبر كنند و بدى ها را با خوبى پاسخ دهند و از اموالشان در راه خدا بخشند، پاداشِ دو برابر وعده داد، اين آيه به يكى از نمونه هاى صبر و برخوردهاى خوب ، اشاره مى فرمايد.

«لَغو» يعنى امر بيهوده كه هم در كلام و هم در عمل قابل بروز است و مؤمنين به اعراض از آن سفارش شده اند. از جمله ويژگى هاى بهشت آن است كه لغو و بيهودگى در آنجا نيست . لا لغو فيها و لا تاءثيم (67)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

67- طور، 23.

«مُدارا»، كوتاه آمدن از موضع قدرت است ، نظير پدرى كه دست كودكش را در دست دارد وقدرت بر تند رفتن دارد، ولى آهسته راه مى رود، امّا «مُداهنه»، كوتاه آمدن از موضع ضعف است . نظير بسيارى از رؤ ساى كشورها كه به خاطر نداشتن شجاعت ، در اختيار ابرقدرت ها قرار دارند. انبيا و اولياى الهى با مردم مدارا مى كنند، امّا در برابر كفر مداهنه نمى ورزند.

## پيام ها :

1- مؤمن واقعى كسى است كه نه تنها به مجلس لغو نمى رود و به سخن لغو گوش نمى دهد، بلكه اگر كلام بيهوده اى هم شنيد، عكس العمل نشان مى دهد. و اذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه

2- يكى از نمونه هاى صبر، بى اعتنايى به لغو و اعراض از آن است . صبروا اعرضوا عنه

3- اعراض از لغو در گفتن ، شنيدن ، ديدن و معاشرت ، كمالى است كه در همه ى اديان الهى از آن ستايش شده است . سمعوا اللغو اعرضوا عنه (آيه فوق در توصيف گروهى از اهل كتاب است .)

4- از شيوه هاى عمومى وساده ى نهى از منكر، اعراض از منكر است . سمعوا... اعرضوا عنه (لغو را با لغو پاسخ نگوييم .)

5- انسان در برابر آنچه مى شنود، مسئول است . سمعوا... اعرضوا

6- قاطعيّت ، صلابت و عدم سازش ، نشانگر ايمان راسخ است . لنا اعمالنا و لكم اعمالكم

7- سود و زيان عمل هر كس به خود او برمى گردد. لنا اعمالنا و لكم اعمالكم

8- اعراض ، بايد كريمانه باشد. اعرضوا... سلام عليكم

9- اعراض بايد همراه هشدار به اهل لغو باشد. اعرضوا... لانبتغى الجاهلين

10- لغو، ميوه ى جهل و بيهوده گو، جاهل است . لانبتغى الجاهلين

# (56) إِنَّكَ لاَ تَهْدِى مَنْ اءَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللّهَ يَهْدِى مَن يَشَآءُ وَهُوَ اءَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

ترجمه :

(اى پيامبر!) همانا تو نمى توانى هر كه را دوست دارى هدايت كنى (و به مقصد برسانى )، بلكه اين خداوند است كه هر كس را بخواهد هدايت مى كند و او به ره يافتگان آگاه تر است .

## نكته ها :

مضمون اين آيه كه در مقام دلدارى پيامبر اكرم صلّى اللّه عليه و آله است ، در آيات ديگر وبا بيانات وتعابير مختلف تكرار شده است ، از جمله در سوره ى يوسف مى خوانيم : و ما اكثر الناس و لو حَرَصتَ بمؤمنين (68)، اى پيامبر! هر چند به هدايت آنان حريص باشى ، باز اكثر مردم ايمان نمى آورند، يا در سوره بقره آمده است : ليس ‍ عليك هداهم ولكن اللّه يهدى من يشاء (69) هدايت پذيرى مردم بر عهده تو نيست وخداوند، هر كه را بخواهد، هدايت مى فرمايد.

در جلد پنجم تفسير درّالمنثور (از تفاسير اهل سنّت) رواياتى به اين مضمون نقل شده است كه در آستانه ى فوت ابوطالب ، پدر حضرت على عليهما السلام، پيامبر اكرم صلّى اللّه عليه و آله به نزد او حاضر شد

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

68- يوسف ، 103.

69- بقره ، 272.

و اسلام را بر او عرضه فرمود، امّا او نپذيرفت و اين آيه نازل شد!!

ما با قطع نظر از اينكه شاءن نزول آيه چيست و آيا اصلا ارتباطى با پدر بزرگوار اميرالمؤمنين على عليه السلام دارد يا خير، (كه با اندك تاءمّلى ، عدم اين ارتباط ثابت مى شود، زيرا آيه در ادامه ى بحث پيرامون گروهى از مؤمنان اهل كتاب در مقابل مشركان مكّه است) كمى به بحث پيرامون اين روايات و ايمان حضرت ابوطالب مى پردازيم .

علاّمه امينى ، صاحب كتاب گرانقدر «الغدير» در جلد هشتم اين كتاب از صفحه ى 19 به بعد با نقد و ردّ تمامى اين روايات مجعول و با استناد به منابع تاريخى ، معتقد است كه راويان اينگونه روايات ، در زمان فوت حضرت ابوطالب يا اطفالى شيرخوار بودند و يا همچون ابوهريره ، هنوز اسلام نياورده بودند.

همچنين ايشان از صفحه 330 تا 410 همان جلد، به دلايل مؤمن بودن حضرت ابوطالب مى پردازد و صدها شعر از خود آن حضرت ، ده ها خاطره و چهل حديث از اهل بيت پيامبر ذكر مى كند كه حاكى از ايمان او به خداوند و رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله ست . بعضى از اين دلائل عبارتند از:

1- سخنان پيامبر و ائمّه معصومين عليهم السلام پيرامون ايمان او.

2- حزن و اندوه پيامبر صلّى اللّه عليه و آله در فوت او.

3- دعاى پيامبر صلّى اللّه عليه و آله بالاى منبر، به ابوطالب وتشييع جنازه او.

4- حديث پيامبر صلّى اللّه عليه و آله كه من شفيع والدين و عمويم ابوطالب در قيامت هستم .

5- وصيّت نامه او مبنى بر حمايت بنى هاشم از پيامبر اسلام .

6- سفارش او به همسر و فرزندش جعفر، براى حمايت از پيامبر صلّى اللّه عليه و آله و توجّه به اسلام ونماز.

7- حمايت هاى بيدريغ او از پيامبر كه در شب هاى خطرناك ، جاى خواب آن حضرت را با جاى خواب فرزندش على عليه السلام عوض مى كرد وفرزندش را در معرض خطر قرار مى داد.

8 زندگى فاطمه بنت اسد با ابوطالب كه در اسلام او شكّى نيست ، زيرا اگر ابوطالب مسلمان نبود، نبايد زن مسلمان همسرش باشد.

9- اشعار فراوان او كه از اقرارش به اسلام حكايت دارد.

البتّه نبايد فراموش كرد كه تنها گناه نابخشودنى او اين است كه پدر على عليه السلام است ! و دشمنان آن حضرت چه بودجه هايى را در راه ضربه زدن به آن حضرت هزينه كردند و رواياتى را جَعل نمودند و براى اينكه ميان ابوطالب پدر حضرت على عليهما السلام و ابوسفيان پدر معاويه تعادلى برقرار كنند، سابقه ى شرك را تهمت زدند.

## پيام ها :

1- وظيفه ى انبيا ابلاغ پيام هاى الهى و ارائه راه است . پذيرفتن يا عدم پذيرش مردم ربطى به آن بزرگواران ندارد. انّك لا تهدى

2- پيامبران ، براى هدايت منحرفان سوز وشور داشتند. مَن اءحبَبتَ

3- هدايت ، كار خداوند است كه فقط شامل دلهاى پاك و آماده مى شود. ولكن اللّه يهدى

4- خواست خداوند بر اساس حكمت و علم اوست . يهدى من يشاء و هو اعلم

# (57) وَقَالُوَّاْ إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ اءَرْضِنَآ اءَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَماً ءَامِناً يُجْبَىَّ إِلَيْهِ ثَمَرَتُ كُلِّ شَىْءٍ رِّزْقاً مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ اءَكْثَرَهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ

ترجمه :

و (كفّار مكّه) گفتند: اگر ما با (قبول برنامه هاى) تو، هدايت را بپذيريم ، (بزودى) از سرزمينمان آواره خواهيم شد. (بگو:) آيا ما آنان را در حرم اءمنى قرار نداديم كه بهره هاى هر چيزى به عنوان روزى از جانب ما به سوى آن سرازير مى شود؟ولى بيشتر آنان نمى دانند!

## نكته ها :

گروهى از مشركان مكّه به پيامبراسلام صلّى اللّه عليه و آله اظهار داشتند كه اگر ما هدايت را به همراه تو پذيرا شويم ، به سرعت از خانه و كاشانه خود رانده و آواره ، و از زندگى و هستى خويش ساقط و درمانده مى گرديم .

خداوند با سه پاسخ بهانه ى آنان را ردّ مى فرمايد:

پاسخ اوّل كه در همين آيه مورد اشاره قرار گرفته است اين كه ؛ همان خدايى كه مكّه را پايگاه اءمن ومحلّ جلب و سرازير شدن روزى فراوان براى شما قرار داد، باز مى تواند آن را تداوم بخشد. (در اين جواب دلگرمى و بشارت است)

پاسخ دوّم كه در آيه ى بعد آمده است اينكه ؛ بر فرض بخاطر حفظ رفاه و منافع خود، ايمان نياوريد، قهر خدا را چه خواهيد كرد؟

(در اين جواب انذار و هشدار است)

پاسخ سوّم كه در آيه 60 همين سوره مطرح شده است اين كه ؛ مگر مال و متاع دنيا چقدر ارزش دارد كه به واسطه آن ايمان نمى آوريد بدانيد آنچه در نزد خداست ، بهتر و پايدارتر است . پس عدم ايمان شما هيچ وجه و توجيهى ندارد.

## پيام ها :

1- دين ، تنها عقيده نيست ، بلكه برنامه هاى عملى نيز دارد. نتّبع الهُدى معك

2- حساسيّت دشمنان تنها نسبت به راه حقّ و مسير الهى نيست كه آنها، هم به راه حقّ و هم به رهبرى حقّ اعتراض دارند. ان نتّبع الهُدى معك

3- ايمان آوردن ، تنها به آگاهى داشتن نيست ، بلكه به جراءت هم نياز دارد. ان نتّبع الهُدى معك نتخطّف (آرى ، گروهى حقّانيّت اسلام را مى فهمند، ولى بخاطر حفظ منافع شخصى از آن سرباز مى زنند.)

4- انسان ، وطن دوست است . من ارضنا

5- ترس از دست دادن نعمت ها را با ياد الطاف الهى دفع كنيم . اءولم نمكّن لهم حرما آمنا (آرى ياد نعمت ها، عامل توكّل و رفع نگرانى هاست .)

6- بهبود، رونق و رشد اقتصادى در گرو امنيّت و آرامش اجتماعى است . آمنا يُحبى اليه ثمرات

7- امنيّت و رزق ، دو نعمت تضمين شده ى حرم الهى (مكّه) است . آمنا يُحبى اليه ثمرات كلّ شى ء

8 برترى ايمان بر رفاه و آسايش ، براى اكثر مردم پنهان است . ولكنّ اكثرهم لا يعلمون

# (58) وَكَمْ اءَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّن بَعْدِهِمْ إِلاقَلِيلاً وَكُنَّا نَحْنُ الْوَرِثِينَ

ترجمه :

و چه بسيار مناطقى كه ما (آنها را) بخاطر طغيان در زندگى ، هلاك كرديم ، اين خانه هاى آنهاست كه بعد از آنان جز اندكى (از انسان ها در آن) سكونت نكردند و ما وارث آنان هستيم .

## نكته ها :

كلمه ى «بَطِر» به معناى طغيان و سرمستى بر اثر فزونى ثروت و رفاه است .

در آيه قبل خوانديم كه گروهى به پيامبر اكرم صلّى اللّه عليه و آله گفتند: اگر ما به تو ايمان بياوريم ، كفّار مكّه ما را آواره خواهند كرد، و خداوند فرمود: همان قدرتى كه مكّه را محل امن و رزق فراوان براى شما قرار داد، بعد از ايمان نيز مى تواند نعمت هايش ‍ را براى شما حفظ نمايد. در اين آيه خداوند مى فرمايد: فراموش نكنيد كه ما بسيارى از شهرها را كه سرمست از نعمت ها و غرق در رفاه بودند نابود كرديم ، شما نيز كه بخاطر حفظ رفاه و اموال خود ايمان نمى آوريد، با قهر الهى چه مى كنيد؟!

منظور از «تلك مساكنهم»، مساكن مخروبه ى قوم عاد در منطقه احقاف (ميان يمن و شام)، يا قوم ثمود در منطقه سَدوم است كه مردم حجاز در مسافرت هاى تجارى از كنار آنها عبور مى كردند و با چشم خود مى ديدند.

## پيام ها :

1- گاه ثروت و رفاه نه تنها مايه ى سعادت نيست كه باعث غرور، طغيان و هلاكت است . كم اهلكنا... بطرت معيشتها

2- سرنوشت افراد و جوامع ، در گرو اعمال خود آنهاست . كم اهلكنا... بطرت معيشتها

3- سنّت الهى ، هلاكت مرفّهان بى ايمان است . اهلكنا من قرية بطرت

4- خرابه ها وبقاياى تمدّن هاى گذشته ، بهترين پندآموز نسل هاى بعدى است . تلك مساكنهم (از جمله برنامه هاى تربيتى ، بازديد از همين اماكن است.)

5 مرفّهان ، اموال خود را رها كرده و خواهند رفت . پس هدايت وسعادت ابدى را با رفاه زودگذر دنيوى معامله نكنيم . نحن الوارثين

# (59) وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِىَّ اءُمِّهَا رَسُولاً يَتْلُواْعَلَيْهِمْ ءَايَتِنَا وَمَاكُنَّا مُهْلِكِى الْقُرَىَّإِلا وَ اءَهْلُهَا ظَلِمُونَ

ترجمه :

و پروردگارت قريه ها (و شهرها) را نابود نمى كند، مگر اينكه در ميان آنان پيامبرى برانگيزد، كه آيات ما را بر آنان تلاوت كند. و ما هيچ آبادى را هلاك نكرديم مگر آنكه اهل آن ظالم بودند.

## پيام ها :

1- از مهم ترين وظايف انبيا، تلاوت آيات الهى بر مردم است . يتلوا عليهم

2- مكّه ، اُمّالقراى اسلام است . يبعث فى اُمّهارسولا

3- جوامع ستمگر در معرض قهر الهى هستند. ربّك مهلكى القرى ...

4- تا اتمام حجّت نشود، قهرى از جانب خدا نازل نمى شود. ماكان ربّك مهلك القرى حتّى يبعث رسولا

5 قهر الهى ، يكى از شيوه هاى تربيتى خداوند است . (هلاكت بدنبال كلمه ى «ربّك» آمده است) ربّك مهلك القُرى

6- محل هاى تبليغى بايد در مراكز وكانون هاى اصلى اجتماعات وشهرها باشد. يبعث فى اُمّها رسولا (آيه ، نشانگر نقش مكان در تبليغ است .)

7- پاسخ مثبت ندادن به دعوت انبيا، ظلم است . يتلوا عليهم ... واهلها ظالمون

8 هلاكت ستمگران در دنيا، سنّت وبرنامه ى الهى است . مهلكى القرى ... اهلها ظالمون

# (60) وَمَآ اءُوتِيتُم مِّن شَىْءٍ فَمَتَعُ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَمَا عِندَ اللّهِ خَيْرٌ وَاءَبْقَىَّ اءَفَلاَ تَعْقِلُونَ

ترجمه :

وآنچه به شما داده شده ، بهره ى زندگى دنيا و زينت آن است (كه فانى و زودگذر است )، در حالى كه آنچه نزدخداست ، بهتر و پايدارتر است . پس آيا نمى انديشيد؟!

## نكته ها :

در واقع اين سوّمين جوابى است كه خداوند در پاسخ بهانه جويى كفّار مكّه (كه اگر ما ايمان بياوريم ، زندگانى ما مختل مى شود) مى دهد،

كه آنچه به گمان خام خود از رهگذر عدم ايمان بدست مى آوريد، متاع وكالاى بى ارزش و فانى زندگى محدود دنياست ، در حالى كه آنچه نزد خداست ، بهتر و ماندگارتر است .

## پيام ها :

1- ثروت و دارايى خود را محصول تلاش و زرنگى خويش نپنداريم كه هر چه هست از خداوند است . ما اوتيتم

2- نعمت هاى دنيوى ، محدود است ؛ من شى ءولى پاداش الهى ، نامحدود و غير قابل تصوّر است . ما عنداللّه خير و ابقى

3- اگر بخاطر پذيرش ايمان ، دنيا را از دست بدهيد، به نعمت هاى بى منتها وبى زوال دست خواهيد يافت . ما عنداللّه خيرٌ و ابقى

4- هر كس باقى را فداى فانى ، و بهره ى ناب را با لذّات آميخته با مشكلات عوض كند، در حقيقت عاقل نيست . اءفلا تعقلون

نگاهى به دنيا از منظر قرآن

در قرآن مجيد، از دنيا وزندگانى دنيا با تعبيرات مختلفى ياد گرديده و انسان ها را از اقبال به آن و اغفال در برابر آن برحذر داشته است ، از جمله :

دنيا، عارضى است . عَرَض الحيوة الدّنيا (70)

دنيا، بازيچه است . و ماالحيوة الدّنيا الاّ لعبٌ و لَهو (71)

دنيا، اندك و ناچيز است . فما متاع الحيوة الدّنيا فى الا خرة الاّ قليل (72)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

70- نساء، 94.

71- انعام ، 32.

72- توبه ، 38.

زندگى دنيا، مايه ى غرور و اغفال است . وما الحيوة الدّنيا الاّ متاع الغرور (73)

زندگى دنيا، براى كفّار جلوه دارد. زيّن للّذين كفروا الحيوة الدّنيا (74)

مال و فرزند، جلوه هاى دنيا هستند. المال والبنون زينة الحيوة الدّنيا (75)

دنيا، غنچه اى است كه براى هيچ كس گُل نمى شود. زهرة الحيوة الدّنيا (76)

چرا آخرت را به دنيا مى فروشيد؟ اشتروا الحيوة الدّنيا بالا خره (77)

چرا به دنياى فانى و محدود، راضى مى شويد؟ اءرَضِيتم بالحيوة الدّنيا (78)

چرا به دنياى كوچك و زودگذر شاد مى گرديد؟ فَرِحوا بالحيوة الدّنيا (79)

چرا دنيا را به آخرت ترجيح مى دهيد؟ يَستحبّون الحيوة الدّنيا على الا خره(80)

چرا به دنياداران خيره مى شويد؟ لاتمدّنّ عينيك الى ما متّعنا به (81)

چرا فقط به دنيا فكر مى كنيد؟ لم يردالاّالحيوة الدّنيا (82)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

73- آل عمران ، 185.

74- بقره ، 212.

75- كهف ، 46.

76- طه ، 131.

77- بقره ، 86.

78- توبه ، 38.

79- رعد، 26.

80- ابراهيم ، 3.

81- حجر، 88.

82- نجم ، 29.

آيا دنياگرايان نمى دانند كه جايگاهشان دوزخ است ؟ و آثر الحيوة الدّنيا، فانّ الجحيم هى الماءوى (83)

البتّه اين همه هشدار به خاطر كنترل مردم دنياگرا است و آنچه در آيات و روايات انتقاد شده ، از دنياپرستى ، آخرت فروشى ، غافل شدن ، سرمست شدن و حقّ فقرا را ندادن است ، ولى اگر افرادى در چهارچوب عدل و انصاف سراغ دنيا بروند و از كمالات ديگر و آخرت غافل نشوند و حقّ محرومان را ادا كنند و در تحصيل دنيا يا مصرف آن ظلم نكنند، اين گونه مال و دنيا فضل و رحمت الهى است .

# (61) اءَفَمَن وَعَدْنَهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لَقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَهُ مَتَعَ الْحَيَوةِالدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

ترجمه :

پس آيا كسى كه به او وعده اى نيكو داده ايم و او آن را خواهد ديد، مانند كسى است كه او را از بهره ى زندگى دنيا بهره مند ساختيم (و) سپس او در روز قيامت از احضارشدگان (براى حساب و جزا) خواهد بود؟!

## نكته ها :

اين آيه در ادامه ى آيات قبل ، پيرامون كسانى است كه بخاطر حفظ زندگانى دنيا، بر كفر باقى ماندند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

83- نازعات ، 38.

وعده اى كه در اين آيه به آن اشاره گرديده ، همان وعده اى است كه در آيات مختلف قرآن به اهل ايمان و عمل صالح داده شده است ، از جمله آيه ى نهم سوره ى مائده :

وَعَدَ اللّهُ الّذين آمنوا و عملوا الصالحاتِ لهم مغفرةٌ و اءجرٌ عظيم .

مخالفان پيامبر اكرم صلّى اللّه عليه و آله در صدر اسلام ، افراد مرفّه و كامياب بوده اند.

## پيام ها :

1- وعده هاى الهى و پاداش هاى اخروى ، هم بزرگ است و هم نيكو. وعدا حسنا (كلمه «وَعدا» كه با تنوين آمده ، اشاره به بزرگى امر و كلمه «حسنا» نشان از نيكويى دارد.)

2- وعده هاى الهى ، قطعى و مسلّم است . وعدناه ...فهو لاقيه

3- شيوه ى مقايسه ، از بهترين اسلوب هاى تبليغ و تربيت است . اءفمَن وعَدناه ... كمَن متّعناه (كسانى كه وعده هاى الهى را دريافت مى كنند، قابل مقايسه با ديگران نيستند)

4- توفيق بهره گيرى از متاع دنيا نيز بدست خداست . متّعناه

5 كاميابى دنيوى ، نشانه آسودگى اُخروى نيست . متّعناه ... من المحضرين

6- بهره مندى هاى دنيوى ، حساب و كتاب دارد. متّعناه ... من المحضرين

حضرت على عليه السلام مى فرمايد: «فى حلالها حساب و فى حرامها عقاب » (84) در حلال دنيا حساب و در حرام آن عقاب است .

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

84- نهج البلاغه ، خطبه 82.

7- كاميابى غافلانه ، احضار ذليلانه ى اُخروى در پى دارد. من المحضرين آرى در لذّتى كه پايانش آتش است ، خيرى نيست .

# (62) وَ يَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ اءَيْنَ شَرَكَآءِىَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ

ترجمه :

و روزى كه (خداوند) آنها را ندا مى دهد، پس مى گويد: كجايند آن شريكانى كه براى من مى پنداشتيد؟

# (63) قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هََّؤُلاََّءِ الَّذِينَ اءَغْوَيْنَآ اءَغْوَيْنَ هُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّاءْنَآ إِلَيْكَ مَاكَانُوَّاْ إِيَّانَا يَعْبُدُونَ

ترجمه :

آن (شريكان و) كسانى كه حكم عذاب بر آنان محقّق گشته ، مى گويند: پروردگارا! اينان كسانى هستند كه ما گمراه كرده ايم . همان گونه كه خود گمراه بوديم ، آنها را (نيز) گمراه نموديم ، (امّا اينك از آنان) به سوى تو بيزارى مى جوييم . (اينان در واقع ) ما را نمى پرستيدند (بلكه بدنبال هواپرستى و هوسرانى خود بودند.)

# (64) وَقِيلَ ادْعُواْ شُرَكَآءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُواْ لَهُمْ وَرَاءَوُاْ الْعَذَابَ لَوْ اءَنَّهُمْ كَانُواْيَهْتَدُونَ

ترجمه :

و (در اين هنگام به مشركان) گفته مى شود: (اكنون آن) معبودانى را كه شريك خدا مى پنداشتيد بخوانيد، پس آنها را مى خوانند، امّا جوابى به آنها نمى دهند و (در اين حال) عذاب الهى را مى بينند

(كه آنان را در برمى گيرد،پس آرزو مى كنند) اى كاش ، هدايت يافته بودند.

## نكته ها :

با بر پايى قيامت ، صحنه هاى عجيب و گوناگونى اتفاق مى افتد كه اين آيات به بعضى از آنها اشاره مى فرمايد؛ يكى از صحنه ها، سؤ الات توبيخ ‌آميز خداوند، از مشركان است . صحنه ى ديگر، اظهار تنفّر و بيزارى معبودها از كسانى است كه آنها را مى پرستيدند و صحنه ى سوّم ، ملامت منحرفان از شيطان است كه شيطان هم در جواب مى گويد: مرا سرزنش نكنيد، بلكه خودتان را ملامت نماييد؛ فلاتلومونى و لوموا انفسكم (85) در قيامت ، هر كس گناه خود را به گردن ديگرى مى اندازد، ولى از طرف مقابل هم جواب مى شنود كه : بل كنتم قوما طاغين (86) گناه را به گردن ما نياندازيد، بلكه شما خودتان اهل طغيان بوديد.

بعضى از معبودها همچون حضرت عيسى و فرشتگان الهى ، تقصيرى ندارند، امّا كسانى نظير شياطين ، طاغوت ها دانشمندانى كه سبب بدعت و انحراف در دين گشته اند، مقصّرند و عذاب خداوند در مورد آنان قطعى است .

## پيام ها :

1- صحنه هاى قيامت را فراموش نكنيم . و يوم ...

2- دادگاه قيامت ، علنى و حضورى است . اءين شركائى

3- كارى نكنيم كه در قيامت ، از پاسخ آن كار، درمانده و عاجز باشيم . اءين شركايى

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

85- ابراهيم ، 22.

86- صافّات ، 30.

4- شرك و تكيه بر هرچه غير خداست ، گمان ، خيال و سراب است . تزعمون

5 معبودهاى عزيز دنيوى ، ذليلان و محكومان اُخروى اند. حقّ عليهم القول

6- هركس ديگران را به جاى خداوند به سوى خويش بخواند، عذاب الهى برايش حتمى است . حقّ عليهم القول

7- پرستش غير خدا، يك فريب است . اغوينا

8 فريب خوردگان ، بدنبال فريب ديگران نيز هستند. اغويناهم كما غوينا

9- انسان ها در انتخاب راه آزادند و مى توانند راههاى انحرافى را نيز برگزينند. غوينا

10- معبودهاى غير خدايى ، روزى از عابدانِ خود متنفّر خواهند بود. تبرّاءنا

11- حقيقت شرك ، هوى پرستى است . ما كانوا ايّانا يعبدون

12- معبودهاى دروغين ، به ناله هاى شما در وقت نياز پاسخى نخواهند داد. فدعوهم فلم يستجيبوادلبستن به غير خدا در دنيا، مايه ى محروم شدن از يارى او در قيامت است)

13- قيامت ، روز حسرت است . لو انّهم كانوا يهتدون

# (65) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَآ اءَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ

ترجمه :

و (به ياد آوريد) روزى كه (خداوند) آنها را ندا مى دهد، پس مى گويد: به پيامبران (و فرستادگان من) چه پاسخى داديد؟

# (66) فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الاَْنبَآءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لاَيَتَسَآءَلُونَ

ترجمه :

پس در آن روز، همه ى اخبار (و پاسخهايى كه مى توان از ديگران گرفت) بر آنان پوشيده مى ماند، و آنان ازيكديگر سؤ الى نمى كنند.

# (67) فَاءَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَلِحاً فَعَسَىَّ اءَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ

ترجمه :

امّا هر كس (در اين دنيا) توبه كند و ايمان بياورد و كار شايسته اى انجام دهد، پس اميد است كه از رستگاران باشد.

## نكته ها :

در آيه قبل ، سؤ ال از توحيد بود؛ اين شركايى ادعوا شركائكم و در اين آيات به مساءله نبوّت اشاره گرديده است . ماذا اءجَبتُم المرسلين

## پيام ها :

1- همه در برابر دعوت پيامبران مسئوليم . ماذا اءجَبتم المرسلين

2- در قيامت ، راه هاى دريافت خبر، بسته و همه متحيّر و درمانده اند. فَعَميَت عليهم الانباء

3- در قيامت ، مردم نمى توانند با همفكرى و مشورت و با سؤ ال از يكديگر، جوابى براى دادگاه عدل الهى آماده كنند. فهم لا يتسائلون

4- در اسلام ، بن بست وجود ندارد. راه بازگشت و توبه براى همگان باز است . مَن تاب

5 توبه ، تنها پشيمانى قلبى نيست ، ايمان واقعى و عمل صالح مى خواهد. تاب وآمن وعمل صالحا

6- توفيق توبه با تمام شرايط و قبول و تداوم آن براى كسى تضمين نشده است ، از اين روى بايد انسان هميشه در حال خوف و رجا باشد. (كلمه «عسى» به معناى اميد است ، يعنى با توبه وايمان وعمل صالح ، اميد رستگارى هست .)

# (68) وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَنَ اللّهِ وَتَعَلَى عَمَّايُشْرِكُونَ

ترجمه :

و پروردگارت آنچه را بخواهد مى آفريند و (آنچه را بخواهد) برمى گزيند، براى آنان (در برابر خداوند) حقّ انتخابى نيست ، منزّه است خدا وبرتر است از آنچه (براى او) شرك مى ورزند.

# (69) وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

ترجمه :

و پروردگار تو آنچه را دل هاى آنان پنهان مى دارند و آنچه را آشكارمى سازند، مى داند.

# (70) وَهُوَ اللّهُ لاََّ إِلَهَ إِلا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِى الاُْولَى وَ الاَْخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

ترجمه :

او اللّه است ، معبودى جز او نيست ، ستايش در دنيا و آخرت (و آغاز و فرجام) مخصوص اوست ، حاكميّت تنها از آنِ اوست و به سوى او باز گردانده مى شويد.

## پيام ها :

1- قدرت مطلقه ، از آنِ خداوند است . يخلق ما يشاء و يختار

2- تكوين (آفرينش هستى) و تشريع (قانون زندگى) به دست خداوند است . يخلق ما يشاء و يختار

3- انتخاب رهبر آسمانى به دست خداوند است ، نه مردم . ويختار ما كان لهم الخيرة

4- كسى حقّ قانون گذارى دارد كه آفريدگار هستى باشد. يخلق ما يشاء... له الحكم

5 كسى كه در برابر قانون خدا قانون بشرى را بپذيرد، در حقيقت براى خدا شريك پذيرفته است . ما كان لهم الخيرة سبحان اللّه و تعالى عمّا يشركون

6- چون معبودى جز او نيست ، پس ستايش ها مخصوص اوست . لا اله الا هو له الحمد

7- آفرينش و گزينش ، كار خداوند است ، ولى او كار باطل نمى كند. سبحان اللّه

# (71) قُلْ اءَرَءَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللّهُ عَلَيْكُمُ الَّيْلَ سَرْمَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللّهِ يَاءْتِيكُم بِضِيَآءٍاءَفَلاَ تَسْمَعُونَ

ترجمه :

بگو: آيا انديشيده ايد كه اگر خدا شب را تا روز رستاخيز پايدار بدارد، كدام خدايى غير از «اللّه» براى شما روشنى خواهد آورد؟ پس آيا نمى شنويد؟

## نكته ها :

كلمه ى «سَرمَد» به معناى دائم و هميشگى است .

جمله ى «اءفلاتَسمعون»، با محتواى آيه كه پيرامون شب است تناسب دارد، زيرا قدرت شنيدن انسان در شب ، همچنان محفوظ است ، هرچند چشمان او چيزى نبيند، چنانكه در آيه بعد كه بحث در ارتباط با روز است ، جمله «اءفلا تبصرون» آمده است .

از جمله راه هاى شناخت خداوند، انديشه پيرامون زوال يا تغيير نعمت هاست ، البتّه جابجايى و توالى شب و روز، يكى از بزرگ ترين نعمت ها و آيات الهى است .

## پيام ها :

1- شيوه احتجاج با مخالفان را از خداوند بياموزيم . قل اءرايتم

2- بهترين نشانه هاى خداشناسى آن است كه براى همه كس ، در همه جا و در همه وقت ، قابل دسترسى باشد. قل اءرايتم

3- يكى از شيوه هاى قرآن ، طرح پرسش هاى بيدار كننده است . اِن جعل اللّه ...

4- حركت زمين و ايجاد شب و روز، با اراده ى الهى است . جعل ... الليل سرمدا

5 طبيعت ، زيباترين تابلو و كتاب معرفت الهى است . الليل ضياء

6- در عقايد نبايد تقليد كرد. اءراءيتم اءفلا تسمعون

7- در تبليغ ، از وجدان مخاطبين استمداد بطلبيم . اءراءيتم ... من اله ... اءفلا تسمعون

# (72) قُلْ اءَرَءَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللّهِ يَاءْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ اءَفَلاَ تُبْصِرُونَ

ترجمه :

(و) بگو: به من خبر دهيد كه اگر خداوند، روز شما را تا روز رستاخيز جاودان بدارد، كدام خدايى غير از «اللّه» براى شما شب خواهد آورد تا در آن آرامش (و آسايش) يابيد؟ پس آيا نمى نگريد؟

## پيام ها :

1- نظام حاكم بر هستى ، از طرف خداوند است واگر بخواهد آن را به نظام ديگرى تبديل مى كند. اِن جعل اللّه ...

2- قدرت خداوند نسبت به همه ى پديده ها يكسان است . جعل ... الليل سرمدا، جعل ... النهار سرمدا

3- شب براى آسايش است و انسان نيازمند آسايش . تسكنون فيه

4- افراد بى بصيرت ، قابل توبيخ و سرزنش هستند. اءفلا تبصرون

5- شرك ، معلول نداشتن بصيرت است . مَن اله غير اللّه ... اءفلا تبصرون

# (73) وَمِن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُواْ فِيهِ وَلِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ترجمه :

و از رحمت اوست كه براى شما شب و روز را قرار داد تا در آن آرامش يابيد و از فضل او (روزى خود را)بجوييد، و باشد كه شكر گزاريد.

## نكته ها :

در آيات قرآن ، هميشه شب بر روز مقدّم است . شايد از آن جهت كه تاريكى شب ، ذاتى زمين واز خود آن است ، ولى روشنى روز، از خورشيد است كه بر زمين عارض ‍ مى شود.

## پيام ها :

1- منشاء خلقت و اعطاى نعمت ، نياز او، يا طلب ما نيست ، بلكه بخشندگى و رحمانيّت اوست . و من رحمته جعل

2- آرامش شب ، مقدّمه تلاش روز است . لتسكنوا فيه و لتبتغوا

3- خداوند، بخشنده است ، ولى انسان بايد تلاش كند. من رحمته جعل ... لتبتغوا

4- شب براى آسايش وروز براى كار وفعاليّت است . لتسكنوا فيه ولتبتغوامن فضله

5- آنچه بدست آوريم از فضل اوست ، به زرنگى خود ننازيم . من فضله

6- نعمت هاى مادّى بايد مقدّمه ى شكر وكسب مراتب معنوى باشد. لتسكنوا... لتبتغوا... لعلّكم تشكرون

7- دنيا اگر وسيله ى رشد، قرب و شكر بدرگاه الهى باشد، منفور و مذموم نيست . لعلّكم تشكرون

# (74) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ اءَيْنَ شُرَكَآءِىَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ

ترجمه :

و (باز بخاطر آوريد) روزى را كه (خداوند) آنها را ندا مى دهد، پس مى گويد: كجايند آن (همتايان و) شريكانى كه براى من مى پنداشتيد؟!

## نكته ها :

اين آيه ، شبيه آيه ى 62 همين سوره است كه قبلا گذشت .

## پيام ها :

1- صحنه ى حضور مشركان در قيامت ، صحنه اى قابل يادآورى است . و يوم يناديهم

2- آنان كه براى خداوند، شريكى قائلند، خود را براى پاسخگويى آماده نمايند. اءين شركائى (انسان مسئول انديشه و گرايش خود است)

3- قيامت ، روز ظهور پوچى معبودان و درماندگى مشركان است . اءين شركائى

4- تمام معبودان در بى اثرى و همه مشركان در بى جوابى يكسانند. اءين شركائى

5- قاضى دادگاه قيامت ، ذات مقدّس خداوند است . اين شركائى

6- براى غير خداوند، در قيامت ، هيچ قدرتى نيست . اين شركائى

7- خداوند شريك ندارد، آنچه را شريك او مى شمرند، پندار و توهّم است . كنتم تزعمون

# (75) وَنَزَعْنَا مِن كُلِّ اءُمَّةٍ شَهِيداً فَقُلْنَا هَاتُواْ بُرْهَنَكُمْ فَعَلِمُوَّاْ اءَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُم مَّاكَانُواْ يَفْتَرُونَ

ترجمه :

و (در آن روز) از هر امّتى ، گواهى بيرون مى آوريم ، پس (به مشركان) مى گوييم دليل خود را (بر شرك) بياوريد پس مى فهمند كه حقّ، مخصوص ‍ خداست و هر چه به دروغ مى بافتند از (دست) آنان رفته و محو شده است .

## نكته ها :

مواقف قيامت ، متعدّد است ، در يك موقف بر لب هاى انسان مُهر خورده و اعضا و جوارح ديگر به شهادت مى پردازند؛ شَهِد عليهم سَمعُهم و ابصارهم و جُلودهم (87) در موقفى ديگر، انسان مى تواند سخن بگويد؛ وَقِفوهم اِنّهم مسئولون (88) در يك جا سخنى با انسان گفته نمى شود؛ لا يكلّمهم اللّه (89) ولى در جاى ديگر، خداوند مى فرمايد: هاتوا برهانكم. گرچه بعضى احتمال داده اند كه مراد آيه اين باشد كه خداوند از هر گروه مشرك ، يكى از افراد برجسته را به عنوان شاهد و سخنگو بيرون مى كشد و از او مى پرسد: برهان شرك شما چيست ؟ ولى با توجّه به روايتى كه در ذيل آيه از امام باقر عليه السلام آمده است (90)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

87- فصّلت ، 20.

88- صافّات ، 24.

89- بقره ، 174.

90- تفسير الميزان ، ج 16، ص 20.

مراد اين است كه در هر عصر و زمانى ، انسان معصومى (پيامبر يا وصىّ پيامبر) كه به اعمال مردم آگاه باشد، وجود دارد تا در قيامت به عنوان گواه رفتار مردم ، شاهد قرار گيرد.

## پيام ها :

1- در قيامت ، گواهان از خود امّت ها برمى خيزند. من كلّ امّة شهيدا

2- محاكمات روز قيامت ، علنى و حضورى است . شهيدا فقلنا

3- عقايد و افكار خود را بر اساس برهان و دليلِ محكم تنظيم كنيم . زيرا شرك برهانى ندارد و در آخرت بهانه ، خريدارى ندارد. هاتوا برهانكم

4- مشركان ، منطق و برهان ندارند. هاتوا برهانكم

5 هر نوع كتمانِ حقايق ، فقط در دنياست ، در آخرت با كنار رفتن پرده ها، حقّ و حقيقت ، ظاهر و متجلّى مى شود. فعلموا انّ الحقّ للّه

6- اگر چه مجرمين در قيامت به فكر انكار هستند، ولى حضور گواه ، آنان را به بن بست مى كشاند. شهيدا... فعلموا اَنّ الحقّ للّه

7- باطل ، رفتنى است . ضلّ عنهم ما كانوا يفترون

# (76) إِنَّ قَرُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَ ءَاتَيْنَهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَآ إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوَّاءُ بِالْعُصْبَةِ اءُوْلِى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لاَتَفْرَحْ إِنَّ اللّهَ لاَ يُحِبُّ الْفَرِحِينَ

ترجمه :

همانا قارون از قوم موسى بود و بر آنان ستم نمود، با آن كه ما آنقدر از گنج ها (و صندوق جواهرات) به او داده بوديم كه حمل (آن ذخاير و)كليدهايش بر گروه نيرومند نيز سنگين بود. روزى قومش به او گفتند:

مغرورانه شادى مكن ، بدرستى كه خداوند شادمانان مغرور را دوست نمى دارد.

## نكته ها :

در تفسير مجمع البيان حديثى نقل شده كه قارون پسرخاله ى حضرت موسى و انسانى دانشمند بود و در خواندن تورات ، مهارت بى نظيرى داشت . او ابتدا از ياران موسى عليه السلام و از جمله گروه هفتاد نفرى ملازم آن حضرت براى اعزام به كوه طور و مناجات در آنجا بود، امّا به واسطه بدست آوردن ثروت بى حساب ، عَلَم مخالفت برداشت و سرانجام مورد خشم و قهر الهى واقع گرديد.

حضرت موسى درطول دوران مبارزه اش با سه محور اصلى فساد و طغيان ، درگير بود: يكى محور قدرت و زور كه فرعون ، سردمدار آن بود. ديگرى اهرم ثروت و زَر كه قارون ، مظهر آن بشمار مى رفت ، و سوّمى عامل فريب و تزوير كه سامرى رهبرى آن را به عهده داشت . به عبارت ديگر، حضرت موسى با مثلّث شومِ زور، زر و تزوير، دست به گريبان بود.

## پيام ها :

1- ذكر نمونه هاى تاريخى ، مايه ى عبرتِ آيندگان است . اِنّ قارون ...

2- سابقه ى خوب ، دليل برآينده خوب ويا چشم پوشى از انحرافات امروز نيست . كان من قوم موسى

3- فاميل پيامبر بودن ، به تنهايى عامل موفّقيّت ونجات نيست . كان من قوم موسى

4- وجود بستگان منحرف ، نبايد از مقام افراد صالح و مصلح بكاهد. اِنّ قارون كان من قوم موسى

5- ثروت بدون حساب ، وسيله ى قدرت و قدرت ، عاملى براى تجاوزگرى و عيّاشى است . الكنوز فبَغى عليهم لا تفرح

6- ثروت ، ما را مغرور و سرمست نسازد. لاتفرح

7- نهى از منكر در مقابل سرمايه داران ، حتّى بر طبقه محروم نيز لازم است . قال له قومه لا تفرح

8- افراد سرمست ، از محبّت الهى محرومند. اِنّ اللّه لايحبّ الفرحين (آرى ثروت ودارايى نشانه ى محبوبيّت نزد خداوند نيست .)

# (77) وَابْتَغِ فِيمَآ ءَاتَكَ اللّهُ الدَّارَ الاَْخِرَةَ وَلاَ تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ اءَحْسِن كَمَآاءَحْسَنَ اللّهُ إِلَيْكَ وَلاَتَبْغِ الْفَسَادَ فِى الاَْرْضِ إِنَّ اللّهَ لاَيُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

ترجمه :

و (اى قارون !) در آنچه خداوند به تو داده است ، سراى آخرت را جستجو نما و (در عين حال) بهره ات را نيز از اين دنيا فراموش مكن و همان گونه كه خداوند به تو احسان كرده است ، تو نيز (از اين ثروت به ديگران) احسان نما وبدنبال فساد در زمين مباش كه خداوند، فسادگران را دوست نمى دارد.

## نكته ها :

در اين آيه به چند دستور ورهنمود تربيتى اشاره شده است :

الف : توجّه داشتن به آخرت ، همراه با بهره مندى از دنيا.

ب : احسان به ديگران با توجّه به الطاف خداوند به انسان .

ج : دورى از فساد با توجّه به «اِنّ اللّه لايحبّ المفسدين»

حضرت على عليه السلام در تفسير جمله ى لاتَنسَ نصيبك من الدنيافرمود: يعنى از سلامتى ، قوّت ، فراغت ، جوانى و شادابى خود براى آخرت استفاده كن . (91)

## پيام ها :

1- دنيا مزرعه ى آخرت است . وابتغ فيما اتاك اللّه الدار الا خرة (به قارون گفته شد: از اين امكانات سراى آخرت را دنبال كن .)

2- دارايى ثروتمندان ، از آنِ خداست . اتاك اللّه

3- آخرت را بايد با جديّت دنبال نمود، هر چند دنيا را نيز نبايد فراموش ‍ كرد. ابتغ لا تنس

4- مال و ثروت مى تواند وسيله ى سعادت اُخروى گردد. وابتغ فيما اتاك اللّه الدّار الا خرة

5 موعظه ى ثروتمندان ، كار پسنديده اى است . وابتغ ...

6- هركس به سهم و نصيب خود اكتفا كند وباقى را صرف آخرت نمايد. وابتغ ... و لاتنس نصيبك ...

7- در موعظه ، به نيازهاى طبيعى هم توجّه داشته باشيم . لاتنس ‍ نصيبك

8 ثروت بى حدّ، بهره مندى بى حساب رابدنبال ندارد. نصيب هركس ‍ محدود و مشخّص است . نصيبك

9- آخرت طلبى از طريق احسان به ديگران است . وابتغ ... و اَحسن

10- براى دعوت ديگران به احسان ، يادآورى احسان الهى در حقّ آنان كارساز است . اَحسن كما اَحسن اللّه اليك

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

91- تفسير نورالثقلين .

11- سرمايه داران بى ايمان ، در معرض فساد هستند. لا تبغ الفساد

# (78) قَالَ إِنَّمَآ اءُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِندِىَّ اءَوَلَمْ يَعْلَمْ اءَنَّ اللّهَ قَدْ اءَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ اءَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ اءَكْثَرُ جَمْعاً وَلاَ يُسْئَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ

ترجمه :

(قارون در جواب) گفت : همانا اين (ثروت فراوان) به واسطه دانشى كه نزد من است ، به من داده شده ، آيا او نمى دانست كه خداوند، قبل از او از ميان نسل ها، كسانى را كه از او نيرومندتر و مال اندوزتر بودند، هلاك كرده است ؟ و (در آن هنگام حتّى) از گناهان مجرمان (هم)سؤ الى نمى شود؟!

## نكته ها :

سؤ ال : با اينكه در آيات بسيارى از قرآن مى خوانيم كه سؤ الِ قيامت از همه كس ؛ فلنسئلنّ الّذين اُرسل اليهم و لنسئلنّ المرسلين (92)، از همه چيز؛ ولتسئلنّ عما كنتم تعلمون (93)، از همه حال ؛ اِنْ تُبدوا ما فى انفسكم او تُخفوه يُحاسبكم به اللّه (94) و از همه جا؛ اِنْ تَك مثقال حبّة مِن خَردَلٍ فَتكن فى صَخرةٍ او فى السموات او فى الارض ياءتِ بها اللّه (95) خواهد بود، پس چرا در اين آيه آمده است : لا يسئل عن ذنوبهم المجرمون ؟!

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

92- اعراف ، 6.

93- نحل ، 93.

94- بقره ، 284.

95- لقمان ، 16.

پاسخ : آياتى كه دلالت بر سؤ ال دارد، مربوط به قيامت است ولى آيه اخير، اشاره به زمان نزول قهر الهى در دنياست كه در آن هنگام ديگر مهلتى براى سؤ ال و جواب وجود ندارد.

## پيام ها :

1- غرور علمى ، گاهى آنچنان انسان را خودمحور مى سازد كه ديگر نقش ‍ هيچ كس يا هيچ چيز را قبول ندارد. انّما اوتيته على عِلمٍ عندى

2- به علم خود نازيدن ، اخلاق قارونى است . على عِلمٍ عندى

3- ثروت و قدرت را احسان الهى بدانيم ، نه محصول علم و تلاش خود. (مردم مى گفتند: اين خداوند است كه به تو ثروت داده است ، قارون مى گفت : خودم بر اساس علم ، آن را پيدا نموده ام .) احسن اللّه على عِلمٍ عندى

4- آشنايى با تاريخ ، بهترين درس عبرت است . اءولم يعلم ... من قبله

5 قلع و قمع گردنكشان ، از سنّت هاى خداوندى است . (قدرت و ثروت ، مانع نزول قهر الهى نيست .) اهلك من قبله

6- قدرت وثروت ، سعادت آفرين نيست . اهلك ... اشدّ منه قوّة و اكثر جمعا

7- دست بالاى دست بسيار است . من هواشدّمنه

8 هشدار! اگر قهر الهى فرا رسد، ديگر فرصتى براى سؤ ال و جواب و چون و چرا نخواهد بود. لا يُسئل عن ذنوبهم المجرمون

# (79) فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِى زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا يَلَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَآاءُوتِىَقَرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

ترجمه :

(روزى قارون) با تمام تجمّل خود در ميان قومش ظاهر شد، (با ديدن اين صحنه) آنان كه خواهان زندگانى دنيا بودند (آهى كشيده و) گفتند: اى كاش ‍ مثل آنچه به قارون داده شده ، براى ما نيز بود. براستى كه او بهره ى بزرگى (از نعمت ها) دارد.

## پيام ها :

1- قدرت و ثروت در دست انسان هاى غافل ، سبب فخرفروشى ، خودنمايى وتجمّل گرايى است . فخرج على قومه فى زينته

2- به رخ كشيدن ثروت ، صفتى قارونى است . فخرج على قومه فى زينته

3- قارون صفتان ، خود را برتر از ديگران مى دانند. على قومه

4- اشرافى گرىِ حاكمان ، مى تواند فرهنگ مردم را تغيير دهد. فى زينته ... يا ليت لنا...

5 ظواهرِ زيباى دنيا، دامى براى جذب و انحراف كوته فكران است . قال الّذين يريدون الحياة الدّنيا

6- آرزوى قارون شدن ، آرزوى دنياپرستان كم خرد است . يريدون الحياة الدّنيا ياليت لنا...

# (80) وَقَالَ الَّذِينَ اءُوتُواْ الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَلِحاً وَلاَ يُلَقَّهَآإِلا الصَّبِرُونَ

ترجمه :

و (امّا) كسانى كه علم و آگاهى (واقعى) به آنان داده شده بود، گفتند: واى بر شما! پاداش الهى براى كسانى كه ايمان آورند و كار شايسته انجام دهند (از اين مال و ثروت)، بهتر است ، و (البتّه) جز صابران ، آن (پاداش) را دريافت نخواهند كرد.

## نكته ها :

قارون ، خود را عالم وكسب ثروت را به واسطه ى علم خود مى دانست ؛ اوتيته على علم عندى امّا خداوند در اين آيه مى فرمايد: علم حقيقى با مال اندوزى سازگار نيست .

## پيام ها :

1- دلباختگان دنيا سزاوار سرزنش و نكوهش اند. ويلكم

2- خداوند از فرزانگان بنى اسرائيل به خاطر برخورد با دلباختگان دنيا ستايش مى كند. قال الّذين اوتوا العلم ويلكم ...

3- علم واقعى ، انسان را به سوى آخرت و تقوى و عمل صالح سوق مى دهد. قال الّذين اوتوا العلم ويلكم ثواب اللّه خير

4- عالم آگاه كسى است كه زرق و برق دنيا او را مجذوب نسازد و دنياگرايان را تحقير كند. قال الّذين اوتوا العلم ويلكم ثواب اللّه خير

5 علما بايد مردم را از عشق به دنيا برحذر دارند. قال الّذين اوتوا العلم ويلكم ثواب اللّه خير

6- اگر چيزى را از كسى منع مى كنيم ، در صورت لزوم و توان ، بهتر از آن را به او عرضه نماييم . ثواب اللّه خير

7- ايمان و عمل صالح ، زمانى سعادت آفرين است كه انسان بر آن پايدار باشد. آمن و عمل صالحا و لا يلقّيها الاّ الصّابرون

# (81) فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الاَْرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ

ترجمه :

پس ما، او و خانه اش را به زمين فرو برديم و هيچ گروهى نبود كه او رادر برابر قهر خداوند يارى كند وخودش نيز نمى توانست از خويش دفاع نمايد.

## نكته ها :

انسان مى تواند در دو قوس حركت كند: قوس صعودى كه به معراج رسد و قوس ‍ نزولى كه به زمين فرو رود.

## پيام ها :

1- نتيجه ظلم ، هلاكت است . فبغى عليهم ... فخسفنابه

2- زمين ، گاهى ماءمور قهر خداوند است . فخسفنا به و بداره الارض

3- سرانجام ثروت اندوزى ، بخل و غرور و هلاكت است . فخسفنا به و بداره الارض

4- ثروت ، وسيله ى نجات نيست . ما كان من المنتصرين

# (82) وَاءَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْاْ مَكَانَهُ بِالاَْمْسِ يَقُولُونَ وَ يْكَاءَنَّ اللّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَوْلاََّ اءَن مَّنَّ اللّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَاءَنَّهُ لاَيُفْلِحُ الْكَفِرُونَ

ترجمه :

و همان كسانى كه موقعيّت ديروز او (قارون) را آرزو مى كردند (با ديدن صحنه هلاكت او) مى گفتند: واى ! (بر ما) گويا خداوند، (رزق و) روزى را بر هر كس از بندگانش كه بخواهد، گشاده و يا تنگ مى گرداند، (و) اگر خداوند بر ما منت ننهاده بود، هر آينه ما را نيز (با او) به قعر زمين برده بود، واى ! گويى كافران ، رستگار نمى شوند.

## پيام ها :

1- در برخورد با مسائل ، زود قضاوت نكنيم . (آنان كه ديروز حسرت مى خوردند اى كاش مثل قارون بودند، امروز مى گويند: چه خوب شد كه ما مثل او نبوديم) تمنّوا مكانه بالامس يقولون و يكاءنّه ...

2- هرگز نخواهيم كه مانند ثروتمندانِ مغرور و غافل باشيم . تمنّوا مكانه ... و يكاءنّ

3- به جاى تمنّاى ثروت ديگران ، به داده هاى الهى قانع باشيم . تمنّوا مكانه ... يبسط الرّزق ... و يقدر

4- همه آرزوها، به صلاح نيست . تمنّوا مكانه

5 گاه ، مستجاب نشدن دعا و برآورده نگرديدن آرزو، بزرگ ترين لطف و منت الهى بر انسان است . تمنّوا مكانه ... منّ اللّه علينا

6- حوادث ، سبب بيدارى فطرت ها و تغيير پندارها و خواسته هاى غلط است . لولا اءن منّ اللّه علينا

7- ثروتى كه انسان ، آن را از جانب خدا و براى او نداند، او را به كفر مى رساند. لايفلح الكافرون

# (83) تِلْكَ الدَّارُ الاَْخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لاَ يُرِيدُونَ عُلُوّاً فِى الاَْرْضِ وَلاَفَسَاداً وَالْعَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

ترجمه :

(ما، نجات و سعادت در) آن سراى آخرت را (تنها) براى كسانى قرار مى دهيم كه خواستار برترى و فساد در زمين نباشند و سرانجام ، (رستگارى) از آن پرهيزكاران است .

## نكته ها :

اين آيه به منزله ى قطعنامه ى داستان قارون است كه هر گونه ثروت اندوزى و برترى جويى ، مايه ى هلاكت در دنيا و شقاوت در آخرت مى شود. بر اساس ‍ روايات ، حضرت على عليه السلام ، اين آيه را براى تاجران بازار تلاوت مى فرمود. (96) امام خمينى قدس سرّه بنيانگذار جمهورى اسلامى نيز در پايان درس اخلاقشان براى طلاّب و فضلاى حوزه ى علميّه ى قم به آن عنايت داشتند.

در حديث مى خوانيم كه اگر كسى به واسطه بهتر بودن بند كفشش بر ديگرى خود را برتر ببيند، جزو كسانى است كه اراده ى علوّ در زمين دارند.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

96- تفاسير مجمع البيان و روح البيان .

چه بسيارند كسانى كه در تهيه مسكن ، مركب ، لباس ، كلام ، ازدواج و نام گذارى فرزند، كارى مى كنند كه در جامعه نمودى داشته باشند و مردم متوجّه آنان شوند كه به فرموده روايت ، اين افراد اراده برترى در زمين دارند و از بهشت محرومند.

## پيام ها :

1- سراى آخرت بس عظيم است . (كلمه ى «تلك» براى بيان عظمت است)

2- هرگونه برترى طلبى ، ممنوع است . لا يريدون علوّا

3- منشاء فساد، برترى جويى است . لايريدون علوّا... و لا فسادا

4- پرهيزكار كسى است كه اراده ى تفاخر وبرترى بر ديگران ندارد. لايريدون علوّا... والعاقبة للمتّقين

# (84) مَن جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَمَن جَآءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلاَ يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُواْالسَّيِّئَاتِ إِلا مَاكَانُواْ يَعْمَلُونَ

ترجمه :

هر كس نيكى آورد، براى او (پاداشى) بهتر از آن خواهد بود، و هر كس بدى آورد، پس كسانى كه كارهاى ناروا انجام دهند، جز (به اندازه ى) آنچه كرده اند، مجازات نمى شوند.

## پيام ها :

1- كار نيك ، مطلوب و پسنديده است ، از هر كس و به هر مقدار كه باشد. مَن جاء بالحسنة

2- مهم تر از انجام كار نيك ، به سلامت رساندن آن به صحنه ى قيامت است . جاء بالحسنة (چه بسيارند كسانى كه كارهاى خوبى انجام مى دهند، ولى به واسطه گناه ، منّت گذاشتن ، عُجب و يا تحقير ديگران ، آن را از بين مى برند و نمى توانند كار خوب خود را به قيامت برسانند.)

3- انسان ها در انتخاب راه زندگى آزادند. مَن جاء بالحسنة مَن جاء بالسيئة

4- حتّى در گفتار، سخن خويش را از خوبى ها آغاز كنيم . (ابتدا كلمه «الحسنة» آمده ، سپس «السيئة»)

5 در نظام سراسر لطف الهى ، پاداش نيكى ها بيشتر از خود نيكى هاست هر چند به مرحله عمل نرسد و در حالت انديشه و طرح باقى بماند، ولى كيفر كار بد به اندازه كار بد و به شرطى است كه از درجه ى فكر و انديشه بگذرد و لباس عمل بپوشد. عملواالسيئات

6- كار نيك ديگران را فراموش نكنيم حتّى اگر يك عمل ساده باشد، الحسنة ولى بدكاران را وقتى جزا دهيم كه بركار بد خود اصرار داشته باشند. كانوا يعملون

7- خداوند پاداش نيكى ها را با فضل خود مى دهد، ولى در كيفر بدكاران با عدل خويش رفتار مى كند. فله خيرٌ منهالايجزى ... الاّ ما كانوا يعملون

# (85) إِنَّ الَّذِى فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْءَانَ لَرََّادُّكَ إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَّبِّىَّ اءَعْلَمُ مَن جَآءَ بِالْهُدَى وَ مَنْ هُوَ فِى ضَلَلٍ مُّبِينٍ

ترجمه :

همانا آن كس كه قرآن را (بر تو نازل و عمل به آن را) بر تو واجب كرد، قطعا تو را به وعده گاه (و زادگاهت) باز خواهد گردانيد.

بگو: پروردگارم آگاه تر است كه چه كسى هدايت آورده وچه كسى در گمراهى آشكار است .

## نكته ها :

در آيه ى هفتم گذشت كه خداوند به مادر موسى الهام فرمود كه فرزندت را به دريا بينداز و نگران مباش كه ما او را به تو باز خواهيم گرداند، القيه فى اليمّ انّا رادّوه اليك در اين آيه نيز خداوند به پيامبر اسلام وعده مى دهد كه او را به زادگاهش باز گرداند. لرادّك الى معاد آرى ، همان قدرتى كه موسى را به مادر برگرداند، تو را نيز (بعد از هجرت) به مكّه برخواهد گرداند.

در اينكه «معاد» اشاره به چه معنايى دارد و مصداق آن چيست ، نظرات متفاوتى ارائه شده است ؛ بعضى آن را «مكّه» زادگاه پيامبر صلّى اللّه عليه و آله و اين آيه را يك خبر غيبى دانسته اند، كه اى پيامبر! روزى همين مكّه به دست تو فتح خواهد شد و به آن بازخواهى گشت . عده اى نيز آن را مقام محمود پيامبر (مقام شفاعت)، و جمعى هم آن را به قيامت و بهشت ، معنا و تفسير كرده اند. امّا روايات ، مراد از معاد در اين آيه را رجعت پيامبر اسلام به دنيا مى دانند.

از عقايد قطعى ما كه از آيات و روايات بسيارى بر مى آيد، «رَجعت» است . يعنى اينكه خداوند گروهى از اولياى خود را قبل از قيامت به دنيا برخواهد گرداند.

## پيام ها :

1- ابلاغ قرآن سبب تمرّد كفّار و هجرت پيامبر شد، امّا خداى قرآن دوباره پيامبر را به زادگاهش برخواهد گرداند. لرادّك الى معاد

2- تلاوت ، تبليغ و عمل به قرآن ، قبل از هر كس بر خود پيامبر واجب است . فرض عليك القرآن

3- تعبير به فريضه بودن قرآن ، نشانگر اهميّت و جايگاه والاى آن است . فرض عليك القرآن

4- مهاجر فى سبيل اللّه ، با عزّت به موطن خويش باز خواهد گشت . لرادّك الى معادٍ تنوين كلمه ى «معادٍ»، نشانه ى عظمت و عزّتمندى است . (97)

5- در مقام بيان نيز ابتدا از نقاط مثبت شروع كنيم . مَن جاء بالهُدى مَن هو فى ضلال

# (86) وَمَا كُنتَ تَرْجُوَّاْ اءَن يُلْقَىَّ إِلَيْكَ الْكِتَبُ إِلا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ فَلاَتَكُونَنَّ ظَهِيراًلِّلْكَفِرِينَ

ترجمه :

و تو اميد نداشتى كه (اين) كتاب (آسمانى) به تو القا گردد، (و اين نزول نبود) مگر رحمتى از سوى پروردگارت ، پس (به شكرانه ى آن) هرگز پشتيبان كافران مباش .

## نكته ها :

دو شباهت ميان حضرت موسى عليه السلام و حضرت محمّد صلّى اللّه عليه و آله در آيات اين سوره به چيم مى خورد:

1- حضرت موسى به اميد به دست آوردن آتش ، به سوى آن رفت و به نور رسيد، فلمّا اتاها نودى ... (آيه 30)،

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

97- بازگشت شكوهمندانه امام خمينى قدس سرّه پس از سالها هجرت در راه خدا، نمونه اى عينى بود كه خود آن را ديده و بخاطر داريم .

پيامبر اسلام صلّى اللّه عليه و آله نيز به قصد عبادت به غار حرا رفت كه با وحى آسمانى آشنا شد. ما كنت ترجوا ان ...

2- در آيه هفده حضرت موسى اظهار داشت : ربّ بما اَنعمتَ علىّ فلن اكون ظهيرا للمجرمين پروردگارا! به خاطر لطفى كه به من كردى من هرگز ياور تبهكاران نخواهم بود. در اين آيه نيز خداوند به پيامبر اكرم صلّى اللّه عليه و آله مى فرمايد: يُلقى اليك الكتاب ... فلا تكوننّ ظهيرا للكافرين به خاطر كتاب آسمانى كه به تو القا شده ، هرگز ياور كافران مباش .

## پيام ها :

1- حتّى انبيا با آن پاكى روح و كمال عبوديّت ، توقّع دريافت وحى نداشته اند، وحى ، رحمت الهى بوده است . ما كنت ترجوا ...الاّ رحمة من ربّك

2- بعثت پيامبران و نزول كتب آسمانى ، از شئون ربوبيّت خداوند است . رحمة من ربّك

3- برائت و پرهيز از پشتيبانى كافران به قدرى مهم است كه شكرانه ى نزول وحى قرار گرفته است . يُلقى اليك الكتاب ... فلا تكوننّ...

4- هرگونه حمايت از كفر وپشتيبانى از جرم ممنوع است .فلاتكوننّ ظهيرا للكافرين

# (87) وَ لاَ يَصُدُّنَّكَ عَنْ ءَايَتِ اللّهِ بَعْدَ إِذْ اءُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَ ادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

ترجمه :

و (به هوش باش) پس از آنكه آيات الهى به سوى تو نازل گرديد، (وسوسه ها و تهديدات كفّار) تو را (از تبليغ و عمل به آن) باز ندارد

و (همچنان ديگران را) به سوى پروردگارت دعوت كن و هرگز از مشركان مباش .

## نكته ها :

بعثت ، مراحلى دارد:

الف : گرفتن وحى . يُلقى اليك الكتاب

ب : برائت از كفّار. فلا تكوننّ ظهيرا

ج : صلابت در كار. لا يصدنّك

د: دعوت ديگران . ادع الى ربّك

ه‍ : اخلاص در عقيده و عمل . لا تكوننّ من المشركين

توجّه به توحيد و نفى شرك و كفر آنچنان مهم است كه خداوند در اين آيات بارها پيامبر صلّى اللّه عليه و آله را بر آن هشدار مى دهد. غالب جملات پيرامون اين مسئله در آيات اخير، با نون تاءكيد ثقيله و با لحن مبالغه آمده است. لا تكوننَّ لايصدّنّك لا تكوننّ

## پيام ها :

1- كوتاه آمدن در ابلاغ وحى ، نوعى تقويت كفر است . فلا تكوننّ ظهيرا للكافرين و لا يصدّنّك

2- دشمنان حتّى براى شخص پيامبر صلّى اللّه عليه و آله نيز نقشه دارند. لا يصدّنّك

3- رهبران آسمانى نيز به تذكّرات الهى نيازمندند. لايصدّنّك

4- رسالت بايد همراه عزّت و قاطعيّت باشد. لايصدّنّك ... بعد اذ انزلت

5- علم و آگاهى ، مسئوليّت را سنگين تر مى كند. بعد اذ انزلت اليك

6- كسى در دعوت به حقّ موفّق مى شود كه قاطع و نفوذناپذير باشد. لايصدّنّك ... اُدع الى ربّك

7- دعوت بايد خالصانه باشد و هيچ مسئله اى را جز رضاى خداوند در نظر نگيرد. اُدع الى ربّك ولا تكوننّ من المشركين آرى كسى كه به خاطر ملاحظه ديگران دعوت به خدا نكند، در مدار شرك قرار گرفته است .

8 دعوت بايد به سوى خدا باشد، نه خود. اُدع الى ربّك

9- شرك زدايى و مبارزه با كفر، سرلوحه ى فعاليّت پيامبران و از تاءكيدات بسيار جدّى خداوند است . لا تكوننّ من المشركين

# (88) وَلاَ تَدْعُ مَعَ اللّهِ إِلَهاً ءَاخَرَ لاََّ إِلَهَ إِلا هُوَ كُلُّ شَىْءٍ هَالِكٌ إِلا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

ترجمه :

و (هرگز) معبود ديگرى را با «اللّه» مخوان كه معبودى جز او نيست . همه چيز جز وجه او نابود است ، حُكم (و حاكميّت ، تنها) از آن اوست ، و همه به سوى او بازگردانده مى شويد.

## نكته ها :

فرقه «وهّابيّت» اظهار مى دارند كه هر كس ، غير خدا را بخواند، مشرك مى شود، زيرا خداوند فرموده است : لاتدع مع اللّه احدا (98)، بنابراين كسانى كه در توسّل ، اولياى خدا را صدا مى زنند، مشركند!

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

98- جنّ، 18.

امّا اين آيه توضيح مى دهد كه مشرك ، كسى است كه غير خدا را به عنوان خداى ديگر بخواند: لا تدع مع اللّه الها آخر و ناگفته پيداست كه شيعيان هيچ مقامى را به عنوان خدا صدا نمى زنند، بلكه به عنوان كسى كه نزد خداوند آبرو دارد صدا مى زنند، آن هم آبرويى كه از طرف خداوند به او داده شده است ، نظير انبيا و اولياى الهى ، نه هر شفيع و آبرومند موهومى . زيرا بت پرستان نيز در دنياى خيال خود، براى بت ها آبرويى تصوّر مى كردند.

در اين آيه ، شرك زدايى با عبارات مختلفى بيان شده است ؛

الف : خداى ديگرى را با «اللّه» مخوانيد.

ب : معبودى جز اللّه نيست .

ج : همه چيز جز او نابود شدنى است .

د: حاكميّت ، تنها از آن اوست .

ه‍ : تنها به سوى او باز مى گرديد.

پادشاه كشور سعودى هر سال روز عيد قربان علماى فرقه هاى اسلامى را ميهمان مى كند. در يكى از سالها علاّمه سيّد شرف الدين جبل عاملى (از علماى برجسته لبنانى) به مهمانى دعوت مى شود. علاّمه همين كه وارد جلسه شد، قرآنى را كه جلد چرمى داشت به شاه هديه كرد. شاه آن را گرفت و بوسيد. علاّمه گفت : تو مشرك هستى ! شاه ناراحت شد كه چرا چنين تهمتى مى زنى ؟ علاّمه گفت : چون شما چرمى را بوسيدى كه پوست حيوان است و احترام به پوست حيوان شرك است !

شاه گفت : من هر پوستى را نمى بوسم ، كفش من از چرم و پوست حيوان است ، ولى هرگز آن را نمى بوسم ، اين قطعه چرم ، جلد قرآن قرار گرفته است.

علاّمه فرمود: ما نيز هر آهنى را نمى بوسيم ، آهنى را مى بوسيم كه صندوق يا ضريح و درب و پنجره ى قبر پيامبر يا امامان معصوم عليهم السلام باشد.

آرى ، شرك آن است كه ما كسى يا چيزى را در برابر خدا عَلم كنيم و براى او قدرتى مستقلّ قائل شويم ، در حالى كه شيعه قدرت اولياى خدا را مستقل نمى داند، بلكه قدرتى وابسته به قدرت الهى مى داند و اگر گنبد وبارگاهى مى سازد به خاطر آن است كه به مردم اعلام كند در اين جا مرد توحيد دفن شده است . كسى كه در اينجا دفن شده در راه خداشهيد گشته و فدا و فناى توحيد شده است . پس گنبد و بارگاه ، يعنى مركزى كه زير آن فرياد توحيد بلند است، نه مركزى در برابر مسجد.

امام رضا عليه السلام فرمودند: «وجه اللّه» پيامبر خدا و حجّت هاى او در زمين هستند كه به وسيله ى آنان به خدا، دين و معرفت او توجّه مى شود. (99) در دعاى ندبه درباره ى امام زمان عليه السلام مى خوانيم : «اءين وجه اللّه الّذى يُؤ تى» و نيز مى خوانيم : «اءين وجه الّذى يتوجّه الاولياء»

## پيام ها :

1- موحّد واقعى كسى است كه از همه ى معبودها، اَبَرقدرت ها، ايسم ها وطاغوت ها آزاد باشد. لا تدع مع اللّه الها آخر

2- به آنچه رفتنى است ، دل نبنديم و خود را اسير آنها نسازيم . كلّ شى ءٍ هالك الاّ وجهه چنانكه حضرت ابراهيم فرمود: اِنّى لا اُحبّ الا فلين (100)

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

99- توحيد صدوق ، ص 117.

100- انعام ، 76.

3- حاكميّت ، مخصوص خداوند است . له الحكم

4- معبود واقعى چند شرط دارد:

الف : فناپذير نباشد. كلّ شى ء هالك الا وجهه

ب : بر هستى فرمانروا باشد. له الحكم

ج : فرجام همه به دست او باشد. اليه ترجعون

5- مرگ ، نابودى نيست ، بازگشت به مبداء است . اليه ترجعون

پروردگارا! مزه ى تلاوت ، تدبّر و پندگيرى از قرآن را به ما بچشان .

پروردگارا! چراغ دل ما را به نور قرآن روشن و وجود ما را روشنى بخش قرار ده .

پروردگارا! رفتار و گفتار ما را برخاسته از قرآن و سيره وسنّت پيامبراكرم صلّى اللّه عليه و آله واهل بيت معصومش عليهم السلام قرار بده .

آمين ربّ العالمين

[مقدمه ناشر 2](#_Toc362088567)

[مقدّمه ى مؤلّف 4](#_Toc362088568)

[سيماى سوره ى قصص 6](#_Toc362088569)

[بِسْمِ اللّه الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ 6](#_Toc362088570)

[(1) طسَّمَّ 6](#_Toc362088571)

[(2) تِلْكَ ءَايَتُ الْكِتَبِ الْمُبِينِ 6](#_Toc362088572)

[(3) نَتْلُواْ عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَى وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ 7](#_Toc362088573)

[پيام ها : 7](#_Toc362088574)

[(4) إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلاَ فِى الاَْرْضِ وَجَعَلَ اءَهْلَهَا شِيَعاً يَسْتَضْعِفُ طَآئِفَةًمِّنْهُمْ يُذَبِّحُ اءَبْنَآءَهُمْ وَيَسْتَحْىِنِسَآءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ 8](#_Toc362088575)

[نكته ها : 8](#_Toc362088576)

[پيام ها : 8](#_Toc362088577)

[(5) وَنُرِيدُ اءَن نَّمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُواْ فِى الاَْرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اءَئِمَّةًوَ نَجْعَلَهُمُ الْوَرِثِينَ 10](#_Toc362088578)

[نكته ها : 10](#_Toc362088579)

[پيام ها : 12](#_Toc362088580)

[(6) وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِى الاَْرْضِ وَنُرِىَ فِرْعَونَ وَهَمَنَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُم مَّاكَانُواْ يَحْذَرُونَ 12](#_Toc362088581)

[پيام ها : 13](#_Toc362088582)

[(7) وَاءَوْحَيْنَآ إِلَىَّ اءُمِّ مُوسَىَّ اءَنْ اءَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَاءَلْقِيهِ فِى الْيَمِّ وَلاَتَخَافِى وَلاَ تَحْزَنِىَّ إِنَّ ارَآدُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ 13](#_Toc362088583)

[(8) فَالْتَقَطَهُ ءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوّاً وَحَزَناً إِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَمَنَ وَجُنُودَهُمَا كَانُواْخَطِئِينَ 13](#_Toc362088584)

[نكته ها : 14](#_Toc362088585)

[پيام ها : 14](#_Toc362088586)

[(9) وَقَالَتِ امْرَاءَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّى وَلَكَ لاَتَقْتُلُوهُ عَسَىَّ اءَن يَنفَعَنَآ اءَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَداً وَهُمْ لاَيَشْعُرُونَ 16](#_Toc362088587)

[نكته ها : 16](#_Toc362088588)

[پيام ها : 16](#_Toc362088589)

[(10) وَاءَصْبَحَ فُؤَادُ اءُمِّ مُوسَى فَرِغاً إِن كَادَتْ لَتُبْدِى بِهِ لَوْلاََّ اءَن رَّبَطْنَاعَلَى قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ 18](#_Toc362088590)

[(11) وَقَالَتْ لاُِخْتِهِ قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِ عَن جُنُبٍ وَ هُمْ لاَيَشْعُرُونَ 19](#_Toc362088591)

[نكته ها : 19](#_Toc362088592)

[پيام ها : 19](#_Toc362088593)

[(12) وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ اءَدُلُّكُمْ عَلَىَّ اءَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَصِحُونَ 21](#_Toc362088594)

[نكته ها : 21](#_Toc362088595)

[پيام ها : 21](#_Toc362088596)

[(13) فَرَدَدْنَهُ إِلَىَّ اءُمِّهِ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلاَ تَحْزَنَ وَ لِتَعْلَمَ اءَنَّ وَعْدَ اللّهِ حَقُّ وَلَكِنَّ اءَكْثَرَهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ 22](#_Toc362088597)

[نكته ها : 22](#_Toc362088598)

[پيام ها : 23](#_Toc362088599)

[(14) وَلَمَّا بَلَغَ اءَشُدَّهُ وَاسْتَوَىَّ ءَاتَيْنَهُ حُكْماً وَ عِلْماً وَ كَذَلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ 24](#_Toc362088600)

[نكته ها : 24](#_Toc362088601)

[پيام ها : 25](#_Toc362088602)

[(15) ودَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ اءَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلاَنِ هَذَا مِن شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَثَهُ الَّذِى مِن شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِى مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَىفَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَنِ إِنَّهُ عَدُوُّ مُّضِلُّ مُّبِينٌ 25](#_Toc362088603)

[نكته ها : 26](#_Toc362088604)

[پيام ها : 27](#_Toc362088605)

[(16) قَالَ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَاغْفِرْ لِى فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ 27](#_Toc362088606)

[نكته ها : 27](#_Toc362088607)

[پيام ها : 28](#_Toc362088608)

[(17) قَالَ رَبِّ بِمَآ اءَنْعَمْتَ عَلَىَّ فَلَنْ اءَكُونَ ظَهِيراً لِّلْمُجْرِمِينَ 29](#_Toc362088609)

[نكته ها : 29](#_Toc362088610)

[پيام ها : 29](#_Toc362088611)

[(18) فَاءَصْبَحَ فِى الْمَدِينَةِ خَآئِفاً يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِى اسْتَنصَرَهُ بِالاَْمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ قَالَ لَهُ مُوسَىَّ إِنَّكَ لَغَوِىُّ مُّبِينٌ 29](#_Toc362088612)

[پيام ها : 30](#_Toc362088613)

[(19) فَلَمَّآ اءَنْ اءَرَادَ اءَن يَبْطِشَ بِالَّذِى هُوَ عَدُوُّ لَّهُمَا قَالَ يَمُوسَىَّ اءَتُرِيدُاءَن تَقْتُلَنِىكَمَا قَتَلْتَ نَفْساً بِالاَْمْسِ إِن تُرِيدُ إِلاَّ اءَن تَكُونَ جَبَّاراً فِى الاَْرْضِ وَ مَاتُرِيدُ اءَن تَكُونَمِنَ الْمُصْلِحِينَ 30](#_Toc362088614)

[نكته ها : 31](#_Toc362088615)

[پيام ها : 31](#_Toc362088616)

[(20) وَجَآءَ رَجُلٌ مِّنْ اءَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَىَّ إِنَّ الْمَلاََيَاءْتَمِرُونَ بِكَلِ يَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّى لَكَ مِنَ النَّصِحِينَ 32](#_Toc362088617)

[(21) فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفاً يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِى مِنَ الْقَوْمِ الظَّلِمِينَ 32](#_Toc362088618)

[نكته ها : 32](#_Toc362088619)

[پيام ها : 32](#_Toc362088620)

[(22) وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَآءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّىَّ اءَن يَهْدِيَنِى سَوَآءَ السَّبِيلِ 34](#_Toc362088621)

[نكته ها : 34](#_Toc362088622)

[پيام ها : 34](#_Toc362088623)

[(23) وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ اءُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَاءَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لاَ نَسْقِى حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَآءُ وَ اءَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ 35](#_Toc362088624)

[(24) فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىَّ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّى لِمَآ اءَنزَلْتَ إِلَىَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ 36](#_Toc362088625)

[نكته ها : 36](#_Toc362088626)

[پيام ها : 36](#_Toc362088627)

[(25) فَجَآءَتْهُ إِحْدَيهُمَا تَمْشِى عَلَى اسْتِحْيَآءٍ قَالَتْ إِنَّ اءَبِى يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ اءَجْرَ مَاسَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَآءَهُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لاَتَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّلِمِينَ 38](#_Toc362088628)

[پيام ها : 39](#_Toc362088629)

[(26) قَالَتْ إِحْدَيهُمَا يََّاءَبَتِ اسْتَئْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَئْجَرْتَ الْقَوِىُّ الاَْمِينُ 40](#_Toc362088630)

[نكته ها : 40](#_Toc362088631)

[پيام ها : 40](#_Toc362088632)

[(27) قَالَ إِنِّىَّ اءُرِيدُ اءَنْ اءُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَىَّ هَتَيْنِ عَلَىَّ اءَن تَاءْجُرَنِى ثَمَنِىَ حِجَجٍ فَإِنْ اءَتْمَمْتَ عَشْراً فَمِنْ عِندِكَ وَ مَآ اءُرِيدُ اءَنْ اءَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِىَّ إِن شَآءَ اللّهُ مِنَ الصَّلِحِينَ 44](#_Toc362088633)

[نكته ها : 45](#_Toc362088634)

[پيام ها : 45](#_Toc362088635)

[اهمّيت ازدواج 48](#_Toc362088636)

[انتخاب همسر 49](#_Toc362088637)

[(28) قَالَ ذَلِكَ بَيْنِى وَبَيْنَكَ اءَيَّمَا الاَْجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلاَ عُدْوَنَ عَلَىَّ وَاللّهُ عَلَى مَانَقُولُ وَكِيلٌ 50](#_Toc362088638)

[نكته ها : 51](#_Toc362088639)

[پيام ها : 51](#_Toc362088640)

[(29) فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الاَْجَلَ وَسَارَ بِاءَهْلِهِ ءَانَسَ مِن جَانِبِ الطُّورِ نَاراً قَالَ لاَِهْلِهِ امْكُثُوَّاْ إِنِّىَّ ءَانَسْتُ نَاراً لَّعَلِّىَّ ءَاتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍاءَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ 51](#_Toc362088641)

[نكته ها : 52](#_Toc362088642)

[پيام ها : 52](#_Toc362088643)

[(30) فَلَمَّآ اءَتَهَا نُودِىَ مِن شَطِئِ الْوَادِ الاَْيْمَنِ فِى الْبُقْعَةِ الْمُبَرَكَةِمِنَ الشَّجَرَةِ اءَنيَ مُوسَىَّ إِنِّىَّ اءَنَا اللّهُ رَبُّ الْعَلَمِينَ 53](#_Toc362088644)

[نكته ها : 53](#_Toc362088645)

[پيام ها : 54](#_Toc362088646)

[(31) وَاءَنْ اءَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَاءَنَّهَا جَآنُّ وَلَّى مُدْبِراً وَلَمْيُعَقِّبْ يَمُوسَىَّ اءَقْبِلْ وَلاَ تَخَفْ إِنَّكَمِنَ الاَْمِنِينَ 55](#_Toc362088647)

[پيام ها : 55](#_Toc362088648)

[(32) اُسْلُكْ يَدَكَ فِى جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوَّءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَنِكَ بُرْهَنَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلاَِيْهِ إِنَّهمْ كَانُواْ قَوْماً فَسِقِينَ 55](#_Toc362088649)

[(33) قَالَ رَبِّ إِنِّى قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْساً فَاءَخَافُ اءَن يَقْتُلُونِ 56](#_Toc362088650)

[نكته ها : 56](#_Toc362088651)

[پيام ها : 57](#_Toc362088652)

[(34) وَ اءَخِى هَرُونُ هُوَ اءَفْصَحُ مِنِّى لِسَاناً فَاءَرْسِلْهُ مَعِىَ رِدْءاً يُصَدِّقُنِىَّ إِنِّىَّ اءَخَافُ اءَن يُكَذِّبُونِ 57](#_Toc362088653)

[(35) قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِاءَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَناً فَلاَ يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بَِايَتِنَآ اءَنتُمَا وَمَنِا تَّبَعَكُمَا الْغَلِبُونَ 58](#_Toc362088654)

[نكته ها : 58](#_Toc362088655)

[پيام ها : 59](#_Toc362088656)

[(36) فَلَمَّا جَآءَهُم مُّوسَى بَِايَتِنَا بَيِّنَتٍ قَالُواْ مَا هَذَآ إِلا سِحْرٌ مُّفْتَرىً وَ مَا سَمِعْنَا بِهَذَافِىَّءَابَآئِنَا الاَْوَّلِينَ 60](#_Toc362088657)

[پيام ها : 60](#_Toc362088658)

[(37) وَ قَالَ مُوسَى رَبِّىَّ اءَعْلَمُ بِمَن جَآءَ بِالْهُدَى مِنْ عِندِهِ وَمَن تَكُونُ لَهُ عَقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لاَيُفْلِحُ الظَّلِمُونَ 61](#_Toc362088659)

[نكته ها : 61](#_Toc362088660)

[پيام ها : 62](#_Toc362088661)

[(38) وَقَالَ فِرْعَوْنُ يََّاءَيُّهَا الْمَلاَُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرِى فَاءَوْقِدْ لِى يَهَمَنُ عَلَىالطِّينِ فَاجْعَل لِّى صَرْحاً لَّعَلِّىَّ اءَطَّلِعُ إِلَىَّ إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّى لاََظُنُّهُ مِنَ الْكَذِبِينَ 62](#_Toc362088662)

[نكته ها : 63](#_Toc362088663)

[پيام ها : 63](#_Toc362088664)

[(39) وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِى الاَْرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ ظَنُّوَّاْ اءَنَّهُمْ إِلَيْنَالاَ يُرْجَعُونَ 64](#_Toc362088665)

[پيام ها : 64](#_Toc362088666)

[(40) فَاءَخَذْنَهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَهُمْ فِى الْيَمِّ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ الظَّلِمِينَ 67](#_Toc362088667)

[نكته ها : 67](#_Toc362088668)

[پيام ها : 67](#_Toc362088669)

[(41) وَجَعَلْنَهُمْ اءَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ لاَ يُنصَرُونَ 68](#_Toc362088670)

[(42) وَاءَتْبَعْنَهُمْ فِى هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ هُم مِّنَ الْمَقْبُوحِينَ 68](#_Toc362088671)

[نكته ها : 68](#_Toc362088672)

[پيام ها : 69](#_Toc362088673)

[(43) وَ لَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَبَ مِن بَعْدِ مَآ اءَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الاُْولَى بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدىً وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ 69](#_Toc362088674)

[نكته ها : 70](#_Toc362088675)

[پيام ها : 70](#_Toc362088676)

[(44) وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِىِّ إِذْ قَضَيْنَآ إِلَى مُوسَى الاَْمْرَ وَمَا كُنتَمِنَ الشَّهِدِينَ 70](#_Toc362088677)

[نكته ها : 71](#_Toc362088678)

[پيام ها : 71](#_Toc362088679)

[(45) وَلَكِنَّآ اءَنشَاءْنَا قُرُوناً فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَ مَا كُنتَ ثَاوِياً فِىَّ اءَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُواْ عَلَيْهِمْ ءَايَتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ 71](#_Toc362088680)

[(46) وَ مَا كُنتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْماً مَّآ اءَتَهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ 72](#_Toc362088681)

[نكته ها : 72](#_Toc362088682)

[پيام ها : 72](#_Toc362088683)

[(47) وَ لَوْلاََّ اءَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةُ بِمَا قَدَّمَتْ اءَيْدِيِهمْ فَيَقُولُواْ رَبَّنَا لَوْلاََّ اءَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولاً فَنَتَّبِعَ ءَايَتِكَ وَ نَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ 73](#_Toc362088684)

[نكته ها : 74](#_Toc362088685)

[پيام ها : 74](#_Toc362088686)

[(48) فَلَمَّا جَآءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُواْ لَوْلاََّ اءُوتِىَ مِثْلَ مَآ اءُوتِىَ مُوسَىَّ اءَوَلَمْ يَكْفُرُواْبِمَآ اءُوتِىَ مُوسَى مِن قَبْلُ قَالُواْ سِحْرَانِ تَظَهَرَا وَقَالُوَّاْ إِنَّا بِكُلٍّ كَفِرُونَ 75](#_Toc362088687)

[نكته ها : 75](#_Toc362088688)

[پيام ها : 75](#_Toc362088689)

[(49) قُلْ فَاءْتُواْ بِكِتَبٍ مِّنْ عِندِ اللّهِ هُوَ اءَهْدَى مِنْهُمَآ اءَتَّبِعْهُ إِن كُنتُمْ صَدِقِينَ 76](#_Toc362088690)

[پيام ها : 76](#_Toc362088691)

[(50) فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُواْ لَكَ فَاعْلَمْ اءَنَّمَا يَتَّبِعُونَ اءَهْوَآءَهُمْ وَ مَنْ اءَضَلُّ مِمَّن اتَّبَعَ هَوَيَهُ بِغَيْرِ هُدىً مِّنَ اللّهِ إِنَّ اللّهَ لاَ يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّلِمِينَ 77](#_Toc362088692)

[نكته ها : 78](#_Toc362088693)

[پيام ها : 78](#_Toc362088694)

[(51) وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ 79](#_Toc362088695)

[(52) اءلَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَبَ مِن قَبْلِهِ هُم بِهِ يُؤْمِنُونَ 79](#_Toc362088696)

[نكته ها : 79](#_Toc362088697)

[پيام ها : 80](#_Toc362088698)

[(53) وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ قَالُوَّاْ ءَامَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّنَآ إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ 80](#_Toc362088699)

[(54) اءُوْلََّئِكَ يُؤْتَوْنَ اءَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُواْ وَ يَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِالسَّيِّئَةَ وَمِمَّارَزَقْنَهُمْ يُنفِقُونَ 81](#_Toc362088700)

[پيام ها : 81](#_Toc362088701)

[(55) وَإِذَاسَمِعُواْ اللَّغْوَ اءَعْرَضُواْ عَنْهُ وَقَالُواْ لَنَآ اءَعْمَلُنَا وَ لَكُمْاءَعْمَلُكُمْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ لاَنَبْتَغِى الْجَهِلِينَ 82](#_Toc362088702)

[نكته ها : 82](#_Toc362088703)

[پيام ها : 83](#_Toc362088704)

[(56) إِنَّكَ لاَ تَهْدِى مَنْ اءَحْبَبْتَ وَلَكِنَّ اللّهَ يَهْدِى مَن يَشَآءُ وَهُوَ اءَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ 84](#_Toc362088705)

[نكته ها : 84](#_Toc362088706)

[پيام ها : 86](#_Toc362088707)

[(57) وَقَالُوَّاْ إِن نَّتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ اءَرْضِنَآ اءَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَماً ءَامِناً يُجْبَىَّ إِلَيْهِ ثَمَرَتُ كُلِّ شَىْءٍ رِّزْقاً مِّن لَّدُنَّا وَلَكِنَّ اءَكْثَرَهُمْ لاَ يَعْلَمُونَ 87](#_Toc362088708)

[نكته ها : 87](#_Toc362088709)

[پيام ها : 88](#_Toc362088710)

[(58) وَكَمْ اءَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسَكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّن بَعْدِهِمْ إِلاقَلِيلاً وَكُنَّا نَحْنُ الْوَرِثِينَ 89](#_Toc362088711)

[نكته ها : 89](#_Toc362088712)

[پيام ها : 90](#_Toc362088713)

[(59) وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى حَتَّى يَبْعَثَ فِىَّ اءُمِّهَا رَسُولاً يَتْلُواْعَلَيْهِمْ ءَايَتِنَا وَمَاكُنَّا مُهْلِكِى الْقُرَىَّإِلا وَ اءَهْلُهَا ظَلِمُونَ 90](#_Toc362088714)

[پيام ها : 90](#_Toc362088715)

[(60) وَمَآ اءُوتِيتُم مِّن شَىْءٍ فَمَتَعُ الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَ زِينَتُهَا وَمَا عِندَ اللّهِ خَيْرٌ وَاءَبْقَىَّ اءَفَلاَ تَعْقِلُونَ 91](#_Toc362088716)

[نكته ها : 91](#_Toc362088717)

[پيام ها : 92](#_Toc362088718)

[(61) اءَفَمَن وَعَدْنَهُ وَعْداً حَسَناً فَهُوَ لَقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَهُ مَتَعَ الْحَيَوةِالدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ 94](#_Toc362088719)

[نكته ها : 94](#_Toc362088720)

[پيام ها : 95](#_Toc362088721)

[(62) وَ يَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ اءَيْنَ شَرَكَآءِىَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ 96](#_Toc362088722)

[(63) قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هََّؤُلاََّءِ الَّذِينَ اءَغْوَيْنَآ اءَغْوَيْنَ هُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّاءْنَآ إِلَيْكَ مَاكَانُوَّاْ إِيَّانَا يَعْبُدُونَ 96](#_Toc362088723)

[(64) وَقِيلَ ادْعُواْ شُرَكَآءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُواْ لَهُمْ وَرَاءَوُاْ الْعَذَابَ لَوْ اءَنَّهُمْ كَانُواْيَهْتَدُونَ 96](#_Toc362088724)

[نكته ها : 97](#_Toc362088725)

[پيام ها : 97](#_Toc362088726)

[(65) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَآ اءَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ 98](#_Toc362088727)

[(66) فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الاَْنبَآءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لاَيَتَسَآءَلُونَ 99](#_Toc362088728)

[(67) فَاءَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَلِحاً فَعَسَىَّ اءَن يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ 99](#_Toc362088729)

[نكته ها : 99](#_Toc362088730)

[پيام ها : 99](#_Toc362088731)

[(68) وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَنَ اللّهِ وَتَعَلَى عَمَّايُشْرِكُونَ 100](#_Toc362088732)

[(69) وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ 100](#_Toc362088733)

[(70) وَهُوَ اللّهُ لاََّ إِلَهَ إِلا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِى الاُْولَى وَ الاَْخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ 101](#_Toc362088734)

[پيام ها : 101](#_Toc362088735)

[(71) قُلْ اءَرَءَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللّهُ عَلَيْكُمُ الَّيْلَ سَرْمَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللّهِ يَاءْتِيكُم بِضِيَآءٍاءَفَلاَ تَسْمَعُونَ 102](#_Toc362088736)

[نكته ها : 102](#_Toc362088737)

[پيام ها : 102](#_Toc362088738)

[(72) قُلْ اءَرَءَيْتُمْ إِن جَعَلَ اللّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللّهِ يَاءْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ اءَفَلاَ تُبْصِرُونَ 103](#_Toc362088739)

[پيام ها : 103](#_Toc362088740)

[(73) وَمِن رَّحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُواْ فِيهِ وَلِتَبْتَغُواْ مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ 104](#_Toc362088741)

[نكته ها : 104](#_Toc362088742)

[پيام ها : 104](#_Toc362088743)

[(74) وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ اءَيْنَ شُرَكَآءِىَ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ 105](#_Toc362088744)

[نكته ها : 105](#_Toc362088745)

[پيام ها : 105](#_Toc362088746)

[(75) وَنَزَعْنَا مِن كُلِّ اءُمَّةٍ شَهِيداً فَقُلْنَا هَاتُواْ بُرْهَنَكُمْ فَعَلِمُوَّاْ اءَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُم مَّاكَانُواْ يَفْتَرُونَ 106](#_Toc362088747)

[نكته ها : 106](#_Toc362088748)

[پيام ها : 107](#_Toc362088749)

[(76) إِنَّ قَرُونَ كَانَ مِن قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَ ءَاتَيْنَهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَآ إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوَّاءُ بِالْعُصْبَةِ اءُوْلِى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لاَتَفْرَحْ إِنَّ اللّهَ لاَ يُحِبُّ الْفَرِحِينَ 107](#_Toc362088750)

[نكته ها : 108](#_Toc362088751)

[پيام ها : 108](#_Toc362088752)

[(77) وَابْتَغِ فِيمَآ ءَاتَكَ اللّهُ الدَّارَ الاَْخِرَةَ وَلاَ تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ اءَحْسِن كَمَآاءَحْسَنَ اللّهُ إِلَيْكَ وَلاَتَبْغِ الْفَسَادَ فِى الاَْرْضِ إِنَّ اللّهَ لاَيُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ 109](#_Toc362088753)

[نكته ها : 109](#_Toc362088754)

[پيام ها : 110](#_Toc362088755)

[(78) قَالَ إِنَّمَآ اءُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ عِندِىَّ اءَوَلَمْ يَعْلَمْ اءَنَّ اللّهَ قَدْ اءَهْلَكَ مِن قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ اءَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ اءَكْثَرُ جَمْعاً وَلاَ يُسْئَلُ عَن ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ 111](#_Toc362088756)

[نكته ها : 111](#_Toc362088757)

[پيام ها : 112](#_Toc362088758)

[(79) فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِى زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا يَلَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَآاءُوتِىَقَرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ 113](#_Toc362088759)

[پيام ها : 113](#_Toc362088760)

[(80) وَقَالَ الَّذِينَ اءُوتُواْ الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ ءَامَنَ وَ عَمِلَ صَلِحاً وَلاَ يُلَقَّهَآإِلا الصَّبِرُونَ 114](#_Toc362088761)

[نكته ها : 114](#_Toc362088762)

[پيام ها : 114](#_Toc362088763)

[(81) فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الاَْرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِن فِئَةٍ يَنصُرُونَهُ مِن دُونِ اللّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ 115](#_Toc362088764)

[نكته ها : 115](#_Toc362088765)

[پيام ها : 115](#_Toc362088766)

[(82) وَاءَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْاْ مَكَانَهُ بِالاَْمْسِ يَقُولُونَ وَ يْكَاءَنَّ اللّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَوْلاََّ اءَن مَّنَّ اللّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَاءَنَّهُ لاَيُفْلِحُ الْكَفِرُونَ 116](#_Toc362088767)

[پيام ها : 116](#_Toc362088768)

[(83) تِلْكَ الدَّارُ الاَْخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لاَ يُرِيدُونَ عُلُوّاً فِى الاَْرْضِ وَلاَفَسَاداً وَالْعَقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ 117](#_Toc362088769)

[نكته ها : 117](#_Toc362088770)

[پيام ها : 118](#_Toc362088771)

[(84) مَن جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَمَن جَآءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلاَ يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُواْالسَّيِّئَاتِ إِلا مَاكَانُواْ يَعْمَلُونَ 118](#_Toc362088772)

[پيام ها : 118](#_Toc362088773)

[(85) إِنَّ الَّذِى فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْءَانَ لَرََّادُّكَ إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَّبِّىَّ اءَعْلَمُ مَن جَآءَ بِالْهُدَى وَ مَنْ هُوَ فِى ضَلَلٍ مُّبِينٍ 119](#_Toc362088774)

[نكته ها : 120](#_Toc362088775)

[پيام ها : 120](#_Toc362088776)

[(86) وَمَا كُنتَ تَرْجُوَّاْ اءَن يُلْقَىَّ إِلَيْكَ الْكِتَبُ إِلا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ فَلاَتَكُونَنَّ ظَهِيراًلِّلْكَفِرِينَ 121](#_Toc362088777)

[نكته ها : 121](#_Toc362088778)

[پيام ها : 122](#_Toc362088779)

[(87) وَ لاَ يَصُدُّنَّكَ عَنْ ءَايَتِ اللّهِ بَعْدَ إِذْ اءُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَ ادْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلاَ تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ 122](#_Toc362088780)

[نكته ها : 123](#_Toc362088781)

[پيام ها : 123](#_Toc362088782)

[(88) وَلاَ تَدْعُ مَعَ اللّهِ إِلَهاً ءَاخَرَ لاََّ إِلَهَ إِلا هُوَ كُلُّ شَىْءٍ هَالِكٌ إِلا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ 124](#_Toc362088783)

[نكته ها : 124](#_Toc362088784)

[پيام ها : 126](#_Toc362088785)